



در سنامه

پاسخ تشریحی استادان و طراحان سوال آزمون های مفهومی - مهارتی به

(سوالات آزمون وکالت ۱۳۹۷)



نمود تخصصی در حوزه حقوق یکی از اهداف عالی ماست

آزمون های مفهومی - مهارتی در سطح ایران بی نظیرند...

شروع دوره جدید از ۱۶ آذر ماه ۱۳۹۷

مشهد: بلوار فردوسی، حاشیه میدان استقلال، پلاک ۳۷۵ موسسه آموزش عالی آزاد اندیشه سازان . ۰۵۱ - ۳۶۰۵۰۰۷۲ (خط ۶)
تهران: میدان توحید (ضلع جنوب شرقی)، روبروی دانشکده پرستاری دانشگاه تهران، پلاک ۲۳۰، موسسه آموزش عالی آزاد فرهنگ تفاهم ۰۲۱ - ۶۶۵۶۵۵۱۱
اصفهان: خیابان فرایبورگ ، نبش کوچه ۱۴، موسسه آموزش عالی آزاد فن پردازان. ۰۳۱-۳۶۲۵۹۱۸۴
جهت مشاهده تمامی همکاران موسسه در سراسر کشور به www.DadSima.com و www.Dadestan.com مراجعه فرمایید.

جهت عضویت **رایگان** در بزرگترین سامانه حقوقی کشور و اطلاع از اخبار آزمون های حقوقی و جدید ترین آراء وحدت رویه

هم اکنون نام **شهر** خود را به سامانه **۳۰۰۰۳۲** پیامک نمایید.

به اطلاع داوطلبان محترم آزمون وکالت ۱۳۹۷ می رساند درسنامه حقوق مدنی توسط استادان و گروه طراحان آزمون های مفهومی و مهارتی داداستان در حال تدوین است و متعاقباً اعلام خواهد شد.

«حقوق مدنی»

۱. حکم موت فرضی غائب مفقودالثر صادر شده و اموال او میان وراث حین الفوت تقسیم شده است اگر پس از صدور حکم موت فرضی و تقسیم اموال، غائب پیدا شود، کدام مورد صحیح است؟

۱) آنچه از عین اموال و منافع و عوض آن که موجود باشد، به غائب باز می گردد.

۲) اگر عین اموال موجود باشد، به غائب باز می گردد، اما در عوض اموال مصرف شدنی، غائب حقی ندارند.

۳) وراث در هر حال در مقابل شخص غائب، موظف به استرداد عین اموال و منافع آن و همچنین پرداخت مثل یا قیمت اموال تلف شده هستند.

۴) اگر عین اموال موجود باشد به غائب باز می گردد، و الا حقی بر وراث ندارد.

۱. گزینه ۱ پاسخ می باشد

نکته ۱: مطابق ماده ۱۰۲۷ قانون مدنی پس از بازگشت غائب، ورثه باید آنچه را که از اعیان یا عوض و یا منافع اموال مزبور حین پیدا شدن غائب موجود می باشد مسترد دارند.

نکته ۲: اما ورثه مسئول اموالی که از بین رفته و عوض آن نیز موجود نیست نخواهند بود مثلاً اگر خانه غائب را فروخته و پول آن را خرج کرده باشند در مقابل غائب مسئولیتی ندارند زیرا در زمان تصرف به حکم قانون مالک مال محسوب می شوند.

۲. عقد وقف در کدام یک از موارد زیر باطل است؟

۱) وقف مالی که میان واقف و موقوف علیه، مشاع باشد.

۳) وقفی که به موجب اراده واقف، متضمن پرداخت نفقه زوجه او از منافع موقوفه است.

۴) وقف مالی که در اجاره شخص دیگری است.

۲. گزینه ۳ پاسخ می باشد

نکته ۱: مطابق ماده ۷۲ قانون مدنی وقف بر نفس به این معنی که واقف خود را موقوف علیه یا جزء موقوف علیهم نماید یا پرداخت دیون یا سایر مخارج خود را از منافع موقوفه قرار دهد، باطل است، اعم از اینکه راجع به حال حیات باشد یا بعد از فوت.

نکته ۲: اما وقف با شرط عوض، بدین ترتیب که موقوف علیهم موظف شوند هزینه زندگی واقف یا دیون او را از خودشان بپردازند (نه از محل منافع موقوفه) چون شرط عوض با مفهوم «تسبیل» منافات دارد شرط باطل است ولی عقد را باطل نمی سازد؛ زیرا خلاف مقتضای ذات عقد نیست.

۳. شخص «الف»، اتومبیل معینی را به عنوان فضولی به شخص «ب» می فروشد. اگر اتومبیل مذکور متعلق به غیر باشد، کدام مورد در خصوص این معامله، صحیح است؟

۱) غیرنافذ است و تنها با تنفیذ «الف» معتبر می شود.

۳) اگر معلوم شود الف از صاحب مال وکالت داشته، معتبر است.

۴) در هر حال غیرنافذ است.

۳. گزینه ۴ پاسخ می باشد

نکته ۱: وفق ماده ۲۵۵ قانون مدنی هرگاه کسی نسبت به مالی به عنوان فضولی معامله نماید و بعد معلوم شود که مال متعلق به غیر (اعم از مولی علیه یا شخص دیگر) بوده در این صورت، معامله غیر نافذ است.

نکته ۲: بدیهی است اگر مال متعلق به مولی علیه او باشد، به حکم ماده مذکور، نفوذ و صحت معامله موکول به اجازه معامل است؛ یعنی ولی قهری می تواند بعد از اینکه متوجه شد مال متعلق به مولی علیه او بوده، با بررسی مصلحت و غبطه مولی علیه عقد را اجازه یا رد نماید.

نکته ۳: اما اگر مال متعلق به شخص دیگری غیر از مولی علیه باشد از دو حال خارج نیست:

یا می دانسته مال متعلق به غیر است و او سمتی در انتقال ندارد و یا اینکه از صاحب مال وکالت در فروش داشته است ولی در زمان معامله، بدین اعتقاد فروخته که حق تصرف در آن را ندارد، از نظر تحلیل حقوقی، در هر دو حالت، عقد غیر نافذ است ولی در حالت اول، مالک مال فقط می تواند عقد را تنفیذ یا رد کند ولی در حالت دوم مطابق ماده ۲۵۵ قانون مدنی، معامل نیز میتواند عقد را تنفیذ یا رد کند.

نکته ۴: اما قرینه ای که می تواند دلالت کند، گزینه در هر حال غیر نافذ است صحیح است، آوردن گزینه ای است که می گوید: "اگر معلوم شود الف از صاحب مال وکالت داشته، معتبر است" می باشد. یعنی طراح می خواسته بگوید: در هر حال (اعم از این که معامل از صاحب مال وکالت داشته یا نداشته) عقد غیر نافذ است. اگر این احتمال مورد نظر طراح سوال باشد، بدیهی است گزینه "غیر نافذ است و تنها با تنفیذ صاحب مال معتبر می شود"

موردنظر نبوده است زیرا در مواردی که معامله کننده از سوی مالک وکالت در انتقال داشته، میتواند با بررسی مصلحت موکل، عقد را اجازه یا رد کند و آن وقت جمله ی "تنها با تنفیذ صاحب مال معتبر می شود" صحیح نیست.

در عین حال، اگر نظر طراح سوال، دادن پاسخ با لحاظ گزینه "اگر معلوم شود الف از صاحب مال وکالت داشته، معتبر است" نبوده، می تواند گزینه صحیح، گزینه ای باشد که می گوید: "غیر نافذ است و تنها با تنفیذ صاحب مال معتبر می شود". اما در مجموع احتمال اول می تواند بیشتر مورد نظر طراح سوال باشد.

۴. کدام مورد در خصوص هزینه های انجام تعهد، صحیح است؟

- (۱) هزینه تادیه ثمن از سوی خریدار، به عهده فروشنده است.
 (۲) هزینه استرداد مورد عاریه، به عهده معیر است.
 (۳) هزینه استرداد مورد ودیعه، به عهده مودع است.
 (۴) هزینه استرداد عین مستاجر در فرض انقضای اجاره، بر عهده موجر است.

۴. گزینه ۳ پاسخ می باشد

نکته ۱: مستودع موظف است که مال مورد ودیعه را به مودع (مالک) رد کند؛ یعنی از آن دست بردارد و در اختیار مودع گذارد، ولی مکلف به تحویل آن نیست. به همین جهت اگر رد مال مستلزم هزینه ای باشد، بر عهده امانت گذار است (ماده ۶۴۳ قانون مدنی). از طرف دیگر، در ودیعه، چون امین به رایگان از مال امانت گذار حفاظت می کند، قانونگذار هزینه ی رد آن را بر عهده او نگذارده است.

نکته ۲: قیاس ودیعه و عاریه صحیح نیست زیرا در عاریه، مستعیر مجازا از مال مورد عاریه استفاده می کند و بدیهی است گرفتن هزینه های رد از مالک، منطبق حقوقی ندارد. بنابراین هزینه های رد مال مورد عاریه بر عهده مستعیر است نه معیر.

نکته ۳: با توجه به ماده ۲۸۱ ق.م.، هزینه های انجام تعهد بر عهده مدیون است. هم چنین با عنایت به ماده ۳۸۱ ق.م. مخارج تسلیم مبیع از قبیل اجرت حمل آن به محل تسلیم، اجرت شمردن و وزن کردن و غیره بر عهده بایع است و مخارج تسلیم ثمن بر عهده مشتری است.
 نکته (۴): با توجه به توضیحات فوق الذکر، هزینه های استرداد عین مستاجر بر عهده مستاجر است زیرا بعد از پایان مدت اجاره، مستاجر وظیفه دارد که عین مستاجر را تخلیه و تسلیم موجر کند و بدیهی است پرداخت هزینه های این تکلیف نیز بر عهده اوست.

۵. بیع اعیان ترکه توسط وراث در فرضی که دیونی به ترکه تعلق گرفته است، چگونه است؟

(۱) نافذ است، اما طلبکاران می توانند معامله را فسخ کنند.

(۲) نافذ نیست و با تنفیذ طلبکاران یا پرداخت دیون آنها، نافذ می شود.

(۳) نافذ است و طلبکاران به نسبت سهم وراث حق رجوع به آن را دارند.

(۴) نافذ نیست و تنها با تنفیذ طلبکاران، نافذ می شود.

۵. گزینه ۲ پاسخ می باشد

نکته ۱ به موجب ماده ۸۷۱ قانون مدنی، هرگاه ورثه نسبت به اعیان ترکه معاملاتی نمایند، مادام که دیون متوفی تادیه نشده است معاملات مزبوره نافذ نبوده و دیان می توانند آن را بر هم زنند.

نکته ۲: پس قانون گذار یک حق عینی تبعی برای طلبکاران قائل شده که پس از پرداخت دیون یا اخذ موافقت طلبکاران، معامله را نافذ و صحیح می داند.
 نکته ۳: اگر معامله نسبت به منافع و حقوق صورت گیرد مشمول ماده نیست و انتقال آن صحیح تلقی می شود. لذا حکم ماده فقط ناظر به انتقال اعیان ترکه است نه منافع و حقوق.

نکته ۴: واژه دقیق تر برای چنین معاملاتی، غیر قابل استناد است؛ یعنی معامله نسبت به طرفین نافذ صحیح است ولی نسبت به ثالث باطل و ذاتاً فاقد اعتبار است. برخی عدم نفوذ در ماده ۸۷۱ قانون مدنی را غیر نافذ نسبی می دانند، نه مطلق؛ یعنی معامله نسبت به ثالث (طلبکار) نافذ نیست ولی نسبت به طرفین نافذ است و لذا آن را مرادف با غیر قابل استناد می دانند.

۶. در صورتی که از نقض تعهد قراردادی، خسارتی وارد شده باشد، کدام مورد در خصوص اختیار متعهد، صحیح است؟

(۱) حق مطالبه توام خسارت عدم انجام تعهد و اجرای اصل تعهد را دارد.

(۲) پیش از الزام به ایفای تعهد نیز حق مطالبه به خسارت تاخیر در انجام تعهد را دارد.

(۳) فقط حق مطالبه خسارت فعلی را دارد و نسبت به خسارت آینده، مطلقاً حقی ندارد.

(۴) در صورت اثبات، حق مطالبه عدم النفع محتمل را دارد.

۶. گزینه ۲ پاسخ می باشد

نکته ۱: با توجه به ماده ۲۳۰ قانون مدنی طرفین می توانند برای جبران خسارات وارده، نسبت به تعیین مبلغ توافق نمایند. فایده چنین توافقی این است که زیان دیده از اثبات ورود خسارت معاف می شود و همچنین دادگاه حق ندارد، نه به بیشتر و نه به کمتر حکم صادر نماید.

نکته ۲: خسارت عدم انجام تعهد با اصل تعهد قابل جمع نیست، یعنی طلبکار نمی تواند هم اجبار مدیون را به وفای به عهد را بخواهد و هم خسارت انجام نشدن تعهد را. حق بر مطالبه خسارت زمانی آغاز میشود که فرصت انجام دادن تعهد پایان یافته است. منشأ حق، از دست رفتن عوض قراردادی است و مسئولیت مدیون نیز از همین حرمان مایه می گیرد. پس طبیعی است که طلبکار نتواند هم اصل طلب را بخواهد و هم بدل آن را.

نکته ۳: برعکس، خسارت تاخیر انجام تعهد با اصل تعهد قابل جمع است. خسارت تاخیر را در جایی میتوان مطالبه کرد که اصل تعهد باقی و قابل اجرا باشد. بنابراین اگر در قولنامه بیاید که متعهد به فروش زمین، در صورت تاخیر باید روزانه ۱۰۰ هزار تومان بپردازد، مطالبه این خسارات منافاتی با درخواست الزام او بر انتقال زمین ندارد.

نکته ۴: مطالبه خسارات آینده هر چند قطعی باشد، با این ایراد مواجه شده که، چون ظرف تحقق خسارت، زمان آینده است، پس بدیهی است که در حال حاضر خسارتی به وجود نیامده است تا موجب مسئولیت فعل متعهد باشد زیرا ظرف زمان تحقق، یکی از ارکان تحقق خسارت است و بدون آن وجود خسارت قابل تصور نیست؛ ولی با همه این وجود خسارات آینده در ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ قابل مطالبه معرفی شده است (ماده ۷۱۲ قانون سابق هم این خسارات را قابل مطالبه می دانست).

نکته ۵: وفق ماده ۲۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی، ضرر و زیان ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست. و وفق تبصره ۲ ماده ۵۱۵ همان قانون، خسارات ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست؛ ولی با توجه به اصول حقوقی به نظر می رسد به منظور هماهنگ ساختن نظام حقوقی، عدم النفع را در موارد مذکور باید منصرف از منفعی دانست که تفویض آن بر مبنای مسیر متعارف امور مسلم به نظر می رسد. بنابراین عدم النفع محقق و مسلم قابل مطالبه است ولی عدم النفع احتمالی قابلیت مطالبه ندارد.

۷. کدام مورد در خصوص مسئولیت ناشی از نگهداری حیوانات، صحیح است؟

(۱) نگهداری حیوانی که شخص توانایی حفظ آن را ندارد، فی نفسه تقصیر است.

(۲) صاحب هر نوع حیوان، تنها در صورتی مسئول است که تقصیر او در نگهداری از حیوان اثبات شود

(۳) چنانچه صاحب حیوان از خطر حمله آگاه باشد، مسئول است، مگر اینکه توانایی حفظ حیوان را نداشته باشد،

(۴) چنانچه صاحب حیوان از خطر حمله آگاه نباشد، مطلقاً مسئول نیست

۷. گزینه ۱ پاسخ می باشد

نکته ۱: مطابق ماده ۳۳۴ قانون مدنی، مالک یا متصرف حیوان مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می شود، مگر اینکه در حفظ حیوان تقصیر کرده باشد.

نکته ۲: وفق ماده ۵۲۲ قانون مجازات اسلامی، متصرف هر حیوانی که از احتمال حمله آن آگاه است باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر تقصیر او، حیوان مزبور به دیگری صدمه وارد سازد، ضامن است. ولی اگر از احتمال حمله حیوان آگاه نبوده و عدم آگاهی ناشی از تقصیر او نباشد، ضامن نیست.

نکته ۳: با توجه به تبصره یک ماده ۵۲۲، نگاهداری حیوانی که شخص توانایی حفظ آن را ندارد، تقصیر محسوب میشود. همچنین نگاهداری هر وسیله یا شیء خطرناک که دیگران را در معرض آسیب قرار دهد و شخص قادر به حفظ و جلوگیری از آسیب رسانی آن نباشد، مشمول حکم تبصره ۱ ماده مذکور میباشد (تبصره ۲ ماده ۵۲۲).

۸. در بیمه شخص ثالث، در کدام مورد، بیمه گر نمی تواند پس از جبران خسارت زیان دیده، به راننده مسبب حادثه رجوع کند؟

(۱) راننده مسبب حادثه، از مسروقه بودن وسیله نقلیه آگاه باشد. (۲) خسارت، ناشی از مستی راننده مسبب حادثه باشد.

(۳) زیان دیده فاقد گواهینامه باشد. (۴) خسارت، ناشی از استعمال مواد روان گردان توسط راننده مسبب حادثه باشد.

۸. گزینه ۳ پاسخ می باشد

نکته ۱: مطابق ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری خسارات وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوبه ۱۳۹۵/۰۲/۲۰، در موارد زیر بیمه گر مکلف است بدون هیچ شرط و اخذ تضمین، خسارت زیان دیده را پرداخت کند و پس از آن می تواند به قائم مقامی زیان دیده از طریق مراجع

قانونی برای باز یافت تمام یا بخشی از وجوه پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده است مراجعه کند:

الف) اثبات عمد مسبب در ایجاد حادثه نزد مراجع قضایی

(ب) رانندگی در حالت مستی یا استعمال مواد مخدر یا روانگردان موثر در وقوع حادثه که به تأیید نیروی انتظامی یا پزشکی قانونی یا دادگاه رسیده باشد.
 (پ) در صورتی که راننده مسبب، فاقد گواهینامه رانندگی باشد یا گواهینامه او متناسب با نوع وسیله نقلیه نباشد.
 (ت) در صورتی که راننده مسبب، وسیله نقلیه را سرقت کرده یا از مسروقه بودن آن، آگاه باشد.

نکته ۲: در متن سوال، قید شده زبان دیده فاقد گواهینامه باشد، در حالی که مطابق قانون باید راننده مسبب، فاقد گواهینامه باشد.

۹. براساس قانون مدنی، اگر مالک به نحوی از انحاء، حق خود را به یکی از غاصبان منتقل کند، کدام مورد در خصوص آن غاصب، صحیح است؟

- (۱) فقط می تواند به غاصبی رجوع کند که مال در ید او تلف شده است. (۲) دارای همان حقی خواهد بود که مالک دارا بوده است.
 (۳) فقط می تواند به یکی از لاحقین خود رجوع کند (۴) در صورتی که انتقال مجانی باشد، حق رجوع به غاصبان دیگر را ندارد.
 ۹. گزینه ۲ پاسخ می باشد

نکته ۱ مطابق ماده ۳۲۱ قانون مدنی، اگر مالک حق خود را به یکی از غاصبین به نحوی از انحاء انتقال دهد، آنکس قائم مقام مالک می شود و دارای همان حقی خواهد بود که مالک دارا بوده است.

نکته ۲: اما اگر مالک حق خود را به مسئول نهایی (تلف کننده) منتقل می کرد، او مالک مافی الذمه خودش می شد و دیگر حق رجوع به هیچکس را نداشت.

۱۰. در عقد نکاح در دو فرض زیر، کدام مورد صحیح است؟

فرض اول - عدم رعایت مصلحت موکل

فرض دوم - خروج از حدود اختیارات توسط وکیل

(۱) در فرض اول، نکاح غیرنافذ است و در فرض دوم، نکاح صحیح و قابل فسخ است.

(۲) در فرض اول، نکاح صحیح و قابل فسخ است و در فرض دوم، نکاح غیرنافذ است

(۳) در فرض اول، نکاح صحیح و غیرقابل فسخ است و در فرض دوم، نکاح غیرنافذ است.

(۴) در هر دو فرض، نکاح غیرنافذ و منوط به تنفیذ موکل است

۱۰. گزینه ۴ پاسخ می باشد

نکته ۱: مطابق ماده ۱۰۷۳ قانون مدنی اگر وکیل از آنچه که موکل راجع به شخص یا مهر یا خصوصیات دیگر معین کرده تخلف کند، صحت عقد متوقف بر تنفیذ موکل خواهد بود.

نکته ۲: وفق ماده ۱۰۷۴ قانون مدنی، حکم ماده فوق در موردی نیز جاری است که وکالت بدون قید بوده و وکیل مراعات مصلحت موکل را نکرده باشد.

بنابراین در هر دو فرض (اعم از عدم رعایت مصلحت موکل و یا خروج از حدود اختیارات توسط وکیل) عقد نکاح غیر نافذ و منوط به تنفیذ موکل است.

۱۱. در صورتی که اختیار تعیین مهر به شخص ثالث داده شود، کدام مورد صحیح است؟

(۱) شخص ثالث نمی تواند بیش از مهرالتمعه معین کند.

(۲) اصولاً شخص ثالث در تعیین مهر به هر میزان، مختار است

(۳) شخص ثالث نمی تواند بیش از صدوده سکه بهار آزادی معین کند

(۴) شخص ثالث نمی تواند بیش از مهرالمثل معین کند.

۱۱. گزینه ۲ پاسخ می باشد

نکته ۱: مطابق ماده ۱۰۸۲ مدنی تعیین مهر با طرفین عقد می باشد ولی می توانند با یکدیگر توافق کنند که ثالثی مهر را تعیین کند (مفوضه المهر). در این

صورت، مطابق ماده ۱۰۸۹ قانون مدنی، ثالث می تواند هر میزان بخواهد معین کند.

نکته ۲: همچنین طرفین می توانند توافق کنند که حق تعیین مهر با زوجه باشد که در این حالت، مطابق ماده ۱۰۹۰ ق.م. زوجه نمی تواند بیش از

مهرالمثل تعیین نماید.

نکته ۳: ثالثی که تعیین می شود داور طرفین است نه وکیل آنان و اگر سمت را قبول نکند یا فوت و حجر برایش اتفاق افتد، دادگاه مهرالمسمی را به اندازه

مهرالمثل تعیین خواهد کرد.

۱۲. در صورت تفاوت قیمت مبیع در وضعیت بی عیبی با ثمن معامله، ارش در خیار عیب چگونه محاسبه می شود؟

(۱) فروشنده موظف است مابه التفاوت قیمت مبیع در وضعیت معیوبی و وضعیت بی عیبی را به عنوان ارش به مشتری بپردازد.

(۲) قیمت حقیقی مبیع در وضعیت معیوبی و قیمت حقیقی آن در وضعیت بی عیبی تعیین می شود و فروشنده باید از ثمن مقرر به همان نسبت را به مشتری رد کند و مابقی را نگه دارد.

(۳) قیمت حقیقی مبیع در وضعیت معیوبی و قیمت حقیقی آن در وضعیت بی عیبی تعیین می شود و فروشنده باید از ثمن مقرر به همان نسبت نگه داشته و بقیه را به عنوان ارش، به مشتری رد کند.

(۴) فروشنده موظف است مابه التفاوت قیمت مبیع در وضعیت بی عیبی با ثمن معامله را به عنوان ارش به مشتری بپردازد.

۱۲. گزینه ۳ پاسخ می باشد

نکته ۱: ارش استرداد قسمتی از ثمن نیست، بلکه نوعی غرامت است و نحوه محاسبه آن در ماده ۴۲۷ قانون مدنی آمده است و ملاک محاسبه آن قیمت

زمان عقد است و اگر عیب بعد از عقد و قبل از قبض یا بعد از عقد و قبض و در زمان خیار مختص مشتری باشد، قیمت زمان حدوث عیب ملاک است.

نکته ۲: نحوه محاسبه ارش: ۱: اگر قیمت مبیع در حال سلامت و قیمت آن در حال معیوبی تعیین شود و قیمت مبیع در حال سلامت مساوی با ثمن معامله باشد، تفاوت این دو قیمت (قیمت مال در حال سلامت و در حال معیوبی) مقدار ارش خواهد بود. ۲: ولی اگر قیمت مبیع در حال سلامت کمتر یا زیادتر از ثمن معامله باشد، نسبت بین قیمت مبیع در حال معیوبی و قیمت آن در حال سلامت معین می شود و بایع به همان نسبت (مثلاً یک سوم) از ثمن معامله را برای خودش نگاه داشته و بقیه را به عنوان ارش به مشتری رد می کند.

۱۳. کدام مورد در خصوص رجوع خریدار به فروشنده فضولی، بابت جبران خسارت، صحیح است؟

(۱) فروشنده موظف به جبران خسارت خریدار ناآگاه از فساد است، خواه خود او (فروشنده) به فساد بیع آگاه باشد یا ناآگاه

(۲) فروشنده ای که به فساد بیع آگاه است، در هر حال در مقابل خریدار ضامن است، خواه خریدار به فساد بیع آگاه باشد یا ناآگاه

(۳) تنها در فرضی که فروشنده از فساد بیع آگاه و خریدار از فساد بیع ناآگاه است، فروشنده موظف به جبران خسارت خریدار است

(۴) در صورت وقوع خسارت و اثبات آن، در هر حال فروشنده باید خسارت خریدار را جبران کند

۱۳. گزینه ۱ پاسخ می باشد

نکته ۱: در صورتی که معامله فضولی توسط مالک رد شود، معامله باطل شده و مشتری در صورتی که بر فضولی بودن معامله جاهل باشد حق دارد برای (۱) - ثمن ۲- غرامات و خسارات) به بایع فضولی رجوع کند. بدیهی است اگر عالم باشد، فقط حق رجوع برای استرداد ثمن دارد ولی برای خسارات حق رجوع ندارد.

نکته ۲: در رجوع مشتری جاهل به بایع فضولی، فرقی نمی کند که بایع فضولی نسبت به موضوع آگاه باشد یا جاهل؛ در هر دو صورت، مشتری حق رجوع به بایع را دارد (ماده ۲۶۳ قانون مدنی).

۱۴. با این فرض که قرارداد طرفین تابع قانون پیش فروش ساختمان است، در صورت عدم پرداخت به موقع اقساط قرارداد پیش فروش توسط پیش خریدار، پیش فروشنده چه حقی دارد؟

(۱) پیش فروشنده باید ابتدا دعوی الزام به پرداخت بهای قرارداد را مطرح کند و در صورت عدم امکان الزام، پیش فروشنده حق فسخ دارد.

(۲) پیش فروشنده یک ماه پس از تاریخ سررسید دین و عدم پرداخت بها در مدت یادشده، حق فسخ قرارداد را دارد.

(۳) پیش فروشنده به محض عدم پرداخت بها، حق فسخ قرارداد پیش فروش یا الزام خریدار به ادای دین را دارد.

(۴) چنانچه پیش خریدار ظرف یک ماه پس از ابلاغ اخطار دفترخانه نسبت به پرداخت بها اقدام نکند، پیش فروشنده حق فسخ قرارداد را دارد

۱۴. گزینه ۴ پاسخ می باشد

نکته: مطابق ماده ۱۶ قانون پیش فروش ساختمان، در صورت عدم پرداخت اقساط بها یا عوض قراردادی در مواعد مقرر، پیش فروشنده باید مراتب را کتبا

به دفترخانه تنظیم کننده سند اعلام کند. دفترخانه مکلف است ظرف مهلت یک هفته به پیش خریدار اخطار نماید تا ظرف یک ماه نسبت به پرداخت

اقساط معوقه اقدام نماید. در غیر اینصورت، پیش فروشنده حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.

۱۵. کدام مورد در خصوص تصرف شرکا در مال مشاع، صحیح است؟

(۱) تصرف مادی و حقوقی هر شریک در جزء مشاع متعلق به خود، نیازمند اذن شریک نیست.

(۲) هر نوع تصرفی، خواه مادی خواه حقوقی در جزء مشاع یا کل مال مشترک، نیازمند اذن شریک است.

(۳) هر نوع تصرف مادی منوط به اذن شریک است، اما تصرف حقوقی هر شریک در جزء مشاع متعلق به خود، نیازمند اذن شریک نیست

(۴) تصرف حقوقی نسبت به کل، چنانچه بدون اذن شریک انجام شود، باطل است.

۱۵. گزینه ۳ پاسخ می باشد

نکته ۱: تصرفات حقوقی در مال مشاع، به این ترتیب که شریک حق تصرف در سهم خود (اعم از فروش و غیره) داشته باشد نیاز به اذن شریک ندارد (ماده ۴۷۵ و ۵۸۳ قانون مدنی) بنابراین هر یک از شرکاء میتواند بدون رضایت شرکاء دیگر سهم خود را جزئاً یا کلاً به ثالثی منتقل کند.

نکته ۲: اما تصرفات حقوقی در سهم شریک مطابق ماده ۵۸۱ قانون مدنی فصولی و غیر نافذ خواهد بود.

نکته ۳: تصرفات مادی در مال مشاع، چون جز مال متعلق به هر کدام از شرکاست بدون اذن شریک دیگر ممکن نیست؛ به همین جهت ماده ۴۷۵ قانون مدنی مقرر می دارد: اجاره مال مشاع جایز است لیکن تسلیم عین مستاجر موقوف است به اذن شریک.

۱۶. با فرض اینکه ضامن در حین عقد ضمان، از مضمون عنه اذن گرفته باشد، هرگاه در مرحله پرداخت، شخص

ثالثی دین را به مضمون له پرداخت کند، کدام مورد صحیح است؟

(۱) ضامن، در حال حق رجوع به مضمون عنه را دارد.

(۲) اگر شخص ثالث، تبرعاً دین را پرداخت کرده باشد، ضامن حق رجوع به مضمون عنه را ندارد.

(۳) اگر شخص ثالث، با اذن ضامن پرداخته باشد، ولو به قصد تبرع، ضامن حق رجوع به مضمون عنه را دارد.

(۴) ضامن، مطلقاً حق رجوع به مضمون عنه را ندارد.

۱۶. گزینه ۲ پاسخ می باشد

نکته (مطابق ماده ۷۱۹ قانون مدنی هرگاه مضمون له ضامن را ابرا نماید یا ثالثی مجاناً دین را پرداخت کند، ضامن حق رجوع به مضمون عنه را ندارد زیرا ضامن غرامتی ندیده است تا بتواند به مضمون عنه رجوع نماید.

۱۷. اگر در بیع، با بایع حواله داده باشد که مشتری ثمن را به شخصی بدهد و بعد بطلان بیع معلوم شود، کدام مورد در خصوص حواله، صحیح است؟

(۱) صحیح است، زیرا برای صحت حواله، لازم نیست محال علیه مدیون محیل باشد.

(۲) باطل است، زیرا برای صحت حواله، لازم است محال علیه مدیون محیل باشد

(۳) صحیح است، لکن محال علیه بری می شود

(۴) باطل است، هر چند برای صحت حواله، لازم نیست محال علیه مدیون محیل باشد.

۱۷. گزینه ۴ پاسخ می باشد

نکته ۱: در صورتیکه متعاقب وقوع بیع، حواله ای صادر شده باشد (اعم از این که بایع به عنوان محیل به مشتری به عنوان محال علیه حواله دهد که ثمن را به ثالثی به عنوان محتال بپردازد یا اینکه مشتری به عنوان محیل به ثالثی به عنوان محال علیه حواله دهد که ثمن را به بایع به عنوان محتال بپردازد) و بعد بطلان بیع ثابت شود، حواله نیز باطل می باشد و اگر محتال ثمن را اخذ کرده باشد باید مسترد کند.

نکته ۲: در حواله لازم نیست محال علیه مدیون به محیل باشد به همین جهت ماده ۷۲۷ قانون مدنی مقرر می دارد: برای صحت حواله لازم نیست محال علیه مدیون به محیل باشد، در این صورت، محال علیه پس از قبولی در حکم ضامن است. بدیهی است در صورتی که محال علیه مدیون محیل نباشد، بعد از ادای وجه حواله، می تواند به همان مقداری که پرداخته است، به محیل رجوع کند.

۱۸. بر مبنای قانون مدنی، کدام مورد در خصوص منافع عین مرهونه، صحیح است؟

(۱) منافع متصل، داخل در رهن است و منافع منفصل، داخل در رهن نیست. (۲) اگر منافع، عین مستقلاً را تشکیل دهد، داخل در رهن است.

(۳) منافع، خواه متصل باشد یا منفصل، داخل در رهن است. (۴) از آنجا که رهن منفعت باطل است، منافع عین مرهونه، داخل در رهن نیست.

۱۸. گزینه ۱ پاسخ می باشد

نکته (مطابق ماده ۷۸۶ قانون مدنی، ثمره رهن و زیادتی که ممکن است در آن حاصل شود، در صورتیکه متصل باشد جزو رهن خواهد بود و در صورتی که منفصل باشد، متعلق به راهن است مگر اینکه در ضمن عقد بین طرفین ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

۱۹. اگر موصی به کلی باشد، کدام مورد در خصوص تعیین فرد صحیح است؟

(۱) با موصی له است و او می تواند از فرد متوسط انتخاب کند

(۲) با ورثه است و آنان موظف به انتخاب مصداق متوسط هستند.

(۳) با ورثه است و آنان باید از بین مصدایقی که عرفاً معیوب نباشد، انتخاب کنند. (۴) با موصی له است و او می تواند هر مصداقی را انتخاب کند.

۱۹. گزینه ۳ پاسخ می باشد

نکته ۱: اگر موصی به مال کلی باشد (یعنی صادق بر افراد عیدیه باشد) تعیین فرد موصی به، با ورثه خواهد بود مگر اینکه در وصیت طور دیگری مقرر شده باشد که به همان طریق عمل خواهد شد.

نکته ۲: بدیهی است ورثه باید از بین مصادیقی که عرفاً معیوب نباشد مال را انتخاب نمایند (ملاک ماده ۲۷۹ قانون مدنی). در این ماده مقرر شده: اگر موضوع تعهد عین شخصی نبوده و کلی باشد، متعهد مجبور نیست که از فرد اعلای آن ایفا کند، لیکن از فردی هم که عرفاً معیوب محسوب است نمی تواند بدهد.

۲۰. کدام مورد در خصوص قتل به عنوان مانع ارث، صحیح است؟

- (۱) قتل در تمام موارد، خواه عمدی یا غیرعمدی
(۲) در تمام موارد، تنها قتل عمد
(۳) قتل عمد و شبه عمد، مطلقاً
(۴) قتل عمد، همواره و قتل غیرعمدی، در مورد خاصی

۲۰. گزینه ۴ پاسخ می باشد

نکته ۱: اگر منظور طراح سوال صرفاً مقررات قانون مدنی باشد (که از این جهت سوال ابهام دارد) مطابق ماده ۸۸۰ قانون مدنی، قتل عمدی مانع ارث است. در این ماده آمده است: "قتل از موانع ارث است. بنابراین کسی که مورث خود را عمداً بکشد از ارث او ممنوع می شود. اعم از اینکه قتل بالمباشرت باشد یا بالتسبیب و منفرداً باشد یا به شرکت دیگری".

نکته ۲: اما اگر منظور طراح، مقررات حقوق موضوعه به طور کلی باشد، مطابق ماده ۴۵۱ قانون مجازات اسلامی، در صورتی که قاتل از ورثه مقتول باشد، چنانچه قتل عمدی باشد از اموال و دیه مقتول و در صورتیکه خطای محض یا شبه عمدی باشد از دیه وی ارث نمی برد. بنابراین در این سوال پاسخ می تواند گزینه ۴ هم باشد ولی با توجه به اینکه در سوال ۷، طراح سوال در پاسخ به تبصره یک ماده ۵۲۲ قانون مجازات اسلامی نظر داشته است، به نظر می رسد در سوال ۲۰ می توانسته پاسخ را بر مبنای قانون مجازات اسلامی مشخص کرده باشد.

«آیین دادرسی مدنی»

۲۱. چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون حاکم بر دعوا را خلاف شرع بداند، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) فقط در دعوی غیرمالی می تواند از رسیدگی امتناع کند.
(۲) باید از رسیدگی امتناع کند، مگر دعوی مطروحه راجع به اصل نکاح و یا طلاق باشد.
(۳) باید از رسیدگی امتناع کند، حتی اگر دعوی مطروحه راجع به اصل نکاح و یا طلاق باشد.
(۴) می تواند از رسیدگی امتناع کند و نوع دعوا اثری ندارد.

۲۱. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

هر چند مطابق با صدر ماده ۳ از آیین دادرسی مدنی قضات دادگاه ها مکلف است مطابق قانون به دعوی رسیدگی نمایند. و تمامی قوانین از لحاظ شرعی بودن در شورای نگهبان بررسی می گردد و نظر این شورا فصل الخطاب است و تمامی ایرانیان و افراد مقیم کشور تابع این قوانین شرعی هستند. لیکن بنابر تبصره همان ماده و بر اساس یک اصل شرعی که قاضی مجتهد را نمی توان به قبول آراء مخالف نظر خود اجبار و تسلیم نمود، قضات دادگاه ها چنانچه مجتهد باشند و قانون را خلاف شرع بدانند، می توانند از رسیدگی امتناع نمایند و پرونده را به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد. هر چند بهتر بود که در این تبصره به جای شعبه دیگر، ابتدائاً دیگر دادرسان همان شعبه آورده می شد.
(۴) می تواند از رسیدگی امتناع کند و نوع دعوا اثری ندارد.

۲۲. چنانچه قاضی به علت تخلف انتظامی که در زمان قضاوت مرتکب شده، تحت پیگرد انتظامی قرار گیرد و در جریان رسیدگی به تخلف

وی، از خدمت قضائی به طور دائم منفک شود، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) تعقیب انتظامی موقوف می شود مگر آنکه به شغل اداری منتقل شده باشد که در این صورت، به تخلف وی در مراجع انتظامی قضات رسیدگی می شود.
(۲) تعقیب انتظامی موقوف می شود حتی اگر به شغل اداری منتقل شده باشد.
(۳) تعقیب انتظامی در هر حال تا پایان ادامه می یابد.
(۴) تعقیب انتظامی موقوف می شود مگر آنکه به شغل اداری منتقل شده باشد که در این صورت، به تخلف وی در هیئت رسیدگی به تخلفات اداری رسیدگی می شود.

۲۲. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

عطف به بند ۳ از ماده ۲۵ قانون نظارت بر رفتار قضات چنانچه قاضی که تخلف وی منسوب است یا بازنشسته، باز خرید، مستفی شود تعقیب انتظامی متوقف می شود.

۲۳. چنانچه وکیلی فاقد شرایط مقرر در قانون «کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری» تشخیص داده شود، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) تشخیص با کانون وکلای دادگستری است، اما باید مراتب را به دادگاه عالی انتظامی قضات اعلام و درخواست رسیدگی کند. در این صورت، باید حکم تعلیق وکیل تا صدور حکم قطعی صادر شود.
- ۲) تشخیص با کانون وکلای دادگستری است، اما باید مراتب را به دادگاه انتظامی وکلا اعلام و درخواست رسیدگی کند. پروانه وکالت تا صدور حکم قطعی معتبر است، مگر اینکه دادگاه انتظامی وکلا، حکم تعلیق وکیل را صادر کند.
- ۳) تشخیص با کانون وکلای دادگستری است، اما باید مراتب را به دادگاه عالی انتظامی قضات اعلام و درخواست رسیدگی کند. پروانه وکالت تا صدور رأی قطعی معتبر است، اما دادگاه انتظامی کانون می تواند حکم تعلیق وکیل را صادر کند.
- ۴) تشخیص با کانون وکلای دادگستری است، اما باید مراتب را به دادگاه انتظامی وکلا اعلام و درخواست رسیدگی کند. در این صورت، باید حکم تعلیق وکیل تا صدور حکم قطعی صادر شود.

۲۳. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

به موجب تبصره ۵ از ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری

۲۴. در خصوص گرفتن پروانه کارشناسی از کانون کارشناسان رسمی دادگستری، توسط کارمندان شاغل قضائی

و ارجاع امر کارشناسی توسط دادگاه به آنها، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) می توانند دریافت کنند، اما دادگاه ها در هیچ صورتی نمی توانند امر کارشناسی را به آنها ارجاع کنند ولی سایر مراجع می توانند.
- ۲) می توانند دریافت کنند، اما ارجاع امر کارشناسی به آنها، فقط با توافق طرفین امکان پذیر است.
- ۳) نمی توانند دریافت کنند، مگر به شغل اداری منتقل شوند.
- ۴) می توانند دریافت کنند، اما دادگاه ها نمی توانند امر کارشناسی را به آنها ارجاع کنند. مگر در آن رشته کارشناس دیگری نباشد.

۲۴. گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

به موجب ماده ۳۳ از قانون کارشناسان رسمی دادگستری کارشناس دیگری نباشد.

۲۵. چنانچه نسبت به موارد مشابه، با استنباط متفاوت از قوانین آرای مختلفی صادر شود، در چه صورتی رأی وحدت رویه هیئت عمومی

دیوان عالی کشور صادر می شود؟

- ۱) رئیس دیوان عالی کشور و یا دادستان کل کشور مطلع شده و از هیئت عمومی درخواست کنند. هر ذی نفعی و کانون وکلای دادگستری می توانند از طریق مقامات مزبور درخواست کنند.
- ۲) رئیس دیوان عالی کشور و یا دادستان کل کشور مطلع شده و از هیئت عمومی درخواست کنند، وکلای دادگستری نیز می توانند از طریق این مقامات درخواست کنند.
- ۳) هیئت عمومی دیوان عالی کشور از هر طریقی که مطلع شود.
- ۴) رئیس دیوان عالی کشور و یا دادستان کل کشور مطلع شده و از هیئت عمومی درخواست کنند. وکلای دادگستری نمی توانند از طریق مقامات مزبور درخواست کنند؛ اما کانون وکلای دادگستری می تواند.

۲۵. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

استناد ماده واحده مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ و رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور به هر طریقی که آگاه شوند مکلفند نظر به هیأت عمومی در موضوع سوال به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست نمایند.

۲۶. چنانچه یکی از کارمندان شهرداری به تصمیم مدیرکل کارگزینی شهرداری نسبت به خود، اعتراض داشته باشد و ضمناً مدعی باشد که

اجرای تصمیم مذکور، منجر به ورود خسارات جبران ناپذیر خواهد شد، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) این امر در صلاحیت دیوان عدالت اداری است و امکان درخواست دستور موقت نیز وجود داشته و درخواست دستور موقت و صدور قرار دستور موقت، مستلزم پرداخت هزینه دادرسی و تودیع تأمین نیست.
- ۲) این امر در صلاحیت دیوان عدالت اداری است و امکان درخواست دستور موقت نیز وجود داشته و درخواست دستور موقت و صدور قرار دستور موقت، مستلزم پرداخت هزینه دادرسی و تودیع تأمین است.
- ۳) این امر در صلاحیت دیوان عدالت اداری است و امکان درخواست دستور موقت نیز وجود داشته و درخواست دستور موقت نیاز به پرداخت هزینه دادرسی ندارد، ولی صدور قرار، مستلزم تودیع تأمین است.
- ۴) این امر در صلاحیت هیئت رسیدگی به تخلفات اداری است و هیئت در این موضوع، حق صدور دستور موقت ندارد.

۲۶. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

به موجب بند ۳ از ماده ۱۰ و همچنین ماده ۳۴ به بعد از همان قانون و ۱۹ همان قانون

۲۷. راجع به رجوع در طلاق میان زن و مردی، اختلافاتی ایجاد و در دادگاه صالح مطرح می شود. در خصوص ارجاع امر به شورای حل اختلاف، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) این امر می تواند به شورای حل اختلاف، فقط برای یک بار، جهت صلح و سازش به مدت حداکثر سه ماه ارجاع شود
 - ۲) این امر می تواند به شورای حل اختلاف، فقط برای یک بار و حداکثر برای یک ماه جهت صلح و سازش ارجاع شود.
 - ۳) این امر می تواند به شورای حل اختلاف صلح و سازش ارجاع شود و تا روشن شدن نتیجه صلح و سازش، پرونده در شورای حل اختلاف مفتوح می ماند و در صورت عدم حصول صلح و سازش، پرونده به دادگاه صالح عودت داده می شود.
 - ۴) این امر قابلیت ارجاع به شورای حل اختلاف ندارد، حتی برای صلح و سازش.
۲۷. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

ماده ۱۰ قانون شورای حل اختلاف

هر چند به موجب ماده ۱۰ از شورای قانون حل اختلاف در دعاوی اثبات رجوع حتی با توافق طرفین قابل طرح در شورای حل اختلاف نمی باشد، لیکن ماده ۱۱ همان قانون در خصوص صلح و سازش کلیه موضوعات مدنی را قابل طرح در شورای حل اختلاف دانسته ضمناً در این موضوع به نظر می رسد دادگاه دعوا را ارجاع نمی دهد بلکه صلح و سازش را ارجاع می دهد که موضوع جداگانه ای است و واژه ی این امر در سوال به همین موضوع دلالت دارد.

۲۸. دعوایی به خواسته رفع تصرف عدوانی از ملکی اقامه می شود. خواننده دعوا در مقام پاسخ، به سندی عادی

استناد می کند. خواهان دعوا نسبت به این سند با ذکر دلیل، ادعای جعل می کند. در این خصوص، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) دادگاه باید رسیدگی را متوقف نموده تا به دعوی جعل و دلیل آن، در مرجع کیفری رسیدگی و نتیجه مشخص شود.
- ۲) ابلاغ دعوی جعل و دلیل آن به خواننده لازم نیست، چون در دعوی تصرف عدوانی، تشریفات دادرسی رعایت نمی شود.
- ۳) دعوی جعلیت و دلیل آن، به تشخیص دادگاه، به خواننده ابلاغ می شود و اگر خواننده به استفاده از سند باقی باشد، باید ظرف ۱۰ روز اصل سند را به دفتر دادگاه تسلیم کند.
- ۴) در دعوی تصرف عدوانی، استناد به سند مورد توجه دادگاه قرار نمی گیرد.

۲۸. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

مستند به ماده ۲۲۰ از قانون آئین دادرسی مدنی

۲۹. افزایش خواسته یا تغییر نحوه دعوا با خواسته یا در خواست، در کدام یک از صورت های زیر، ممکن است؟

- ۱) با دعوی طرح شده مربوط بوده. یا منشا واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه دادرسی به دادگاه اعلام شود.
 - ۲) با دعوی طرح شده مرتبط بوده و منشا واحدی داشته باشد و تا اولین جلسه دادرسی به دادگاه اعلام شود.
 - ۳) با دعوی طرح شده مرتبط بوده، یا منشا واحدی داشته باشد و تا جلسه اول دادرسی به دادگاه اعلام شود.
 - ۴) با دعوی مطرح شده مربوط بوده و منشا واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه دادرسی به دادگاه اعلام شود.
۲۹. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

مستند به ماده ۹۸ از قانون آئین دادرسی مدنی

۳۰. یکی از وکلای دادگستری به وکالت از شرکت سهامی خاص «الف»، به خواسته یک میلیارد ریال اقامه دعوا

می کند. طبق مصوبات شرکت، کلیه اسناد شرکت باید به امضای مدیر عامل و مهر شرکت باشد. مدیر عامل وکالتنامه وکیل را امضا کرده، اما این وکالتنامه فاقد مهر شرکت است. دادگاه نخستین خواننده را به پرداخت مبلغ مزبور محکوم کرده است. چنانچه از این رای تجدیدنظر خواهی شود. دادگاه تجدیدنظر چه تکلیفی دارد؟

- ۱) پرونده را به دادگاه نخستین ارسال و دادگاه مزبور، حکم نخستین را نقض و قرار رد دعوی بدوی را صادر می کند.
 - ۲) پرونده را به دادگاه نخستین اعاده می کند تا مدیر دفتر این دادگاه، اخطار رفع نقص صادر کند.
 - ۳) حکم نخستین را نقض و قرار رد دعوی بدوی را صادر می کند و این قرار قطعی است.
 - ۴) حکم نخستین را نقض و پرونده را به دادگاه نخستین عودت می دهد تا مدیر دفتر این دادگاه، اخطار رفع نقص صادر کند.
۳۰. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

ماده ۳۵۰ از قانون آئین دادرسی مدنی

۳۱. دعوی به خواسته صدور حکم بر وقفیت ملکی اقامه می شود. در جریان دادرسی نخستین طرفین توافق می کنند که رای کارشناسی که به تراضی تعیین می کنند، قاطع دعوا باشد. کارشناس رای خود را صادر و دادگاه نیز بر همین اساس، اقدام به صدور حکم می کند. در خصوص قابل شکایت بودن حکم دادگاه، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) حکم دادگاه فقط قابل فرجام است
- ۲) حکم دادگاه قابل تجدیدنظر و فرجام نیست
- ۳) حکم دادگاه قابل تجدیدنظر و فرجام است.
- ۴) حکم دادگاه فقط قابل تجدیدنظر است.

۳۱. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

مستند به مواد ۳۳۱ و ۳۶۹ از قانون آئین دادرسی کیفری

۳۲. چنانچه اصحاب دعوا، وکیل داشته باشند، اما دادگاه پس از اولین جلسه دادرسی، حضور شخصی خوانده لازم بداند و جلسه را به همین علت تجدید نموده و در اظهاریه این امر را تصریح نماید، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) اگر خوانده، علیرغم ابلاغ اظهاریه، در جلسه مقرر حاضر نشود، دادگاه باید ختم دادرسی را اعلام و مبادرت به صدور رای نماید.
- ۲) اگر خوانده، علی رغم ابلاغ اظهاریه، در جلسه مقرر حاضر نشود، ضمانت اجرایی ندارد؛ چون در قانون تصریح نشده است.
- ۳) دادگاه نمی تواند با وجود وکیل، به شخص خوانده برای حضور در جلسه دادرسی اخطار نماید.
- ۴) اگر خوانده علی رغم ابلاغ اظهاریه، در جلسه مقرر حاضر نشود و دادگاه نتواند با توضیحات خواهان، حکم صادر کند، قرار ابطال دادخواست صادر می شود.

۳۲. گزینه ۴ پاسخ می باشد. مستند به ماده ۹۴ و ۹۵ از قانون آئین دادرسی مدنی

۳۳. دعوایی به خواسته تحویل یک دستگاه خودرو که یک میلیارد ریال تقویم شده، به استناد سندی رسمی اقامه می شود. اگر خواهان درخواست دستور موقت مبنی بر بازداشت خودرو کند، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) درخواست قابل پذیرش است، اما نیاز به دادن تأمین نیست، زیرا مستند دعوا سند رسمی است.
- ۲) درخواست قابل پذیرش است، اما صدور قرار مستلزم دادن تأمین است که باید وجه نقد باشد.
- ۳) درخواست قابل پذیرش نیست، زیرا باید قرار تأمین خواسته درخواست شود.
- ۴) درخواست قابل پذیرش است، اما صدور قرار مستلزم دادن تأمین است که می تواند وجه نقد نباشد.

۳۳. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

زیرا در صورت صدور دستور موقت با اصل خواسته تلاقی پیدا می نماید و موضوع سوال از موارد تأمین خواسته است.

۳۴. حکم دادگاه مبنی بر تحویل عین معینی به محکوم له صادر و لازم الاجرا می شود. در روز اجرای حکم، عین محکوم به در تصرف شخصی غیر از محکوم علیه است. کدام مورد صحیح است؟

- ۱) فقط اگر مال غیرمنقول باشد، این امر مانع اقدامات اجرایی نیست، مگر تصرف مدعی حقی از عین یا منافع آن بوده و دلایلی هم ارائه کند.
- ۲) این امر مانع اقدامات اجرایی است، اما متصرف باید ظرف یک هفته به دادگاه صالح مراجعه کرده و قرار لازم را ظرف ۱۵ روز بگیرد.
- ۳) این امر مانع اقدامات اجرایی نیست، مگر متصرف، مدعی حتی از عین یا منافع آن بوده و دلایلی هم ارائه کند.
- ۴) فقط اگر مال غیرمنقول نباشد، این امر مانع اقدامات اجرایی است، اما متصرف باید ظرف یک هفته به دادگاه صالح مراجعه کرده و قرار لازم را ظرف ۱۵ روز بگیرد.

۳۴. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

ماده ۴۴ از قانون اجرای احکام مدنی

۳۵. در دعوایی که به خواسته یک میلیارد ریال اقامه شده، وکیل خواهان پس از پایان اولین جلسه دادرسی، لایحه ای مبنی بر استرداد دعوا، تسلیم دادگاه می کند. کدام مورد صحیح است؟

- ۱) چنانچه دادگاه تصمیم به تجدید جلسه دادرسی داشته باشد و استرداد دعوا در وکالتنامه تصریح شده باشد، قرار رد دعوا صادر می کند.
- ۲) چنانچه استرداد دعوا، در وکالتنامه تصریح شده باشد، دادگاه به هر حال، قرار رد دعوا صادر می کند.
- ۳) با توجه به پایان یافتن اولین جلسه دادرسی، پذیرش استرداد دعوا منوط به رضایت خوانده است.
- ۴) چنانچه دادگاه تصمیم به تجدید جلسه دادرسی داشته باشد، استرداد دعوا را می پذیرد، حتی اگر در وکالتنامه تصریح نشده باشد.

۳۵. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

منظور از تجدید جلسه رسیدگی همان عدم کفایت مذاکرات از نظر دادگاه است. ممکن است گفته شود که دادرسی تمام نشده است و دادگاه در هر حال با وجود حق استرداد دادخواست می بایست قرار رد صادر کند لیکن با تمام جلسه اول دادرسی مذاکرات ختم یافته محسوب می شود مگر آنکه جلسه تجدید شود.

۳۶- در کدام یک از موارد زیر، دادرسی متوقف نمی شود؟

- (۱) عدم تهیه وسیله اجرای قرار تحقیق و یا معاینه محل توسط تجدیدنظرخواه در مواردی که اجرای قرار را دادگاه لازم بداند و بدون تهیه آن، اجرای قرار مقدور نباشد و دادگاه نتواند انشای رای کند.
- (۲) عدم پرداخت هزینه کارشناسی در مرحله تجدیدنظر در مواردی که اجرای قرار کارشناسی را دادگاه لازم بداند و بدون اجرای آن، نتواند انشای رای کند.
- (۳) در دعوای واهی تا وقتی که خواهان تأمین ندهد.
- (۴) عدم تهیه وسیله اجرای قرار تحقیق و یا معاینه محل توسط خواهان در مرحله نخستین، در مواردی که اجرای قرار را دادگاه لازم بداند و بدون تهیه وسیله اجرای آن، اجرای قرار مقدور نباشد و دادگاه نتواند انشای رای کند.

۳۶. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

به استناد مواد ۲۵۹ و ۲۵۶ و ۱۰۹ از قانون آئین دادرسی مدنی

- ۳۷- شخصی مبلغ یک میلیارد ریال از دیگری قرض می گیرد و از همان ابتدا به قصد عدم تأدیه دین، از محل آن، مسکنی خریداری می کند. با اقامه دعوای داین، مدیون با حکم لازم الاجرا، محکوم به پرداخت مبلغ فوق می شود. کدام مورد در خصوص اجرای حکم از محل مسکن مزبور صحیح است؟**

- (۱) درهر حال ممنوع است.
- (۲) در صورتی مجاز نیست که در حد شان وی باشد.
- (۳) چنانچه مورد نیاز و در حد شأن او باشد، مجاز نیست.
- (۴) مجاز است.

۳۷. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

ماده ۲۵ از قانون محکومیت های مالی

- ۳۸- دعوایی به خواسته ده میلیارد ریال، به استناد سندی عادی، در دادگاه عمومی اقامه می شود. خواننده با ذکر دلیل ادعا می کند که مبلغ واقعی سند یک میلیارد ریال بوده و در این عدد، جعل شده است. کدام مورد صحیح است؟**

- (۱) خواهان باید اصل سند را در مهلت مقرر به دفتر دادگاه تسلیم کند، اما مهر و موم سند لازم نیست و چنانچه دادگاه پس از رسیدگی، ادعای جعل را وارد تشخیص دهد، در حکمی که صادر می کند، از جمله باید مقرر نماید سند از بین برده شود.
- (۲) خواهان باید اصل سند را در مهلت مقرر به دفتر دادگاه تسلیم کند، دادگاه فوراً آن را مهر و موم می کند و چنانچه پس از رسیدگی، ادعای جعل را وارد تشخیص دهد، در حکمی که صادر می کند، از جمله باید مقرر نماید کلمه مجعول تغییر داده شود.
- (۳) خواهان باید اصل سند را در مهلت مقرر به دفتر دادگاه تسلیم کند، اما مهر و موم سند لازم نیست و چنانچه دادگاه پس از رسیدگی، ادعای جعل را وارد تشخیص دهد، در حکمی که صادر می کند، از جمله باید مقرر نماید کلمه مجعول تغییر داده شود.
- (۴) خواهان باید اصل سند را در مهلت مقرر به دفتر دادگاه تسلیم کند، دادگاه فوراً آن را مهر و موم می کند و چنانچه پس از رسیدگی، ادعای جعل را وارد تشخیص دهد، تکلیف از بین بردن سند، مستلزم صدور رای از مرجع کیفری است.

۳۸. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

مستند به ماده ۲۲۰ و ۲۲۲ از قانون آئین دادرسی مدنی

۳۹- در خصوص اطلاعات حاصل از معاینه محل، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) از امارات قضائی است و در صورتی در اثبات ادعا مؤثر است که وجدان دادرس را اقناع کند، اما با اماره مخالف بی اثر میشود.
- (۲) از امارات قانونی است و در هر حال به دادرسی تحمیل می شود، اما با اماره مخالف بی اثر نمی شود.
- (۳) از امارات قضائی است و در هر حال به دادرس تحمیل می شود، اما با اماره مخالف بی اثر می شود.
- (۴) از امارات قانونی است و در صورتی در اثبات ادعا مؤثر است که وجدان دادرس را اقناع کند و با اماره مخالف بی اثر نمی شود.

۳۹. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

مستند به ماده ۲۵۰ قانون آئین دادرسی مدنی

۴۰- کدام مورد در خصوص سوگند، پس از اقامه بینه در دعوای بر میت، صحیح است؟

- (۱) در صورت نکول مدعی از اتیان سوگند، سوگند به مدعی علیه رد می شود و در صورت خودداری از ادای سوگند، حکم علیه وی صادر می شود.
- (۲) در صورت خودداری مدعی از ادای سوگند و سه بار اخطار دادگاه و خودداری مدعی، قرار ابطال دادخواست صادر می شود.
- (۳) در صورت امتناع مدعی از ادای سوگند، حق وی ساقط می شود.
- (۴) در صورت نکول مدعی از اتیان سوگند و امتناع مدعی علیه از ادای سوگند و یا رد آن و واگذار شدن سوگند توسط دادگاه به مدعی و خودداری وی، قرار عدم استماع دعوا صادر می شود.

۴۰. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

مستند به ماده ۲۷۸ از قانون آئین دادرسی مدنی

«حقوق تجارت»

۴۱. کدام مورد در خصوص ناتوانی تاجر از ادای دیون ناشی از معامله یا غیر تاجر صحیح است؟

- (۱) اگر برای حوائج تجاری باشد غیرتجاری محسوب می شود ولی می تواند به توقف تاجر منجر شود.
- (۲) صرفاً اگر برای حوائج تجاری باشد بازرگانی محسوب میشود و میتواند به توقف تاجر منجر شود.
- (۳) حتی اگر برای حوائج تجاری نباشد، در هر حال تجاری محسوب شده و می تولد به توقف تاجر بینجامد.
- (۴) در هر حال خواه برای حوائج تجاری باشد یا نباشد از موجبات توقف تاجر است.

۴۱. گزینه ۴ پاسخ می باشد. ماده ۴۱۲ قانون تجارت

۴۲. کدام مورد، صحیح است؟

- (۱) صدور برات در وجه شخص معین، به حواله کرد شخص دیگر یا به حواله کرد خود برات دهنده یا حامل، مجاز است.
- (۲) صدور برات در وجه شخص معین، به حواله کرد شخص دیگر یا به حواله کرد خود برات دهنده، مجاز است.
- (۳) صدور برات در وجه شخص معین یا به حواله کرد، مجاز است ولی صدور سفته در وجه شخص معین یا به حواله کرد، مجاز نیست
- (۴) صدور برات در وجه حامل، بلامانع ولی صدور سفته در وجه حامل، ممنوع است.

۴۲. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

بند ۷ ماده ۲۲۳ و ماده ۲۲۴ قانون تجارت

۴۳ - منظور از مواعد مقرر در ماده ۲۸۹ قانون تجارت چیست؟

ماده ۲۸۹: پس از انقضای مواعد مقرر در مواد فوق، دعوای دارنده برات بر ظهرونیس ها و همچنین دعوای هریک از ظهرونیس ها بر ید سابق خود در محکمه پذیرفته نخواهد شد. «

- (۱) شامل حق دارنده براتی که باید در ایران یا خارج پرداخت شود، به اقامه دعوی، به ترتیب، ظرف یک سال یا دو سال نمی شود.
- (۲) شامل اطلاع رسانی عدم تأدیه از سوی دارنده به واگذارنده برات ظرف ده روز از تاریخ اعتراض عدم تأدیه، به وسیله اظهارنامه یا نامه سفارشی دو قبضه هم می شود.
- (۳) شامل اطلاع رسانی عدم تأدیه از سوی دارنده به واگذارنده برات ظرف ده روز از تاریخ اعتراض عدم تأدیه، به وسیله اظهارنامه یا نامه سفارشی دو قبضه نمی شود.
- (۴) شامل حق دارنده براتی که باید در ایران پرداخت شود، به اقامه دعوی ظرف یک سال نمی شود.

۴۳. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

ماده ۲۸۴ و ۲۸۵ قانون تجارت و رای لازم الاتباع شماره ۲۳۳۱ - ۱۳۴۱/۸/۵ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

۴۴. کدام مورد در خصوص مسئولیت دلال، صحیح است؟

- (۱) هرگاه معامله توسط دلال واقع و اسنادی مرتبط با معامله میان طرفین توسط وی مبادله شود، دلال ضامن صحت و اعتبار امضای اسناد اشخاصی است که توسط دلال معامله کرده اند.
- (۲) چنانچه معامله توسط دلال واقع و اسنادی مرتبط با معامله میان طرفین توسط وی مبادله شود، دلال ضامن امضای اسناد و اعتبار طرفین معامله است
- (۳) دلال در هر حال مسئولیت احراز صحت امضای طرفین معامله را برعهده دارد.
- (۴) دلال متضامناً با طرفین قرارداد، مسئول احراز صحت امضای طرفین در اسنادی است که به واسطه او میان طرفین مبادله شده است، مشروط به آنکه معامله با وساطت وی منعقد شده باشد.

۴۴. گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

ماده ۳۴۲ قانون تجارت

۴۵. گروه اقتصادی با منافع مشترک، با کدام توصیف زیر، منطبق است؟

(۱) شرکت مدنی ثبت شده و بدون شخصیت حقوقی است که مسئولیت اعضای آن نسبت به دیون شرکت تضامنی است، مگر آنکه با اشخاص ثالث به نحو دیگری توافق شده باشد

(۲) قراردادی ثبت شده با شخصیت حقوقی است که مسئولیت اعضای آن در برابر اشخاص ثالث، تضامنی است.

(۳) شرکتی با شخصیت حقوقی است که مسئولیت اعضای آن در برابر اشخاص ثالث، نسبی است.

(۴) قراردادی ثبت شده و بدون شخصیت حقوقی است که مسئولیت اعضای آن نسبت به دیون شرکت نسبی است، مگر آنکه با اشخاص ثالث به گونه دیگری توافق شده باشد.

۴۵. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

ماده ۲۴ قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور

۴۶. کدام مورد در خصوص دارنده چک برگشت شده جهت مطالبه وجه چک و خسارات، صحیح است؟

(۱) تنها می تواند به دادگاه محل بانک صادر کننده دسته چک یا بانک صادر کننده گواهی عدم پرداخت مراجعه کند.

(۲) تنها حق مراجعه به دادگاه محل بانک صادر کننده دسته چک را دارد.

(۳) تنها امکان اقامه دعوی در اقامتگاه مسئولین چک را داراست.

(۴) علاوه بر حق مراجعه به دادگاه محل صدور چک یا محل استقرار بانک محل علییه، امکان رجوع به دادگاه محل اقامت خوانده را دارد.

۴۶. گزینه ۴ پاسخ می باشد. رای وحدت رویه شماره ۶۸۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

۴۷. در خصوص صدور چک مشروط، کدام مورد صحیح است؟

(۱) اگر شرط صرفاً در متن چک قید شود، جنبه کیفری چک از میان خواهد رفت.

(۲) خواه شرط در متن چک یا خارج از متن چک قید شود، حق تعقیب کیفری دارنده از میان خواهد رفت.

(۳) بانک به شرط، ترتیب اثر نخواهد داد و تنها حق مراجعه دارنده به ظهرونیسان از میان خواهد رفت.

(۴) بانک باید از پرداخت چک مشروط خودداری کند.

۴۷. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

ماده ۱۳ قانون صدور چک

۴۸. کدام مورد، صحیح نیست؟

(۱) پاداش هر مدیر موظف شرکت های سهامی در هر حال نمی تواند از معادل یک سال حقوق پایه وی بیشتر باشد.

(۲) پاداش مدیران شرکت های سهامی عام و خاص، به ترتیب، از ۶ درصد و ۳ درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام قابل پرداخت است، نباید تجاوز کند.

(۳) پاداش مدیران شرکت های سهامی عام و خاص، به ترتیب، از ۱۰ درصد و ۵ درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام قابل پرداخت است، نباید تجاوز کند.

(۴) پاداش هر مدیر غیرموظف نمی تواند از حداقل پاداش اعضای موظف هیئت مدیره تجاوز کند.

۴۸. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

ماده ۲۴۱ اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۴۹. در خصوص اختیارات مدیران شرکت تعاونی سهامی عام برای انجام معاملات در حدود موضوع شرکت، کدام مورد صحیح است؟

(۱) در اساسنامه و مصوبات مجمع عمومی عادی تعیین می شود.

(۲) جز در مورد صلاحیت های مجامع عمومی، نامحدود است.

(۳) به موجب آیین نامه تعیین وظایف و اختیارات مدیرعامل و مدیران، تعیین شده است.

(۴) حدود آن، در اساسنامه تعیین می شود.

۴۹. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

بند ۹ ماده ۱ قانون اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی و ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت

۵۰. "عزل مدیران" و "تغییر اقامتگاه" در شرکت با مسئولیت محدود، به ترتیب، با کدام حدنصاب مجمع صورت می گیرد؟

(۱) دارندگان بیش از نصف سرمایه در جلسه اول - دارندگان حداقل سه چهارم سرمایه به علاوه اکثریت عددی شرکا

(۲) دارندگان بیش از نصف آرای حاضر در جلسه اول - دوسوم آرای حاضر

(۳) دارندگان حداقل نصف آرای حاضر در جلسه اول - دوسوم آرای حاضر

(۴) دارندگان حداقل نصف سرمایه در جلسه اول - دارندگان حداقل سه چهارم سرمایه به علاوه اکثریت عددی شرکا

۵۰. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

ماده ۱۰۶ و ۱۱۱ قانون تجارت

۵۱. بازرسان قانونی یا حسابرس شرکت سهامی خاص تابعه شرکت سهامی عام، از میان کدام اشخاص زیر، انتخاب می شوند؟

(۱) مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

(۲) اشخاص مشمول آیین نامه اجرای تبصره ماده ۱۴۴ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت که نامشان توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی اعلام شده است

(۳) اشخاص واجد شرایط مقرر در ماده ۱۴۷ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷، از جمله مجبور و ورشکسته نبودن یا نداشتن محکومیت کیفری منجر به محرومیت از حقوق اجتماعی

(۴) حسابداران حقیقی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

۵۱. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

تبصره ماده ۱۴۴ و ماده ۱۴۷ لایحه اصلاحی قانون تجارت

بند ب از ماده آیین نامه اجرایی تبصره ۴ قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه ای حسابداران ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی مصوب ۱۳۷۲

۵۲. مسئولیت تضامنی شرکای شرکت تضامنی بابت دیون افزون بر دارایی آن، چه زمانی ایجاد می شود؟

(۱) با قطعی و حال شدن بدهی شرکت به موجب حکم دادگاه

(۲) با انحلال شرکت و یا ورشکستگی یک یا چند تن از شرکا

(۳) با انحلال شرکت و احراز عدم تکافوی دارایی شرکت

(۴) به محض خودداری یا ناتوانی شرکت از پرداخت دین یا انجام تعهد

۵۲. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

ماده ۱۱۶ و ۱۲۴ قانون تجارت

۵۳. کدام یک از موارد زیر، از مصادیق ورشکستگی به تقلب است؟

(۱) مفقود کردن دفاتر توسط ورشکسته

(۲) نگهداری دفاتر بی ترتیب

(۳) ترجیح دادن یکی از طلبکارها و پرداخت طلب او

(۴) نداشتن دفتر

۵۳. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

ماده ۵۴۹ قانون تجارت

۵۴. تعقیب ورشکسته توسط مدیر تصفیه به عنوان ورشکستگی به تقصیر، در کدام یک از موارد زیر، ممکن است؟

(۱) تقاضای اکثریت طلبکارها و موافقت دادگاه

(۲) درخواست عضو ناظر از او

(۳) اجازه دادگاه به او

(۴) موافقت اکثریت طلبکارهای حاضر

۵۴. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

ماده ۵۴۷ قانون تجارت

۵۵. در دعوی که مدیر تصفیه به جانشینی ورشکسته در دادگاه طرح می کند، تحت کدام شرایط زیر، ورود ورشکسته به عنوان شخص ثالث،

ممکن است؟

(۱) ورشکسته بخواهد و طرف دعوی نیز موافقت کند.

(۲) تاجر بخواهد و دادگاه مصلحت بداند.

(۳) تاجر تقاضا کند.

(۴) ورشکسته بخواهد، طرف دعوی موافقت کند و دادگاه اجازه دهد

۵۵. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

ماده ۴۲۰ قانون تجارت

۵۶. ضمانت اجرای صدور حکم ورشکستگی بدون تعیین تاریخ توقف چیست؟

(۱) حکم باطل نیست و تاریخ دادخواست، تاریخ توقف محسوب می شود.

(۲) حکم باطل نیست و تاریخ حکم، تاریخ توقف محسوب می شود.

(۳) حکم باطل است

(۴) حکم باطل نیست ولی برای تعیین تاریخ توقف، طرح دعوی مجدد لازم است.

۵۶. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

ماده ۴۱۶ قانون تجارت

۵۷. در کدام یک از فروض زیر، معاملات بلاعوض تاجر ورشکسته بعد از توقف، باطل است؟

- (۱) نقل و انتقالی که به زیان طلبکاران باشد.
- (۲) اگر نقل و انتقال راجع به مال منقول باشد.
- (۳) هر نقل و انتقالی
- (۴) اگر نقل و انتقال راجع به مال غیرمنقول باشد.

۵۷. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

ماده ۴۲۳ قانون تجارت

۵۸. در صورتی که صادر کننده و دو ظهرنویس چک ورشکسته شوند، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) اگر مدیر/ اداره تصفیه ظهرنویس دوم، نصف طلب دارنده را بپردازد، به هیچ وجه حق مراجعه به مدیر/ اداره تصفیه ظهرنویس اول را ندارد.
- (۲) دارنده، حق مراجعه به مدیر تصفیه صادر کننده برای تمام طلب خود و به هریک از مدیران تصفیه دو ظهرنویس ورشکسته برای نصف طلب خود را دارد.
- (۳) دارنده، حق مراجعه به مدیران تصفیه صادر کننده و دو ظهرنویس برای تمام طلب خود را دارد و مدیر/ اداره تصفیه ظهرنویس، مکلف به پرداخت کل طلب او هستند.
- (۴) دارنده، حق مراجعه به مدیران تصفیه صادر کننده و هریک از دو ظهرنویس ورشکسته برای تمام طلب خود را دارد.

۵۸. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

ماده ۲۵۱ قانون تجارت

۵۹. کدام مورد در خصوص مدیران شرکت سهامی که ورشکسته یا منحل شده، صحیح است؟

- (۱) اگر ورشکستگی شرکت ناشی از تخلفات آنها باشد، به نسبت سهام خود، مسئول دیون شرکت هستند.
- (۲) اگر ورشکستگی یا کافی نبودن دارایی شرکت، به نحوی از انحا معلول تخلفات آنها باشد، مسئولیت نسبی دارند.
- (۳) در صورتی که ورشکستگی یا کافی نبودن دارایی شرکت ناشی از تخلفات آنها باشد، مسئولیت تضامنی دارند.
- (۴) هیچ گونه مسئولیتی در قبال دیون شرکت ندارند.

۵۹. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

ماده ۱۴۳ لایحه اصلاح قانون تجارت

۶۰. کدام مورد در خصوص جعل امضای یکی از ظهرنویسان چک، صحیح است؟

- (۱) در مقابل دارنده چک، در هر حال قابل استناد است.
- (۲) در مقابل دارنده چک، در هر حال قابل استناد نیست.
- (۳) صرفاً در مقابل دارنده ای که با امضای مجعول، سند را دارا شده، قابل استناد است.
- (۴) در مقابل دارنده با حسن نیت، قابل استناد نیست.

۶۰. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

اصل عدم توجه ایرادات و استثنائات آن در اسناد تجاری

«اصول فقه»

قابل توجه شرکت کنندگان آزمون وکالت ۱۳۹۷ حسب بر تطبیق اولیه اکثریت سوالات مطرح شده در آزمون وکالت ۹۷ با سوالات آزمون های

مفهومی و مهارتی داداستان تطبیق داشته است. مستندات آن در حال جمع آوری است و در فایل تطبیق مستند آزمون های مفهومی و

مهارتی متعاقباً به اطلاع حقوق دانان گرامی خواهد رسید.

۶۱. ماده ۹۵۴ قانون مدنی مقرر می دارد «کلیه عقود جایزه به موت احد طرفین منفسخ می شود و همچنین به سفته در مواردی که رشد معتبر

است. «با قیاس حالت جنون به سفته گفته شود کلیه عقود جایز به جنون احد طرفین منفسخ می شود، این قیاس را چه می نامند؟

(۱) قیاس منصوص العله

(۲) قیاس اولویت

(۳) قیاس مساوی

(۴) قیاس مستنبط العله

۶۱. گزینه ۲ صحیح است

در قیاس اولویت، علت حکم، در فرع (مقیس)، اقوی از اصل (مقیس علیه) است. به قیاس اولویت، مفهوم موافق نیز گفته می شود. در ماده ۹۵۴ ق.م. به بطلان عقود جایزه در صورت عروض سفاهت حکم شده است. می توانیم بگوییم حال که عقد جایز، با سفاهت، منفسخ می شود؛ به طریق اولی با جنون منفسخ می شود. زیرا ضعف قوای دماغی در مجنون، بارزتر و قوی تر از سفیه است.

۶۲. در خصوص جمع تبرعی و جمع عرفی، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) جمع تبرعی، صرفاً با لحاظ مناسبت حکم و موضوع صورت می گیرد؛ اما در جمع عرفی، تأکید بر معیارهای عرفی خارج از حدود دلالتهای لفظی است.
- (۲) جمع تبرعی، مربوط به ادله ناظر به بیان امور غیر الزامی است؛ اما جمع عرفی، مربوط به ادله ناظر به بیان احکام الزامی است.
- (۳) جمع تبرعی، مربوط به تعارض دو دلیلی است که دلالت آنها در حد ظهور است، اما جمع عرفی، مربوط به تعارض دو نص است.
- (۴) جمع تبرعی، جمعی دلبخواهی است که شاهدی از لفظ بر آن گواهی نمی دهد؛ اما جمع عرفی، جمعی است که میان دو یا چند دلیل متعارض با تکیه بر شواهد لفظی موجود در ادله صورت می گیرد.

۶۳. گزینه ۴ صحیح است.

جمع عرفی یا جمع مقبول؛ جمعی است که مورد پسند عرف و مستند به شواهد و قراین کافی باشد. اما جمع دو دلیل متعارض، اگر مورد پذیرش عرف اهل زبان نباشد و شاهد و قرینه ای بر آن وجود نداشته باشد؛ جمع تبرعی نامیده می شود که فاقد اعتبار است.

۶۴. استصحاب قهقرایی، ناظر به کدام مورد است؟

- (۱) تقدم زمان مشکوک بر زمان متیقن
- (۲) تقدم زمان حدوث یقین بر زمان حدوث شک
- (۳) تقدم زمان حدوث شک بر زمان حدوث یقین
- (۴) تقدم زمان متیقن بر زمان مشکوک

۶۵. گزینه ۱ صحیح است.

در استصحاب قهقرایی یا وارونه، زمان متیقن، مؤخر از زمان مشکوک است یا به عبارت دیگر، زمان مشکوک، مقدم بر زمان متیقن است. مثلاً می دانیم که شخصی اکنون معسر است اما نمی دانیم سال قبل نیز معسر بوده است یا خیر. اعسار در زمان حاضر، قطعی است اما اعسار در زمان گذشته، مورد شک است.

۶۶. درباره اصل استصحاب و اصل برائت، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) هر دو اصل غیرمحرز هستند.
- (۲) استصحاب، اصل غیرمحرز و برائت، اصل محرز است.
- (۳) استصحاب، اصل محرز و برائت، اصل غیرمحرز است.
- (۴) هر دو اصل محرز هستند.

۶۷. گزینه ۳ صحیح است.

در میان اصول عملیه، استصحاب، اصل محرز است و سایر اصول عملیه مانند برائت، از اصول غیر محرز شناخته می شوند. در اصل محرز، وقتی به یک طرف شک، عمل می شود؛ آن طرف، نازل منزله واقعیت قرار داده می شود. بهمین خاطر در اصول محرز مثل استصحاب، نحوه ای کاشفیت از واقع وجود دارد.

۶۸. در تعارض میان قاعده «قیح عقاب بلا بیان» و قاعده «لزوم دفع ضرر محتمل»، حکم تعارض چیست؟

- (۱) قاعده قیح عقاب بلا بیان، حاکم بر قاعده لزوم دفع ضرر محتمل است.
- (۲) قاعده قیح عقاب بلا بیان، مخصص قاعده لزوم دفع ضرر محتمل است.
- (۳) قاعده قیح عقاب بلا بیان، وارد بر قاعده لزوم دفع ضرر محتمل است.
- (۴) هر دو قاعده، تساقط پیدا می کنند.

۶۹. گزینه ۳ صحیح است.

به نظر مشهور، قاعده قیح عقاب بلا بیان، وارد بر قاعده لزوم دفع ضرر محتمل است. زیرا موضوع قاعده لزوم دفع ضرر محتمل، «احتمال ضرر» است و قاعده قیح عقاب بلا بیان، این موضوع را مرتفع می سازد. ورود آن است که دلیلی، موضوع دلیل دیگر را مرتفع و منتفی سازد.

۶۶. درستی ضمانت از شوهر نسبت به نفقه ایام آینده زوجه، با توجه به اینکه وجود زوجیت در آینده به عنوان سبب دین مشکوک است، با استناد به کدام مورد، قابل توجیه است؟

(۱) قاعده مقتضی و مانع

(۲) استصحاب مقلوب

(۳) قاعده یقین و شک ساری

(۴) استصحاب امر استقبالی

۶۶. گزینه ۴ صحیح است.

استصحاب استقبالی به استصحابی گفته می شود که متیقن آن در زمان حال، و مشکوک آن، در زمان آینده موجود باشد. مثلاً می دانیم هم اینک رابطه زوجیت بین زن و مردی وجود دارد ولی شک داریم که آیا در آینده، رابطه زوجیت بین آنها خواهد بود یا از بین می رود. اگر این استصحاب را حجت بدانیم، با اجرای آن می توانیم ضمانت شوهر نسبت به نفقه آینده زوجه را صحیح بدانیم.

۶۷. مراد از «مقتضی» در بحث «استصحاب در موارد شک در مقتضی»، کدام است؟

(۱) علت حکم

(۲) استعداد بقای حکم

(۳) مقتضی حکم

(۴) سبب حکم

۶۷. گزینه ۲ صحیح است.

منظور مقتضی در بحث استصحاب، میزان قابلیت و استعداد بقاء هر چیز (حکم یا موضوع) است.

۶۸. در خیار تبعض صفقه، چنانچه صاحب خیار در زمان اول، خیار خود را اعمال نکند و سپس تردید به وجود آید که آیا خیار مزبور باقی است یا خیر، این شک و تردید مربوط به کدام مورد زیر است؟

(۱) رافع

(۲) رافعیت امر موجود

(۳) مقتضی

(۴) وجود رافع

۶۸. گزینه ۳ صحیح است.

خیار تبعض صفقه مثالی است برای خیاری که نمی دانیم فوری است یا غیر فوری. اگر در بقاء خیاراتی که فوریت آن مورد تردید است شک کنیم، شک ما از موارد شک در مقتضی خواهد بود زیرا در استعداد و قابلیت چنین حق خیاری بعد از گذشت اولین زمان، شک کرده ایم.

۶۹. بنابر عدم اعتبار اصل مثبت، کدام یک از آثار زیر، بر مستصحب بار می شود؟

(۱) آثار شرعی و حقوقی بی واسطه یا با یک یا چند واسطه شرعی و حقوقی

(۲) آثار شرعی و حقوقی بی واسطه یا با یک یا چند واسطه شرعی، حقوقی یا عقلی

(۳) آثار شرعی و حقوقی بی واسطه یا با یک یا چند واسطه شرعی، حقوقی، عقلی یا عادی

(۴) فقط آثار شرعی و حقوقی بی واسطه

۶۹. گزینه ۱ صحیح است.

اصل مثبت به اصلی گفته می شود که در صدد اثبات لوازم عادی یا عقلی باشد. اصل مثبت، حجت نیست یعنی اصل نمی تواند لوازم عادی و عقلی موضوعات یا احکام را ثابت نماید. بنابراین اصول عملیه صرفاً، آثار و لوازم شرعی یا حقوقی بی واسطه یا با واسطه را اثبات می کنند بشرط آنکه، واسطه یا واسطه ها، شرعی یا حقوقی باشند.

۷۰. با توجه به تعریف تاجر در ماده ۱ قانون تجارت که مقرر می دارد: «تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار دهد»، کدام یک از موارد زیر را می توان گفت؟

(۱) این تعریف، تنها شرح اسم است؛ پس در موارد مشکوک، تاجر بر معنای معروف نزد عرف عام، حمل می شود.

(۲) تاجر، حقیقت قانونی است و بنابراین هرگاه قانونگذار این واژه را به کار ببرد، باید بر همین معنای قانونی حمل شود.

(۳) در موارد مشکوک، تاجر در متن قانونی بر معنای متعارف نزد تجار و بازرگانان حمل می شود که مخاطبان این قانون هستند؛ نه بر معنای مذکور در متن قانون.

(۴) به رغم تعریف فوق، در موارد مشکوک، تاجر بر معنای لغوی آن حمل می شود.

۷۰. گزینه ۲ صحیح است.

وقتی لفظ یا واژه ای را قانونگذار تعریف می کند، خواه آن لفظ حقیقت قانونی بشود یا نشود باید در متن قانون و در تمام مواردی که قانونگذار آن لفظ را به کار می برد، بر همان معنایی که قانونگذار از آن اراده کرده است، حمل شود. مضافاً آنکه به نظر می رسد کلمه تاجر، حقیقت قانونی است.

۷۱. در کدام مورد، با انتفای یکی از شروط، حکم در جزا منتفی نمی شود؟

- (۱) هرگاه کسی اتفاقاً و بدون قصد به شخصی برخورد کند و موجب آسیب او شود، خطای محض است.
 - (۲) اگر در طرف مصالحه و یا در مورد صلح اشتباهی واقع شده باشد، صلح باطل نیست.
 - (۳) در صورت تعدد وارث و عدم توافق بین آنها، مال ودیعه به حاکم رد می شود.
 - (۴) هرگاه کسی دیگری را بترساند و موجب فرار او گردد و آن شخص، در حال فرار، خود را از جای بلندی پرت کند و بمیرد، ترساننده ضامن است.
- ۷۱. گزینه ۲ صحیح است.**

در مواردی که در یک جمله، چند شرط ذکر می شود؛ در صورتی که با حرف «یا» به هم عطف شده باشند، به این معناست که انتفاء یکی از آنها موجب انتفای حکم نیست بلکه برای انتفای حکم، انتفای همه شرایط مذکور لازم است. مثل گزینه ۲.

۷۲. کدام مورد، حکم واقعی اولی است؟

- (۱) وجوب تیمم در حالت اضطرار
 - (۲) باطل بودن معاملات در حالت جنون
 - (۳) جواز اختیار مسکن توسط زوجه در صورت خوف ضرر
 - (۴) جواز استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت در موارد ضرورت
- ۷۲. گزینه ۲ صحیح است.**

احکام واقعی اولی برای شرایط عادی در نظر گرفته می شوند نه در شرایط اضطراری یا استثنایی. مثل حالت ضرر یا ضرورت یا ...

۷۳. تفاوت باب تعارض و تزاحم، در کدام مورد است؟

- (۱) در باب تعارض، دو دلیل مطلقاً حتی در صورت ترجیح یکی بر دیگری، از اعتبار ساقط می شوند؛ ولی در تزاحم، همواره تکلیف اهم مقدم می شود.
 - (۲) در باب تزاحم، معیار شناسایی حکم اهم از مهم، عقلی و بدیهی است؛ ولی در باب تعارض، معیارهای ترجیح، مبهم و اختلافی است.
 - (۳) در تعارض، دلالت دلیل، مجمل است؛ ولی در باب تزاحم، دو حکم که ضرورتاً یکی اهم و دیگری مهم است، با هم تزاحم می نمایند.
 - (۴) در تعارض، ناسازگاری در ناحیه دلالت دو یا چند دلیل است؛ ولی در تزاحم، مشکل در ناحیه اجرا و امتثال حکم است.
- ۷۳. گزینه ۴ صحیح است.**

تعارض؛ ناسازگاری دو دلیل در مقام تشریح و قانونگذاری و دلالت است اما تزاحم، ناسازگاری میان دو حکم در مقام اجرا و اطاعت آنها است.

۷۴. در خصوص ماده ۹۶۰ قانون مدنی که مقرر می دارد: «هیچ کس نمی تواند از خود سلب حریت کند»، چه می توان گفت؟

- (۱) «هیچ کس» و «حریت»، هر دو از الفاظ عموم هستند.
 - (۲) «هیچ کس» و «حریت»، هر دو از الفاظ مطلق هستند.
 - (۳) «هیچ کس»، مصداق لفظ عام و «حریت»، اصطلاحاً مطلق است.
 - (۴) دلالت «هیچ کس» بر شمول بر مبنای مقدمات حکمت است؛ اما دلالت «حریت» بر شمول، مستند به خود لفظ حریت است.
- ۷۴. گزینه ۳ صحیح است.**

هیچ کس؛ عام است زیرا «هیچ» از ادوات عموم محسوب می شود، دلالت عام بر عموم بالوضع و لفظی است و نه به سبب مقدمات حکمت. اما حریت را می توان، اسم جنس و مطلق محسوب نمود.

۷۵. مقصود از اجماع مدرکی که در فقه معتبر نیست، چیست؟

- (۱) اجماع بر حکمی است که دلایل خاص خود را دارد و بنابراین ملاک در پذیرش یا عدم پذیرش آن، کفایت یا عدم کفایت همان ادله است، نه اجماع.
 - (۲) اجماعی است که مستندات آن در منابع شیعی یافت نمی شود و فقیه خود آن را تحصیل نکرده است.
 - (۳) همان اجماع منقول است که شماری از فقیهان آن را نقل کرده اند؛ اما وثوقی به آن نیست.
 - (۴) همان اجماع تبعیدی است که دلیل خاصی ندارد؛ اما فقیهان تبعیداً آن را پذیرفته اند.
- ۷۵. گزینه ۱ صحیح است.**

اجماع مدرکی یا مستند به اجماعی گفته می شود که اجماع کنندگان بر اساس ادله لفظی (آیات و روایات) یا عقلی که وجود دارد به اجماع رسیده اند لذا باید مستقیماً به بررسی همان ادله پرداخت و نمی توان به خود اجماع مدرکی استناد کرد.

۷۶- در خصوص حکم تکلیفی و حکم وضعی، کدام مورد صحیح است؟

(۱) هر حکم تکلیفی، ضرورتاً مستلزم یک حکم وضعی متناسب با آن است، مانند اینکه از نهبی از یک نوع معامله (حکم تکلیفی)، بطلان آن (حکم وضعی) استنتاج می شود.

(۲) حکم تکلیفی، ناظر به بیان تکلیف الزامی یا غیر الزامی است اما حکم وضعی، وضعیت شیء یا امری را توصیف می کند.

(۳) کاربرد این دو اصطلاح تنها اعتباری است. هر حکمی به اعتباری تکلیفی و به اعتباری دیگر، دقیقاً وضعی است.

(۴) حکم تکلیفی مربوط به قلمرو عبادات است، ولی حکم وضعی به باب معاملات و عرفیات مربوط می شود.

۷۶. گزینه ۲ صحیح است.

در احکام تکلیفی، الزام (وجوب و حرمت) یا عدم الزام کاری (استحباب، کراهت و اباحه) بیان می شود اما در احکام وضعی، وضعیت یا حالت یا رابطه ای بیان می گردد. گزینه ۱ نیز تا حدی درست است جز اینکه قسمت اخیر آن که می گوید: از نهبی از یک نوع معامله، بطلان آن استنتاج می شود؛ نادرست است زیرا الزاماً نهبی از معامله؛ دلالتی بر بطلان آن ندارد.

۷۷. مقصود از قید که فقدان آن، یکی از مقدمات حکمت و از شرایط تمسک به اطلاعات دلیل است، چیست؟

(۱) اعم از قید لفظی و عقلی است و اعم است از اینکه قید در متن دلیل ذکر شود یا در موقعیت و مقام صدور دلیل، موجود باشد.

(۲) تنها قیود لفظی است و قید عقلی نمی تواند مصداق قیدی باشد که دلیل لفظی را مقید نماید.

(۳) تنها قیود لفظی است که در متن همان دلیل، به عنوان قید حکم یا موضوع ذکر می شود.

(۴) تنها قیود عقلی، مراد است.

۷۷. گزینه ۱ صحیح است. یکی از مقدمات حکمت، عدم قرینه بر تقیید است. منظور از عدم وجود قرینه، قرینه متصل است. این قرینه متصل ممکن است لفظی باشد یا غیر لفظی. مثلاً در برخی از موارد حکم بدیهی عقل یا عرف و سیره عقلاء، قرینه بر تقیید لفظ مطلق است و مانع اطلاق می شود.

۷۸. کدام مورد در خصوص استعمال واژه وکیل درباره کسی که به زودی پروانه وکالت خود را از مراجع مربوط دریافت می کند، صحیح است؟

(۱) بنابر وضع واژه ها، برای اعم از صحیح و فاسد، مقبول است، اما بنابر اینکه الفاظ، برای مفاهیم صحیح وضع شده باشند، استعمال مقبولی نخواهد بود.

(۲) استعمال لفظ در این مورد و موارد مشابه، نه از باب استعمال حقیقی و نه از بان استعمال مجازی که عرفاً مقبول نیست.

(۳) مصداق استعمال مجازی است که عرف اهل زمان ممکن است آن را استعمال مقبول قلمداد کنند.

(۴) مصداق استعمال لفظ در معنای حقیقی است و در هر حال استعمالی مقبول است.

۷۸. گزینه ۳ صحیح است.

وکیل، مشتق است و استعمال لفظ مشتق در مورد ذاتی که در آینده واجد مبدأ و صفتی می شود، به علاقه مشارفت، استعمالی مجازی است.

۷۹. در خصوص تخصیص عموم مستفاد از لفظ، با مفهوم، کدام مورد صحیح است؟

(۱) تخصیص عموم لفظی تنها با مفهوم مخالف، آن هم در صورتی صحیح است که عام، آبی از تخصیص نباشد.

(۲) هرگاه مفهوم در شمار مفاهیم معتبر و حجت باشد، می تواند عموم لفظی را تخصیص بزند.

(۳) با توجه به قوت دلالت لفظی و ضعف مفهوم، مفهوم مطلقاً توان تخصیص عام را ندارد.

(۴) تخصیص عام با مفهوم، نوعاً مستلزم تخصیص اکثر است که عرفاً مقبول نیست.

۷۹. گزینه ۲ صحیح است.

عام را می توان با مفهوم موافق تخصیص زد و این مسأله مورد اتفاق همگان است. در مورد تخصیص عام با مفهوم مخالف، هر چند اختلاف است اما مشهور معتقدند اگر جمله دارای مفهوم مخالف باشد (شرط، حصر و غایت) می تواند عام منطوقی را تخصیص بزند.

۸۰. ماده ۲۹ قانون تجارت مقرر می دارد: «در شرکت های سهامی عام، مبلغ اسمی هر سهم نباید از ده هزار ریال بیشتر باشد.» ماده مزبور در

مقام بیان کدام مورد زیر است؟

(۱) جمله انشایی در قالب و ساختار جمله اخباری که متضمن تأکید بیشتری است.

(۲) صرفاً توصیه و پیشنهاد است، به دلیل عدم ذکر ضمانت اجرا برای تخلف از آن.

(۳) حکم وضعی و سکوت از بیان حکم تکلیفی

(۴) حکم تکلیفی صریح و الزامی

۸۰. گزینه ۴ صحیح است.

به نظر می رسد استفاده از واژه «نباید» در ماده ۲۹ قانون تجارت، بیان کننده حکم تکلیفی ممنوعیت و حرمت است. البته ممکن است این حکم حرمت، ملازمه با حکم وضعی متناسب داشته باشد و شاید به همین لحاظ گزینه ۳ نیز قابل دفاع باشد. بنابراین احتمال اینکه گزینه ۳ به عنوان کلید معرفی گردد نیز وجود دارد.

«حقوق جزای عمومی و اختصاصی»

چند نکته در باب سوالات جزا:

اول: فراوانی موضوعات مطروحه و تعداد سوالات در آزمون وکالت ۱۳۹۷ به شرح ذیل است:

جزای عمومی: ۸ سوال، تعزیرات: ۷ سوال، قصاص: ۳ سوال، دیات: ۱ سوال، قانون خاص ثبت: ۱ سوال

دوم: متاسفانه حداقل ۶ مورد از سوالات آزمون وکالت ۱۳۹۷ مربوط به درس حقوق جزا اشتباه بوده و یا پاسخ اختلافی دارند.

سوم: با توجه به طرح سوالات بعضاً اشتباه و یا اختلافی؛ میانگین درصدهای شرکت کنندگان آزمون وکالت ۱۳۹۷ در سطح کشور نسبت به

سالهای پیشین کاهش خواهد یافت لذا از کاهش درصدهای خود نگران نباشید که این افت معدل برای همگان است.

چهارم: تطبیق مستند سوالات آزمون وکالت ۱۳۹۷ با آزمون های مفهومی مهارتی داداستان در حال تدوین است و بزودی منتشر خواهد شد.

۸۱- «الف» با کشیدن سلاح و ایجاد رعب، دیگری را به استرداد گوشی همراه متعلق به خود وادار کرده است. «الف» به چه جرمی، قابل تعقیب

کیفری است؟

۱) تهدید (۲) اخاذی (۳) محاربه (۴) هیچ جرمی

۸۱. پاسخ گزینه ۱ می باشد.

موضوع: کتاب تعزیرات - جرم تهدید

نکته: محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم و در این مسئله گوشی تلفن همراه متعلق به خود الف می باشد.

نکته: نتیجه در محاربه سلب امنیت می باشد.

نکته: مطابق ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی چنانچه فردی سلاح خود را به سوی یک یا چند نفر مخصوص بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد

محارب نیست.

ماده ۲۷۹- محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با

انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر

نا توانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی شود.

نکته: سوءنیت الف در اینجا قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها نیست بلکه قصد تصاحب مال خود را دارد.

نکته: ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی است: «هر کس دیگری را به هر نحو به قتل یا ضررهای نفسی و شرافتی یا مالی یا به افشای سری نسبت به خود یا

بستگان او تهدید کند، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را کرده یا نکرده باشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا

زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

نکته: تهدید دیگری با سلاح به منظور مطالبه حق خویش، نیز جرم است. ولذا گزینه یک می تواند پاسخ باشد.

نکته: البته حمل قمه، شمشیر، قداره و پنجه بوکس در صورتی که صرفاً به منظور درگیری فیزیکی و ضرب و جرح انجام شود جرم محسوب و مرتکب به

حداقل مجازات مقرر در این ماده محکوم می گردد و ممکن است که عمل الف مشمول تبصره ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی بشود که هیچ گزینه ای در

این مورد وجود ندارد.

ماده ۶۱۷ - هر کس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با

کسی گلاویز شود در صورتیکه از مصادیق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- حمل قمه، شمشیر، قداره و پنجه بوکس در صورتی که صرفاً به منظور درگیری فیزیکی و ضرب و جرح انجام شود جرم محسوب و مرتکب به حداقل

مجازات مقرر در این ماده محکوم می گردد. واردات، تولید و عرضه سلاحهای مذکور ممنوع است و مرتکب به جزای نقدی درجه شش محکوم و حسب مورد

این سلاحها به نفع دولت ضبط یا معدوم می شود.

تبصره ۲- تولید، عرضه یا حمل ادوات موضوع تبصره (۱) در موارد ورزشی، نمایشی، آموزشی و نیاز ضروری اشخاص برای استفاده شغلی یا دفاع شخصی پس

از دریافت مجوز بلامانع است). الحاقیه ۱۳۹۶/۹/۲۲

نحوه و مرجع صدور مجوز به موجب آیین نامه ای است که ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون با پیشنهاد وزرای دادگستری و کشور و با همکاری نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تهیه می شود و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

۸۲. «الف» حین عبور از خیابان، کیفی را در مسیر خود پیدا می کند و با تصرف آن، به سرعت از محل فرار می کند. مالک در آن لحظه و در تعقیب او موفق نمی شود کیف را به علت مقاومت متصرف از او باز پس بگیرد. «الف» به چه اتهامی، قابل تعقیب کیفری است؟

(۱) خیانت در امانت

(۲) سرقت

(۳) تحصیل مال از طریق نامشروع

(۴) هیچ اتهامی

۸۲. پاسخ اختلافی است.

موضوع: کتاب تعزیرات سرقت و تحصیل مال از طریق نامشروع

نکته: عمل الف تحصیل مال از طریق نامشروع نمی باشد چرا که تحصیل کیف از سطح خیابان تحصیل مال از طریق نامشروع نمی باشد (با این وجود برخی آنرا تحصیل مال از طریق نامشروع نیز می دانند و آرایه در این زمینه وجود دارد) و همچنین عمل خیانت در امانت نمی باشد چرا که مطابق نظر دکتر میرمحمد صادقی، در امانت شرعی و قانونی مانند یابنده مال گمشده عنصر سپرده شدن مخدوش می باشد.

عمل سرقت نیست زیرا ربایشی صورت نگرفته است. این سوال اختلافی است برخی گزینه سه را انتخاب می نمایند و اما گزینه چهار ترجیح دارد.

۸۳ - «الف»، کارمند بانک، با باز کردن حساب واهی به نام شخصی که وجود خارجی ندارد و جعل امضا موفق می شود از همان بانک وام بگیرد و اقساط بانک را همه ماهه پرداخت می کند عمل کارمند بانک به لحاظ کیفری، چه وصفی دارد؟

(۱) اختلاس

(۲) وصفی ندارد.

(۳) کلاهبرداری

(۴) جعل و استفاده از سند مجعول

۸۳. سوال نادرست طراحی شده است.

موضوع: کتاب تعزیرات جعل و کلاهبرداری

طراحی گزینه های این سوال اشکال دارد توضیح اینکه عنصر مادی جرم کلاهبرداری توسل به تقلب و بردن مال غیر است و عنصر روانی قصد تقلب و قصد بردن مال غیر می باشد، در صورت سوال فرد با صحنه سازی متقلبانه و ایجاد یک فرد موهوم از بانک وام گرفته است روشن است که قرض از عقود تملیکی است لذا بدیهی است که مرتکب با توسل به تقلب مال غیر را تحصیل نموده است و بازپرداخت بعدی وام مانع تحقق جرم نیست. (عنصر مادی جرم واقع شده است) ضمناً فرد قصد تقلب و قصد بردن مال را هم داشته است. (عنصر روانی)

در جرم جعل ورود ضرر شرط نیست بلکه امکان ضرر شرط است منظور از ضرر صرفاً ضرر به افراد نیست بلکه ضرر به اشخاص حقوقی را هم در بر می گیرد مرتکب در این سوال با ساختن یک امضا و ایجاد متقلبانه یک فرد امکان اضرار به بانک را فراهم نموده است لذا فرد مرتکب جرم جعل و استفاده از سند مجعول نیز شده است به نظر می رسد طراح محترم به این نکات توجه نداشته است.

گزینه های سوال نادرست طراحی شده است قطعاً بین اساتید اختلاف نظر وجود دارد و پاسخ به سوال اشتباه، اشتباه است.

مراجعه نمایید به کتاب جرایم علیه اموال و مالکیت صفحه ۹۵ (دکتر حسین میر محمد صادقی)

۸۴ - اگر کسی قاتل عمد را فرار دهد و مرتکب پیش از دستگیری فوت کند، در صورت مطالبه دیه از طرف اولیای دم. دیه مقتول از چه منبعی پرداخت می شود؟

(۱) بیت المال

(۲) اموال عاقله

(۳) اموال قاتل یا فرار دهنده

(۴) اموال نزدیکترین خویشان قاتل به نحو «الأقرب فالأقرب»

۸۴. پاسخ گزینه ۳ می باشد.

موضوع: کتاب قصاص

ماده ۴۳۴ - هرگاه کسی فردی را که مرتکب جنایت عمدی شده است فراری دهد به تحویل وی الزام می شود. اگر در موارد قتل و جنایت بر عضو که منجر به قطع یا نقص عضو یا از بین رفتن یکی از منافع آن شده است، بازداشت فراری دهنده مؤثر در حضور مرتکب یا الزام فراری دهنده به احضار مرتکب باشد،

هرگونه استفاده از سوالات مفهومی - مهارتی برای غیر ثبت نام کنندگان اعم از کپی برداری یا همخوانی شرعاً جایز نیست و شرکت کنندگان شرعاً مجاز نیستند سوالات را به افراد یا

موسسات دیگر واگذار کنند و یا حتی امانت دهند. آدرس: مشهد - بلوار فردوسی - حاشیه میدان استقلال - پلاک ۳۷۵ - تلفن: ۰۵۱-۳۶۰۵۰۰۷۲ (خط ۶)

دادگاه باید با درخواست صاحب حق قصاص تا زمان دستگیری مرتکب، فراری دهنده را بازداشت کند. اگر مرتکب پیش از دستگیری بمیرد یا دستگیری وی متعذر شود یا صاحب حق قصاص رضایت دهد، فراریده‌نده آزاد می‌شود و صاحب حق قصاص در همه موارد قصاص نفس و عضو، می‌تواند در صورت فوت مرتکب یا تعذر دستگیری او، دیه را از اموال وی یا فراری دهنده بگیرد. فراری دهنده می‌تواند پس از پرداخت دیه برای دریافت آن به مرتکب رجوع کند. ۸۵- اگر کسی مبلغ هنگفتی از دیگری قرض گرفته باشد تا به یک انجمن خیریه کمک کند. لیکن این مبلغ را در شرط بندی فوتبال ببازد، رفتار او از حیث جزایی، چه وصف (اوصافی) دارد؟

۱) خیانت در امانت و قمار بازی

۲) قماربازی

۳) خیانت در امانت

۴) انتقال مال غیر

۸۵. پاسخ گزینه ۲ می‌باشد.

موضوع: کتاب تعزیرات - قمار بازی

قرض از عقود تملیکی است و قرض گیرنده مالک است لذا خیانت در امانت محقق نمی‌گردد.

انتقال مال خود هم مشمول عنوان انتقال مال غیر نمی‌گردد.

بموجب ماده ۷۰۵ قمار بازی با هر وسیله‌ای ممنوع و مرتکبین آن به یک تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شوند و در صورت تجاهر به قماربازی به هر دو مجازات محکوم می‌گردند.

۸۶. مدیر آموزشگاه برای خرید یک دستگاه تلفن همراه، یک فقره چک بدون تاریخ، در وجه پیشخدمت خود صادر می‌کند، لیکن دارنده

چک با گذاشتن تاریخ و خرید کالا، مبلغی را به عنوان درصدا نه از فروشنده دریافت می‌کند. با مطالبه اصل کالا، پیشخدمت به دروغ در

دادگاه اظهار می‌دارد که تلفن همراه از او به سرقت رفته و حاضر است وجه چک را به مدیر مسترد دارد. چه اتهام (اتهاماتی) متوجه

پیشخدمت است؟

۱) جعل و اخذ پورسانت

۲) فروش مال غیر

۳) سوء استفاده از سفید امضا

۴) خیانت در امانت

۸۶. پاسخ گزینه ۴ می‌باشد.

موضوع: کتاب تعزیرات - خیانت در امانت

پیشخدمت اجازه استفاده از چک و خرید موبایل را داشته است لذا جرم سوء استفاده از سفید امضا منتفی است ضمناً موبایل خریداری شده نزد پیشخدمت امانت بوده و تصاحب آن خیانت در امانت خواهد بود.

ماده ۶۷۳: هر کس از سفید مهر یا سفید امضایی که به او سپرده شده است یا به هر طریق به دست آورده سوء استفاده نماید به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۶۷۴: هر گاه اموال منقول یا غیر منقول یا نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار

با اجرت یابی اجرت به کسی داده شده و بنا بر این بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را

به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

نکته: اخذ کمیسیون و پورسانت مترادف آن درصدا نه می‌باشد و در معاملات خارجی جرم است.

قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی

ماده واحده - قبول هر گونه پورسانت از قبیل وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال تحت هر عنوان به طور مستقیم یا غیر مستقیم در رابطه با معاملات

خارجی قوای سه‌گانه، سازمانها، شرکتها و مؤسسات دولتی، نیروهای مسلح، نهادهای انقلابی،

شهرداریها و کلیه تشکیلات وابسته به آنها ممنوع است. مرتکب علاوه بر رد پورسانت یا معادل آن به دولت به حبس تعزیری از ۲ تا ۵ سال و جزای نقدی برابر

پورسانت محکوم می‌گردد.

تبصره ۱ - مجازات شروع به این جرم حداقل مجازات مقرر در ماده مذکور است و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد مرتکب به مجازات آن

جرم نیز محکوم خواهد شد.

تبصره ۲ - در متن ماده واحده رد پورسانت یا معادل آن به دولت از مورخ ۱، ۱، ۵۸ مجری خواهد بود.

تبصره ۳ - در صورتی که شخص حقیقی یا حقوقی خارجی طرف معامله، پورسانت می‌پردازد موضوع به اطلاع مسئول دستگاه ذیربط رسانده می‌شود و وجه

هرگونه استفاده از سوالات مفهومی - مهارتی برای غیر ثبت نام کنندگان اعم از کپی برداری یا همخوانی شرعاً جایز نیست و شرکت کنندگان شرعاً مجاز نیستند سوالات را به افراد یا

مؤسسات دیگر واگذار کنند و یا حتی امانت دهند. آدرس: مشهد - بلوار فردوسی - حاشیه میدان استقلال - پلاک ۳۷۵ - تلفن: ۰۵۱-۳۶۰۵۰۰۷۲ (۶ خط)

مزبور دریافت و تماماً به حساب خزانه واریز می گردد در این صورت اقدام کننده مشمول ماده فوق نخواهد بود.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و سه تبصره در جلسه روز یکشنبه بیست و هفتم تیرماه یک هزار و سیصد و هفتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۲،۵،۳ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

۸۷. سارق به قصد ورود به مغازه جواهر فروشی، تونلی از محل سکونت خود در زیر زمین حفر می کند. لیکن در انتهای مسیر تونل، اشتباها سر از خانه همسایه در می آورد که بلافاصله دستگیر می شود. متهم، به ارتکاب چه جرم (جرایمی)، قابل تعقیب کیفری است؟

(۱) شروع به سرقت

(۲) در حکم شروع به سرقت

(۳) تخریب و ورود به عنف به منزل دیگری و شروع به سرقت

(۴) تخریب عمدی

۸۷. پاسخ گزینه ۴ می باشد.

موضوع: جزای عمومی - شروع به جرم و کتاب تعزیرات

مرتکب فاقد قصد مجرمانه ورود به منزل دیگری بوده است.

شروع به سرقت نمی باشد زیرا وضع ید واقع نشده است و هنوز به مال نرسیده است.

تخریب عمدی محقق شده است.

۸۸ - شخصی در حین کاشتن درخت در باغچه حیاط مسکونی خود، تعدادی اشیای تاریخی - فرهنگی کشف می کند و با علم به ارزش تاریخی اشیای مذکور، آنها را مخفی می کند. رفتار او واجد چه وصفی است؟

(۱) حفاری و کاوش

(۲) امتناع از تحویل اشیای مکشوفه به دولت

(۳) فاقد وصف کیفری است

(۴) اختفای اشیای تاریخی

۸۸. سوال اشکال دارد دو گزینه می تواند پاسخ باشد.

موضوع: کتاب تعزیرات - جرایم علیه میراث فرهنگی

نکته: در سوال آمده است چه وصفی دارد؟ پاسخ عبارتست از: «وصف امتناع از تحویل اشیای مکشوفه به دولت» پس گزینه ۲ صحیح است و اما گزینه ۳ هم می تواند صحیح می باشد زیرا در تبصره یک ماده ۵۶۲ می گوید فقط به ضبط اموال مکشوفه محکوم می شود و مطابق نظر دسته ای از حقوقدانان که اقوی به نظر می رسد این عمل جرم نیست. (سوال اختلافی و مبهم می باشد)

متأسفانه مشخص نیست عبارت: "چه وصفی دارد" به جای عبارت "چه وصف مجرمانه ای دارد" هوشمندانه انتخاب شده است؟

ماده ۵۶۲: هر گونه حفاری و کاوش به قصد بدست آوردن اموال تاریخی - فرهنگی ممنوع بوده و مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و ضبط اشیاء

مکشوفه به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور و آلات و ادوات حفاری به نفع دولت محکوم می شود. چنانچه حفاری در اماکن و محوطه های تاریخی که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است، یا در بقاع متبرکه و اماکن مذهبی صورت گیرد علاوه بر ضبط اشیاء مکشوفه و آلات و ادوات حفاری مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می شود.

تبصره ۱ - هر کس اموال تاریخی - فرهنگی موضوع این ماده را حسب تصادف بدست آورد و طبق مقررات سازمان میراث فرهنگی کشور نسبت به تحویل آن اقدام ننماید به ضبط اموال مکشوفه محکوم می گردد.

تبصره ۲ - خرید و فروش اموال تاریخی - فرهنگی حاصله از حفاری غیر مجاز ممنوع است و خریدار و فروشنده علاوه بر ضبط اموال فرهنگی مذکور، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می شوند. هر گاه فروش اموال مذکور تحت هر عنوان از عناوین بطور مستقیم یا غیر مستقیم به اتباع خارجی صورت گیرد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می شود.

۸۹. در صورت تیکه رفتار غیر عمدی مرتکب، به موجب آسیب و عیبی در بدن شود و نه اثری از خود در بدن برجای گذارد. کدام مورد صحیح است؟

(۱) در صورت تصالح، ضمان منتفی است.

(۲) توهین عملی محسوب می شود.

(۳) ضمان منتفی است.

(۴) در صورت عدم تصالح، مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه ۷ محکوم می شود.

۸۹. پاسخ گزینه ۳ می باشد.

موضوع: کتاب دیات

ماده ۵۶۷- در مواردی که رفتار مرتکب نه موجب آسیب و عیبی در بدن گردد و نه اثری از خود در بدن برجای بگذارد ضمان منتفی است لکن در موارد عمدی در صورت عدم تصالح، مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه هفت محکوم می شود.

۹۰. در کدام صورت، شخص حقوقی تنها به مجازات انحلال محکوم می شود؟

- (۱) در هیچ صورتی امکان صدور چنین مجازاتی وجود ندارد.
- (۲) با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصر در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد.
- (۳) برای ارتکاب جرم، تشکیل شده باشد یا با انحراف از هدف مشروع نخستین فعالیت خود را منحصر در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد.
- (۴) برای ارتکاب جرم، تشکیل شده باشد.

۹۰. پاسخ گزینه ۳ می باشد.

موضوع: جزای عمومی - مجازات شخص حقیقی

نکته: سوال از نص ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی طراحی شده است و متأسفانه ابهام دارد با این وجود گزینه ۳ ترجیح دارد.

نکته: در ماده ۲۲ آمده است انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می شود که برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصر در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد و در مقام بیان این مطلب که الزاماً باید انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال همزمان مورد حکم واقع شود نبوده است.

ماده ۲۰- در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده (۱۴۳) این قانون مسؤؤل شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیانبار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست:

الف- انحلال شخص حقوقی

ب- مصادره کل اموال

پ- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ت- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ث- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال

ج- جزای نقدی

چ- انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه ها

تبره- مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی در مواردی که اعمال حاکمیت میکنند، اعمال نمی شود.

ماده ۲۱- میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می شود.

ماده ۲۲- انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می شود که برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصر در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد.

ماده ۱۴۳- در مسؤولیت کیفری اصل بر مسؤولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسؤولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسؤولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

۹۱- چنانچه یک تبعه ایرانی، در خارج از کشور مرتکب جرم حدی شود در ایران یافت شود، کدام شرط برای محاکمه و مجازات او ضروری

نیست؟

- (۱) متهم در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده باشد.
- (۲) طبق قوانین ایران، موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب نباشد.
- (۳) به موجب قوانین ایران، موجبی برای موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد
- (۴) رفتار ارتكابی به موجب قانون ایران، جرم باشد.

۹۱. پاسخ گزینه ۱ می باشد.

موضوع: جزای عمومی - صلاحیت

نکته: عدم محاکمه و تبرئه شدن تبعه ایران در خارج از کشور شرط برای محاکمه و مجازات مرتکب در جرایم حدی نیست و در هر صورت مجدداً محاکمه می شود.

ماده ۷- علاوه بر موارد مذکور در مواد فوق هر یک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می شود مشروط بر اینکه:

الف- رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد.

ب- در صورتی که جرم ارتكابی از جرائم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد.

پ- طبق قوانین ایران موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.

۹۲. کدام مورد در خصوص مجازات های جایگزین حبس، صحیح است؟

۱) مرتکبان جرایم غیر عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال حبس است، با اختیار دادگاه ممکن است به مجازات جایگزین حبس محکوم شوند.

۲) در جرایم عمدی متعدد که مجازات قانونی هیچ یک از آنها بیش از یک سال نباشد، دادگاه می تواند به مجازات جایگزین حبس حکم دهد.

۳) مرتکبان جرایم عمدی با حداکثر مجازات قانونی تا یک سال حبس، چنانچه فاقد سابقه محکومیت کیفری قطعی به حبس بیش از شش ماه باشند، به مجازات جایگزین حبس محکوم می شوند.

۴) چنانچه مجازات قانونی جرم عمدی بیش از یک سال حبس باشد، با تخفیف مجازات به کمتر از یک سال از سوی دادگاه، اعمال مجازات های جایگزین حبس ممنوع است.

۹۲. پاسخ گزینه ۴ می باشد.

موضوع: جزای عمومی - جایگزین حبس

نکته: در جرایم عمدی چنانچه مجازات قانونی تا ۳ ماه حبس باشد مجازات جایگزین حبس الزامی است و چنانچه بین ۳ تا ۶ ماه باشد الزامی است مگر شرایط ماده ۶۶ را داشته باشد و چنانچه بین ۶ ماه تا ۱ سال باشد اختیاری است مگر شرایط ماده ۶۶ را دارا باشد.

نکته: در جرایم غیر عمدی چنانچه مجازات قانونی تا ۲ سال حبس باشد جایگزین حبس الزامی است و بیش از ۲ سال اختیاری می باشد.

ماده ۶۶- مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد:

الف- بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا شلاق تعزیری

ب- یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دینه

ماده ۶۷- دادگاه می تواند مرتکبان جرائم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یکسال حبس است به مجازات جایگزین حبس محکوم کند، در صورت وجود شرایط ماده (۶۶) این قانون اعمال مجازاتهای جایگزین حبس ممنوع است.

ماده ۶۸- مرتکبان جرائم غیر عمدی به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند مگر اینکه مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس باشد که در این صورت حکم به مجازات جایگزین حبس، اختیاری است.

۹۳. «الف» به قصد آدم ربایی، اتوبوسی را که دارای ۲۰ مسافر است. می رباید. کدام مورد در خصوص رفتار وی، صحیح است؟

۱) تعدد معنوی است و شخص به مجازات اشد محکوم می شود.

۲) تعدد مادی است و شخص به حداکثر مجازات آدم ربایی محکوم می شود.

۳) تعدد مادی است و شخص به حداکثر مجازات آدم ربایی به علاوه تا یک دوم آن محکوم می شود.

۴) مصداق تعدد مادی و معنوی نیست.

۹۳. پاسخ گزینه ۱ می باشد.

موضوع: جزای عمومی - تعدد جرم

نکته: عمل مرتکب یک فعل مجرمانه است " ربودن اتوبوس دارای ۲۰ مسافر " و این فعل هم مشمول عنوان مجرمانه " آدم ربایی " و هم مشمول عنوان مجرمانه " سرقت اتوبوس " قرار می گیرد (سوال تصریح دارد به اینکه مرتکب، اتوبوس را نیز می رباید) به عبارتی یک رفتار واحد است که مشمول دو عنوان

تعزیری قرار می گیرد لذا عمل به موجب ماده ۱۳۱ تعدد معنوی دارد

ماده ۱۳۱: در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می شود.

نکته: ربایش ۲۰ انسان با یک رفتار مشمول احکام تعدد مادی قرار نمی گیرد و یک جرم بشمار می رود مانند سرقت چند کیسه گندم از یک انبار که یک جرم بشمار می رود.

۹۴. کدام یک از جرایم زیر، قابل تعویق است؟

۱) قاچاق عمده مواد مخدر

۲) معاونت در اسید پاشی

۳) شروع به آدم ربایی

۴) ایجاد مزاحمت با چاقو

۹۴. پاسخ گزینه ۲ می باشد.

موضوع: جزای عمومی - تعویق

ماده ۴۷- صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست:

الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات

ب- جرائم سازمان یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم ربایی و اسیدپاشی

پ- قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا

ت- قاچاق عمده مواد مخدر یا روانگردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان

ث- تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی الارض

ج- جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

۹۵. «الف» مرتکب جرم قذف نسبت به شخص «ب» و مرتکب جرم افترا نسبت به شخص «ج» می شود. مرتکب پس از دستگیری، به چه نحو

مجازات می شود؟

۱) به قذف و افترا محکوم می شود و ابتدا حد اجرا می گردد.

۲) به مجازات قذف و افترا محکوم می شود، ولی تنها مجازات حدی نسبت به وی اجرا می گردد.

۳) به مجازات قذف و افترا محکوم می شود و بدون رعایت ترتیب، هر دو مجازات در مورد وی اجرا می گردد

۴) فقط به مجازات حدی محکوم می شود.

۹۵. پاسخ گزینه ۱ می باشد.

موضوع: جزای عمومی - تعدد جرم

ماده ۱۳۵- در تعدد جرائم موجب حد و تعزیر و نیز جرائم موجب قصاص و تعزیر مجازاتها جمع و ابتداء حد یا قصاص اجرا می شود مگر حد یا قصاص، سالب

حیات و تعزیر، حق الناس یا تعزیر معین شرعی باشد و موجب تأخیر اجرای حد نیز نشود که در این صورت ابتداء تعزیر اجراء می گردد.

تبصره- در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت غیرحدی یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به

مجازات حدی محکوم می شود و مجازات تعزیری ساقط می گردد، مگر در حد قذف که اگر قذف نسبت به شخصی و دشنام به دیگری باشد، مرتکب به هر

دو مجازات محکوم می شود.

۹۶- اگر کسی با ضربه های متعدد عمدی، موجب جنایات متعدد و قتل مجنی علیه شود و قتل نیز مشمول مجازات عمدی باشد، کدام مورد

در خصوص مرتکب، صحیح است؟

۱) اگر قتل در اثر مجموع جنایات پدید آید، در صورتی که ضربات به صورت غیر متوالی وارد شده باشد تنها به قصاص یا دیه محکوم خواهد شد.

۲) اگر قتل در اثر مجموع جنایات پدید آید، در صورتی که ضربات به صورت غیر متوالی وارد شده باشد، به قصاص یا دیه عضو که جنایت بر آن متصل به

فوت نبوده است نیز محکوم می شود.

۳) اگر قتل در اثر مجموع جنایات پدید آید، در صورتی که ضربات به طور متوالی وارد شده باشد، به قصاص یا دیه عضو که جنایت بر آن متصل نبوده است

نیز محکوم می شود.

۴) اگر برخی جنایات موجب قتل شود و برخی در وقوع قتل بی تاثیر باشد، تنها به قصاص نفس محکوم می شود.

۹۶. پاسخ گزینه ۲ می باشد.

موضوع: کتاب قصاص

ماده ۲۹۹- اگر کسی با ضربه های متعدد عمدی، موجب جنایات متعدد و قتل مجنی علیه شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، چنانچه

برخی از جنایتها موجب قتل شود و برخی در وقوع قتل نقشی نداشته باشند، مرتکب علاوه بر قصاص نفس، حسب مورد، به قصاص عضو یا دیه جنایتهایی که

تأثیری در قتل نداشته است، محکوم می شود. لکن اگر قتل به وسیله مجموع جنایات پدید آید، در صورتی که ضربات به صورت متوالی وارد شده باشد در

حکم یک ضربه است. در غیر این صورت به قصاص یا دیه عضو که جنایت بر آن، متصل به فوت نبوده است نیز محکوم می گردد.

۹۷. در فرض ثابت بودن لوث علیه دو یا چند نفر به شکل مردد در قتل، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) با درخواست شاکی مبنی بر اقامه قسامه و خودداری همه، پرداخت دیه به نسبت مساوی میان ممتنعان تقسیم می شود.
- ۲) با درخواست اقامه قسامه از سوی شاکی و خودداری چند نفر از اقامه قسامه، با ادای سوگند آنان بر براءت خود، دیه ساقط می شود.
- ۳) چنانچه شاکی از آنها درخواست اقامه قسامه کند و همگی اقامه قسامه کنند، پرداخت دیه به نسبت مساوی میان آنها تقسیم می شود.
- ۴) با اقامه قسامه از سوی همه متهمان به درخواست شاکی، دیه به نسبت مساوی میان آنها تقسیم می شود.

۹۷. پاسخ گزینه ۱ می باشد.

موضوع: کتاب قصاص

نکته: مطابق ماده ۳۳۴ ق.م.ا با درخواست اقامه قسامه از سوی شاکی و خودداری چند نفر از اقامه قسامه، پرداخت دیه بر ممتنع ثابت می شود.

نکته: چنانچه شاکی از آنها درخواست اقامه قسامه کند و همگی اقامه قسامه کنند، در قتل، دیه از بیت المال پرداخت می گردد.

ماده ۳۳۲ - اگر لوث علیه دو یا چند نفر به شکل مردد حاصل شود، پس از تعیین مرتکب به وسیله مجنی علیه یا ولی دم و اقامه قسامه علیه او، وقوع جنایت اثبات می شود.

ماده ۳۳۳ - اگر لوث علیه دو یا چند نفر به شکل مردد ثابت باشد و قسامه به همینگونه علیه آنان اقامه شود، جنایت بر عهده یکی از چند نفر، به صورت مردد اثبات می شود و قاضی از آنان می خواهد که بر براءت خود سوگند بخورند. اگر همگی از سوگند خوردن خودداری ورزند یا برخی از آنان سوگند یاد کنند و برخی نکنند، دیه بر ممتنعان ثابت می شود. اگر ممتنعان متعدد باشند، پرداخت دیه به نسبت مساوی میان آنان تقسیم می شود. اگر همه آنان بر براءت خود سوگند یاد کنند، در خصوص قتل، دیه از بیت المال پرداخت می شود و در غیر قتل، دیه به نسبت مساوی میان آنان تقسیم می گردد.

ماده ۳۳۴ - اگر لوث علیه دو یا چند نفر به شکل مردد ثابت باشد، چنانچه شاکی از آنان درخواست اقامه قسامه کند هر یک از آنان باید اقامه قسامه کند.

در صورت خودداری همه یا برخی از آنان از اقامه قسامه، پرداخت دیه بر ممتنع ثابت می شود و در صورت تعدد ممتنعان، پرداخت دیه به نسبت مساوی میان آنان تقسیم می شود. اگر همگی اقامه قسامه کنند، در قتل، دیه از بیت المال پرداخت می گردد.

۹۸. یک جهانگرد خارجی اتومبیلی را کرایه می کند. در پایان گشت و گذار، کیف پر از پول خود را جلوی راننده می گیرد تا کرایه خویش را

از کیف بردارد، اما راننده با علم به ناآگاهی توریست از ارزش پول های رایج و با سوءنیت، مبلغ هنگفتی را از کیف بر می دارد. رفتار وی

مصدق چه جرمی است؟

۱) تحصیل مال از طریق نامشروع

۲) سرقت

۳) فاقد عنوان مجرمانه

۴) خیانت در امانت

۹۸. گزینه ۳ ترجیح دارد.

موضوع: کتاب تعزیرات - خیانت در امانت، سرقت و....

نکته: عمل راننده هر چند خلاف اخلاق بوده اما فاقد عنوان مجرمانه می باشد اقوی آنست که سرقت نیست زیرا ربایشی صورت نگرفته است خیانت در امانت نیز نیست زیرا سپرده شدنی نبوده است تحصیل مال از طریق نامشروع نیست زیرا عمل راننده تنها خلاف وجدان و اخلاق بوده و نوعی سوءاستفاده می باشد نه اینکه از طریق نامشروع مالی را تحصیل نماید لذا گزینه سه ترجیح دارد متأسفانه با این وجود موضوع در بین اساتید و رویه قضایی اختلافی است.

۹۹- هرگاه دفتردار دفترخانه اسناد رسمی، قسمتی از دفاتر ثبت را آتش بزند، رفتار وی، مصداق چه جرمی است؟

۱) تخریب

۲) خیانت در امانت

۳) احراق

۴) در حکم جعل در اسناد رسمی

۹۹. پاسخ گزینه ۴ می باشد.

موضوع: قانون خاص - قانون ثبت

مطابق ماده ۱۰۰ قانون ثبت: هر یک از مستخدمین و اجزاء ثبت اسناد و املاک و صاحبان دفاتر رسمی عامداً یکی از جرمهای ذیل را مرتکب شود جاعل در اسناد رسمی محسوب و به مجازاتی که برای جعل و تزویر اسناد رسمی مقرر است محکوم خواهد شد.

اولاً - اسناد مجعوله یا مزوره را ثبت کند.

ثانیاً - سندی را بدون حضور اشخاصی که مطابق قانون باید حضور داشته باشند ثبت نماید.

ثالثاً - سندی را به اسم کسانی که آن معامله را نکرده اند ثبت کند.

رابعاً - تاریخ سند یا ثبت سندی را مقدم یا مؤخر در دفتر ثبت کند.

خامساً - تمام یا قسمتی از دفاتر ثبت را معدوم یا مکتوم کند یا ورقی از آن دفاتر را بکشد یا به وسایل متقلبانه دیگر ثبت سندی را از اعتبار و استفاده بیندازد.

سادساً - اسناد انتقالی را با علم به عدم مالکیت انتقال دهنده ثبت کند.

سابعاً - سندی را که به طور وضوح سندیت نداشته و یا از سندیت افتاده ثبت کند.

ماده ۶۰۴ - هر یک از مستخدمین دولتی اعم از قضائی و اداری نوشته ها و اوراق و اسنادی را که حسب وظیفه به آنان سپرده شده یا برای انجام وظایفشان

به آنها داده شده است را معدوم یا مخفی نماید یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع می باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده به

حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد

ماده ۶۸۱ - هر کس عالماً دفاتر و قباله ها و سایر اسناد دولتی را بسوزاند یا به هر نحو دیگری تلف کند به حبس از دو تا ده سال محکوم خواهد شد

۱۰۰ - شخصی به قصد سرقت، وارد منزل دیگری می شود و در اثنای جمع آوری اموال با شنیدن صدای آژیر خودروی پلیس، با رها کردن اموال

در محل، یا به فرار می گذارد و در کوچه دستگیر می شود. رفتار وی مشمول کدام عنوان است؟

۱) ورود به عنف به منزل دیگری

۲) شروع به سرقت

۳) شروع به سرقت و ورود به عنف به منزل دیگری

۴) جرم عقیم

۱۰۰. پاسخ گزینه ۲ می باشد.

موضوع: جزای عمومی - شروع به جرم

نکته: عمل وی شروع به سرقت می باشد چرا که وارد مرحله اجرایی یعنی جمع آوری اموال شده است و همچنین به واسطه عامل خارجی (به صدا درآمدن

آژیر) از ادامه کار امتناع کرده که شرایط قانونی شروع به جرم محقق شده است.

ماده ۱۲۲ - هر کس قصدار تکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به شرح زیر مجازات میشود:

الف - در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار

ب - در جرائمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است به حبس تعزیری درجه پنج

پ - در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش

تبصره - هرگاه رفتار ارتكابی، ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته، لکن به جهات مادی که مرتکب از آنها بی اطلاع بوده وقوع جرم غیرممکن باشد، اقدام

انجام شده در حکم شروع به جرم است.

«آیین دادرسی کیفری»

اولاً سلام و درود بر شما. تبریک ما را بمناسبت وزیدن گرفتن نسیم موفقیت شما عزیزان سخت کوش در آزمون های حقوقی سال ۱۳۹۷ پذیرا

باشید. آزمون وکالت امسال نیز به سرانجام رسید و بار دیگر «دانش جویان پرتلاش داداستانی» که برای افزایش مهارت و دانش حقوقی خود و فراگرفتن

حقوق در دو بعد نظری و کاربردی به موسسه داداستان اعتماد و اتکا کردند، مزد سخت کوشی های خود را گرفتند.

ثانیاً خوشبختانه در آزمون وکالت امسال بجز سوال ۱۱۸ که از رای وحدت رویه قدیمی ۶۵۷ برای دادن پاسخ به آن باید استفاده می شد، سایر

سوالات، اعم از ساده، متوسط و دشوار؛ برگرفته از متن قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ بودند و این مهم باعث شد تا در این درس توفیق تطبیق ۱۰۰

درصدی سوالات را با آزمون های مفهومی - مهارتی داداستان بدست آوریم.

ثالثاً همه داوطلبانی که مبسوط نامه ها را جدی گرفتند با مطالعه آنها یا فایل تطبیق مستند به شرح زیر براحتی متوجه این مهم می شوند. از آن

مهم تر آنکه در مجموع ۲۰ سوال آیین دادرسی کیفری، سوالات ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۳، و ۱۲۰ از نمودار صلاحیت و سوالات ۱۱۲ و ۱۱۶ و ۱۱۸ و ۱۱۹ از نمودار

قرارهای دادسرا طرح شده بودند. یعنی ۸ سوال یا ۴۰ درصد سوالات از دو صفحه نمودار قرارها و صلاحیت ها بود.

رابعاً حال اگر سوالات ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۳ و ۱۱۷ که مربوط به نمودار طرق عادی و فوق العاده اعتراض بودند که در دوره امهات ارایه

شدند، را به نکته قبل اضافه کنید می بینید که ۱۴ سوال از نمودارهای دوره امهات آمده است یعنی ۷۰ درصد سوالات آزمون وکالت ۱۳۹۷.

خامساً اگر تطبیق مستند را دقت کنید می بینید که سوالات ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۰ از آزمون جامع پنجم مورخ ۱۳۹۷/۹/۲ و

سوالات ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۴ از آزمون جامع چهارم مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۵ و سوالات ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۸ و ۱۱۹ از آزمون جامع سوم مورخ

۱۳۹۷/۸/۱۸ و سوال ۱۰۱ از آزمون جامع اول مورخ ۱۳۹۷/۷/۲۰ طرح شده بود. همچنین سوال ۱۱۳ در آزمون جامع دوم، سوال ۱۰۵ و ۱۱۵ در آزمون

جامع سوم و سوال ۱۱۷ در آزمون جامع چهارم هم تکرار شده بود.

هرگونه استفاده از سوالات مفهومی - مهارتی برای غیر ثبت نام کنندگان اعم از کپی برداری یا همخوانی شرعاً جایز نیست و شرکت کنندگان شرعاً مجاز نیستند سوالات را به افراد یا

موسسات دیگر واگذار کنند و یا حتی امانت دهند. آدرس: مشهد - بلوار فردوسی - حاشیه میدان استقلال - پلاک ۲۷۵ : تلفن: ۰۵۱-۳۶۰۵۰۰۷۲ (۶ خط)

نهایتاً اینکه اگر دقت کنید متوجه می شوید مواد قانونی مورد سوال در آزمون وکالت در آیین دادرسی کیفری از یک نگاه در ۷۰ درصد سوالات از نمودارهای دوره امهات واز نگاهی دیگر، ۱۷ سوال از ۲۰ سوال آزمون وکالت ۹۷ یعنی ۸۵ درصد آن، در ۵ آزمون نهایی جامع آخر داداستان آمده است. پس شک نکنید امسال نیز همانند ۶ سال گذشته میانگین بالاترین درصد پاسخ برگ داوطلبان داداستانی، چه در مورد قبول شدگان نهایی و چه در مورد آنانی که باید تلاش خود را برای موفقیت در سال آتی بیشتر کنند، مربوط به آیین دادرسی کیفری است. حال درس نامه و تطبیق مستند آزمون وکالت ۹۷ را مرور می کنیم.

۱۰۱. آیا دادگاه کیفری یک می تواند پس از شروع به رسیدگی، قرار عدم صلاحیت صادر کند؟

(۱) بلی، در صورت عدم صلاحیت محلی

(۲) بلی، مطلقاً

(۳) خیر، مطلقاً

(۴) بلی، در صورت عدم صلاحیت ذاتی

۱۰۱. گزینه ۴ پاسخ است.

قسمت اول : نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال برگرفته از متن ماده ۴۰۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که می گوید: «دادگاه کیفری یک با رعایت صلاحیت ذاتی، پس از شروع به رسیدگی

نمی تواند قرار عدم صلاحیت صادر کند و به هر حال باید رأی مقتضی را صادر نماید.»

نکته ۲: مفهوم این ماده آن است که اگر پس از شروع به رسیدگی دادگاه کیفری یک فهمید که صلاحیت ذاتی ندارد، باید قرار عدم صلاحیت ذاتی صادر

کند. لذا گزینه ۴ «بلی، در صورت عدم صلاحیت ذاتی» پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند :

نکته ۱: هر داوطلبی که نکته ۵ مبسوط نامه سوال ۱۱۵ آزمون ۲۴ (جامع اول) مورخ ۱۳۹۷/۷/۲۰ را جدی گرفته و به روش شبکه ای مواد آن را خوانده بود، این سوال را به راحتی جواب داده است.

نکته ۲: نکته فوق می گفت: «بعد از صدور قرار رسیدگی، تفاوت رسیدگی مستقیم و غیرمستقیم در دادگاه کیفری یک برداشته شده و ادامه رسیدگی در هر

دو مورد به یک روش ادامه می یابد. اول بحث تعیین وکیل (۳۸۴ تا ۳۸۶)، بعد بحث ایرادات (۳۸۷ و ۳۸۸)، بعد جلسه مقدماتی اداری (۳۸۹ و ۳۹۰) بعد هم

دستور تعیین وقت رسیدگی (۳۹۱) بعد هم احضار افراد لازم (۳۹۲ تا ۳۹۴) بعد هم رسیدگی (۳۹۵ تا ۴۰۲) و بعد هم صدور رأی (۴۰۳ تا ۴۰۵)» سوال

۱۰۱ آزمون وکالت ۱۳۹۷ از همین ماده ۴۰۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ بود.

۱۰۲. در کدام یک از موارد زیر، تعیین وکیل تسخیری از سوی دادگاه الزامی است؟

(۱) در همه جرایم به استثنای جرایم درجه ۷ و ۸. هرگاه متهم خود وکیل معرفی نکند.

(۲) در جرایم احصا شده توسط قانونگذار، هرگاه متهم خود وکیل معرفی نکند یا وکیل او بدون اعلام عذر در دادگاه حاضر نشود.

(۳) در همه جرایم به استثنای جرایم درجه ۷ و ۸، هرگاه متهم خود وکیل معرفی نکند یا وکیل او بدون اعلام عذر موجه در دادگاه حاضر نشود.

(۴) در جرایم خاص، هرگاه متهم خود وکیل معرفی نکند.

۱۰۲. گزینه ۲ پاسخ است.

قسمت اول : نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: با توجه به اطلاق کلمه «دادگاه» در این سوال و عدم اشاره به دادگاه اطفال و نوجوانان و ماده ۴۱۵، پس این سوال از ماده ۳۴۸ ق.آ.د.ک. ۹۲ آمده

که می گوید: «در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون، جلسه رسیدگی بدون حضور وکیل متهم تشکیل نمی شود.

چنانچه متهم، خود وکیل معرفی نکند یا وکیل او بدون اعلام عذر موجه در دادگاه حاضر نشود، تعیین وکیل تسخیری الزامی است و چنانچه

وکیل تسخیری بدون اعلام عذر موجه در جلسه رسیدگی حاضر نشود، دادگاه ضمن عزل او، وکیل تسخیری دیگری تعیین می کند. حق الوکاله وکیل

تسخیری از محل اعتبارات قوه قضائیه پرداخت می شود.»

نکته ۲: لذا گزینه ۲ «در جرایم احصا شده توسط قانونگذار، هرگاه متهم خود وکیل معرفی نکند یا وکیل او بدون اعلام عذر موجه در دادگاه

حاضر نشود.» پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند :

نکته ۱: اگر همه مبسوط نامه های ۲۸ آزمون از آزمون های ۶۴ مرحله ای داداستان را در یک فایل قرار بدهید، آنگاه خواهید دید که در مجموع کل آزمون

های ۶۴ مرحله ای داداستان برای آزمون وکالت ۱۳۹۷، ۶۳ بار به ماده ۳۴۸ اشاره و استناد شده است. دقت کنید. ۶۳ بار. یعنی در هر موردی که ما

به بحث وکالت و انتخاب وکیل رسیدیم تاکید کردیم که از شبکه وکالت یک سوال می آید. سوال ۱۰۳ آخرین آزمون جامع داداستان در هفته قبل «موارد تعیین وکیل تسخیری» بود و در مبسوط نامه این سوال چندین بار به ماده ۳۴۸ اشاره و استناد شده است.

نکته ۲: شما کافی است به قسمت دوم مبسوط نامه سوال ۱۰۳ آزمون جامع آخر که هفته قبل مورخ ۱۳۹۷/۹/۲ ارایه شد دقت می کردید که ما گفتیم: «قسمت دوم: نکته ای درباره مهارت تست زنی در این پرسش: (۱) از شبکه مربوط به تعیین وکیل اعم از تعیینی، معاضدتی یا تسخیری یک سؤال دارید. در آزمون های قبلی هم به این شبکه اشاره کردیم و در نکته ۸ مبسوط نامه نیز یادآوری می کنیم.»

نکته ۳: در نکته ۸ مبسوط نامه این سوال نیز گفتیم که: «نکته ۸: سؤال ۱۱۲ و ۱۱۹ آزمون وکالت ۹۵ از مبحث وکیل بود. مباحث مربوط به تعیین وکیل در تبصره ۲ ماده ۱۳، ۴۸، ۱۹۰، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۱۵، ۶۲۵ و ۶۲۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ آمده است. این مواد را با هم به صورت شبکه ای بخوانید.»
نکته ۴: ضمناً در نکته ۴ قسمت دوم مبسوط نامه سوال ۱۱۹ آزمون جامع چهارم از ۶۴ مرحله ای ۱۳۹۷/۸/۲۵ بر طرح یک سوال از شبکه انتخاب وکیل به شرح فوق تاکید شده است. پس همه داداستانیها حداقل از دو هفته قبل می دانستند که ماده ۳۴۸ احتمال طرح سوال دارد و داشت.

۱۰۳. در کدام صورت، رای دادگاه تجدیدنظر استان غیابی تلقی می شود؟

(۱) متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات تجدیدنظر حاضر نبوده و لایحه دفاعیه یا اعتراضیه هم نداده و رای دادگاه تجدیدنظر دایر بر محکومیت متهم باشد.

(۲) متهم یا وکیل او در هیچ یک از مراحل دادرسی نخستین و تجدیدنظر حاضر نبوده و لایحه دفاعیه یا اعتراضیه هم نداده، اعم از آنکه رای دادگاه تجدیدنظر دایر بر محکومیت یا براءت باشد.

(۳) متهم یا وکیل او در هیچ یک از مراحل دادرسی نخستین و تجدیدنظر حاضر نبوده و لایحه دفاعیه یا اعتراضیه هم نداده و رای دادگاه تجدیدنظر نیز دایر بر محکومیت متهم باشد.

(۴) متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه تجدیدنظر حاضر نبوده و لایحه دفاعیه یا اعتراضیه هم نداده باشد.
۱۰۳. گزینه ۳ پاسخ است.

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از متن ماده ۴۶۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که می گوید: «در مواردی که رأی دادگاه تجدیدنظر استان بر محکومیت متهم باشد و متهم یا وکیل او در هیچ یک از مراحل دادرسی نخستین و تجدیدنظر حاضر نبوده و لایحه دفاعیه یا اعتراضیه هم نداده باشد، رأی دادگاه تجدیدنظر

استان ظرف بیست روز پس از ابلاغ واقعی به متهم یا وکیل او، قابل واخواهی و رسیدگی در همان دادگاه است. رأیی که در این مرحله صادر می شود، قطعی است.»
نکته ۲: لذا گزینه ۳ «متهم یا وکیل او در هیچ یک از مراحل دادرسی نخستین و تجدیدنظر حاضر نبوده و لایحه دفاعیه یا اعتراضیه هم نداده و رای دادگاه تجدیدنظر نیز دایر بر محکومیت متهم باشد» پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند:

نکته ۱: در مجموع کل آزمون های ۶۴ مرحله ای داداستان برای آزمون وکالت ۱۳۹۷، ۲۶ بار به ماده ۴۶۱ اشاره و استناد شده است. دقت کنید. ۲۶ بار. یعنی در هر موردی که مابه بحث واخواهی و اعتراض به رای غیابی رسیدیم تاکید کردیم که از شبکه جهات قانونی اعتراض از جمله ماده ۴۶۱ یک سوال می آید.
نکته ۲: حال به مبسوط نامه سوال ۱۱۴ آزمون جامع پنجم که هفته قبل ۱۳۹۷/۹/۲ دادید، دقت کنید: «۱۱۴.....» موضوع اصلی پرسش:

تفاوت جهات تجدیدنظر خواهی و فرجام خواهی و واخواهی»

قسمت اول: تحلیل سریع گزینه ها

(الف) گزینه ۱ مطابق ماده ۴۰۶ و ۴۶۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ از جهات واخواهی است.

(ب) گزینه ۲ ...

(ج) گزینه ۳ ..

(د) گزینه ۴

نکته ۳: در نکته ۱ قسمت دوم مبسوط نامه همین سوال آمده است: «سؤال حاصل مقایسه ماده ۴۰۶ و ۴۶۱ با مواد ۴۳۴ و ۴۶۴ و ۴۷۷

ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ است. تاکنون چند بار این سؤال طرح شده است. جهات مختلف در مواد مختلف همیشه در دسرساز بوده اند. جهات مذکور در مواد ۶۴، ۸۹، ۳۳۵ و ۳۸۲ و ۴۳۴ و ۴۶۴ و ۴۷۴ و ۴۷۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ مهم ترین جهات رسیدگی به پرونده در مراحل مختلف دادرسی کیفری هستند که از خود آنها یا مواد مرتبط به آنها معمولاً یک سؤال را دارید. به آن ها خوب توجه کنید.» **آنهايي که به متن این مواد توجه کردند، الان برنده اند.**

۱۰۴. در کدام یک از موارد زیر، محاکمات دادگاه غیرعلنی خواهد بود؟

- ۱) در جرایم قابل گذشت و در صورت درخواست شاکی
 - ۲) در جرایم غیرقابل گذشت و در صورت درخواست شاکی
 - ۳) در جرایم غیرقابل گذشت و در صورت درخواست طرفین
 - ۴) در جرایم قابل گذشت و در صورت درخواست متهم
۱۰۴. گزینه ۱ پاسخ است.

قسمت اول : نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال بر گرفته از متن ماده ۳۵۲ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که می گوید: « محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. »

نکته ۲: لذا گزینه ۱ « در جرایم قابل گذشت و در صورت درخواست شاکی » پاسخ این سوال است

قسمت دوم: تطبیق مستند :

نکته ۱: اگر صرفاً فایل های مبسوط نامه های آزمون های ۶۴ مرحله ای (و نه ۴۵ یا ۳۷ یا ۳۳ مرحله ای و ...) را در یک فایل ادغام و سپس ماده مورد سوال را در آن جستجو کنید می بینید که در مجموع کل آزمون های ۶۴ مرحله ای داداستان برای آزمون وکالت ۱۳۹۷، ۲۸ بار به ماده ۳۵۲ اشاره و استناد شده است. یعنی در هر موردی که ما به بحث علنی بودن محاکمه یا غیرعلنی بودن تحقیقات رسیدیم بر مطالعه و مرور این ماده تاکید کردیم. دقت کنید. ۲۸ بار.

نکته ۲: به جهت تعداد زیاد مصادیق امکان تکرار همه آنها وجود ندارد و ما بیشتر به ۵ آزمون جامع آخر که بر اهمیت آنها تاکید داشتیم، تمرکز می کنیم تا ببینید چند درصد سوالات آزمون ۱۳۹۷ از موضوعات ۱۰۰ سوال آخر داداستان طرح شده است.

نکته ۲: موضوع سوال ۱۰۷ آزمون ۲۷ یعنی آزمون جامع چهارم از ۶۴ مرحله ای مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۵ را ببینید. اگر مبسوط نامه این سوال را خوانده باشید باید با خواندن نکته اول قسمت دوم مبسوط نامه این سوال داداستان به سوال ۱۰۴ آزمون وکالت ۱۳۹۷ که از متن ماده ۳۵۲ ق.آ.د.ک. ۹۲ و با خواندن نکته پنجم قسمت دوم مبسوط نامه همین سوال نیز به سوال ۱۱۴ آزمون وکالت ۱۳۹۷ که از متن ماده ۴۰۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ طرح شده بود، پاسخ درست داده باشید.

نکته ۳: حال به موضوع سوال ۱۰۷ آزمون جامع چهارم مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۵ دقت کنید. « ۱۰۷- «موضوع اصلی سؤال : ممنوع یا الزامی بودن ضبط صوتی و تصویری جریان دادرسی در دادگاه های کیفری! مسئله این است!!!» در قسمت اول مبسوط نامه این سوال با عنوان « تحلیل سریع گزینه ها» خواندید که

الف) در گزینه ۱ ضبط صوتی جریان محاکمه مطابق متن ماده ۵۸۱ و ۵۸۳ و ۶۴۸ ناظر بر تبصره ۱ ماده ۳۵۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ در دادگاه های با وحدت قاضی ممنوع است مگر به تشخیص رئیس دادگاه.

ب) در گزینه ۲

ج) در گزینه ۲

د) گزینه ۴ درست است زیرا طبق تبصره ماده ۲۹۷ مقررات کیفری یک از جمله ماده ۴۰۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ در مورد ضبط صوتی الزامی جریان دادرسی در دادگاه انقلاب با تعدد قاضی هم لازم الرعایه می باشد. این تکلیف در دادگاه نظامی ۱ و کیفری ۱ ویژه نوجوانان هم وجود دارد.

نکته ۴: در قسمت دوم مبسوط نامه همین سوال داداستانی با عنوان « نکته ای درباره مهارت تست زنی در این پرسش» دانستید که طبق تبصره ماده ۲۹۷ ناظر بر ماده ۴۰۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ ضبط صوتی جریان محاکمه در دادگاه انقلاب با تعدد قاضی الزامی است و در دادگاه انقلاب با وحدت قاضی اصولاً ممنوع است.»

نکته ۵: در نکته ۱ قسمت سوم مبسوط نامه همین سوال داداستانی نیز با عنوان « نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش» دیدید: « مقنن در ماده ۳۵۲ ق.آ.د.ک. ۹۲ می گوید: « محاکمات دادگاه علنی است» این امر از عمومات آیین دادرسی کیفری و مشترک بین تمام دادگاه های کیفری و تجدیدنظر و دادگاه های بخش و ویژه روحانیت است.»

۱۰۵. در جرایم مذکور در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، احاله پرونده در کدام یک از موارد زیر صورت می گیرد؟

(۱) احاله ندادن پرونده به حوزه قضایی دیگر، موجب عسر و حرج شاکي و یا مدعی خصوصی شود.

(۲) شاکي یا بیشتر شاکیان، در حوزه قضائی دادگاه دیگر اقامت داشته باشند.

(۳) شاهد با بیشتر شهود، در حوزه قضائی دادگاه دیگر اقامت داشته باشند.

(۴) رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی و رعایت مصالح نیروهای مسلح پرونده را به حوزه قضایی دیگر احاله کند.

۱۰۵. گزینه ۴ پاسخ است.

قسمت اول : نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از تبصره ماده ۴۲۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ طرح شده است که می گوید: «در جرائم در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح، رئیس این سازمان

می تواند به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی و رعایت مصالح نیروهای مسلح، پرونده را به حوزه قضائی دیگر احاله کند.»

نکته ۲: لذا گزینه ۴ «رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی و رعایت مصالح نیروهای مسلح، پرونده را به

حوزه قضائی دیگر احاله کند» پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند :

نکته ۱: اگر صرفاً فایلهای مبسوط نامه های آزمون های ۶۴ مرحله ای (و نه ۴۵ یا ۳۷ یا ۳۳ مرحله ای و ...) را در یک فایل ادغام و سپس ماده مورد سوال را در آن جستجو کنید، می بینید که در مجموع کل آزمون های ۶۴ مرحله ای داداستان برای آزمون وکالت ۱۳۹۷، ۳۳ بار به ماده ۴۲۰ اشاره و استناد شده است. دقت کنید. ۳۳ بار. یعنی در هر موردی که ما به صلاحیت محلی یا صلاحیت اضافی رسیدیم بر مطالعه و مرور این ماده به عنوان احاله کیفری و مصدافی از قواعد خاص صلاحیت محلی اشاره و تاکید کردیم که حتماً از نمودار صلاحیت کیفری و فایلهای ۳۳۳ نکته ای صلاحیت، طرح سوال خواهد شد.

نکته ۲: به جهت تعداد زیاد مصادیق امکان تکرار همه آنها وجود ندارد و ما بیشتر به ۵ آزمون جامع آخر که بر اهمیت آنها تاکید داشتیم،

تمرکز می کنیم تا ببینید چند درصد سوالات آزمون ۱۳۹۷ از موضوعات ۱۰۰ سوال آخر داداستان طرح شده است.

نکته ۳: لذا اگر مواد مذکور در گزینه الف سوال ۱۰۱ آزمون نهایی جامع چهارم مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۵ را می خواندید و قسمت اول و دوم مبسوط نامه این سوال را می خواندید به این سوال به راحتی و بین ۱۰ تا ۲۰ ثانیه باید جواب می دادید.

نکته ۴: همچنین در متن نکته شماره ۲۵۲ و ۲۶۰ و ۲۶۱ فایلهای ۳۳۳ نکته ای صلاحیت، چهار بار به ماده ۴۲۰ و تبصره آن اشاره و استناد کرده ایم به عنوان مصدق احاله خاص کیفری در سازمان قضایی و مقاله «قرار احاله ابدایی نادرست» در شرح مواد ۴۱۸ تا ۴۲۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ را پیوست مبسوط نامه های خود دریافت و مطالعه کرده اید.

نکته ۵: حال به قسمت اول و دوم درس نامه یا مبسوط نامه سوال ۱۰۱ آزمون ۲۷ داداستان مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۵ دقت کنید: «۱۰۱.....»

«موضوع اصلی پرسش: تفاوت وظایف و اختیارات رئیس سازمان قضایی استان (۵۷۹) و رئیس سازمان قضایی کل کشور (۵۷۳)»

قسمت اول: تحلیل سریع گزینه ها

الف) گزینه ۱ طبق متن تبصره ماده ۴۱۸ و تبصره ماده ۴۲۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ از اختیارات رئیس سازمان قضایی کل کشور است.

ب)

ج)

د)

نکته ۵: در قسمت دوم مبسوط نامه این سوال با عنوان «نکته ای درباره مهارت تست زنی در این پرسش» دیدید که «(۱) رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح، اگر بدون قید «استان» بیاید منظور، رئیس سازمان قضایی کل کشور است که در ماده ۵۷۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ تعریف شده است و اگر با

قید استان بدین صورت بیاید: «رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح استان» یا «رئیس سازمان قضایی استان» منظور ماده ۵۷۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ است....»

نکته ۶: همچنین در نکته ۱۳ سوال ۱۱۴ آزمون نهایی جامع سوم مورخ ۱۳۹۷/۸/۱۸ دیدید که گفتیم: «در تبصره ماده ۴۱۸ و تبصره ماده ۴۲۰ و

ماده ۱۵۳ در صورت تفویض رئیس قوه قضائیه، نظارت استصوابی رئیس سازمان قضایی کل کشور است.»

نکته ۷: نهایت اینکه در نکته ۱۶ قسمت سوم مبسوط نامه سوال ۱۰۱ اولین آزمون نهایی جامع بعد از بیان انواع نظارت سه گانه در

ق.آ.د.ک. ۹۲ متذکر شدیم که: «اما نظارت استصوابی را که خواندید مواد مربوط به لزوم اخذ موافقت از بزه دیده، متهم، دادستان، بازپرس، دادگاه، رئیس

شعبه، رئیس حوزه قضایی، رئیس کل، رئیس سازمان قضایی استان، رئیس سازمان قضایی کل کشور، دادستان کل، دیوان عالی، رئیس قوه قضائیه و موارد

متفرقه را به تفکیک از هم جدا کنید و زیر شبکه بسازید. این طوری راحت تر آنها را مسلط می شوید. از این ۴ نکته حداقل یک و حداکثر تا سه سؤال در

هر گونه استفاده از سوالات مفهومی - مهارتی برای غیر ثبت نام کنندگان اعم از کپی برداری یا همخوانی شرعاً جایز نیست و شرکت کنندگان شرعاً مجاز نیستند سوالات را به افراد یا

موسسات دیگر واگذار کنند و یا حتی امانت دهند. آدرس: مشهد - بلوار فردوسی - حاشیه میدان استقلال - پلاک ۳۷۵ - تلفن: ۰۵۱-۳۶۰۵۰۰۷۲ (خط ۶)

آزمون وکالت ۱۳۹۷ خواهید داشت. ببینید و تعریف کنید. امروز در آزمون وکالت ۱۳۹۷ دیدید که سوال ۱۰۵ مربوط به نظارت استصوابی و سوال ۱۱۹ مربوط به نظارت استکمالی بود. حال اگر خواستید برگردید ۴ نکته قبل از نکته فوق را دوباره بخوانید تا ایماقتان کامل شود.

۱۰۶. به اتهامات اشخاصی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم می شوند و مطابق قانون، دادگاههای ایران صلاحیت رسیدگی به آنها را دارند. در کدام دادگاه رسیدگی می شود؟

(۱) در دادگاه تهران، اعم از اینکه از اتباع ایران با کشور خارجی باشند.

(۲) در دادگاه محل دستگیری، در صورتی که از اتباع خارجی باشند.

(۳) در دادگاه محل دستگیری، در صورتی که از اتباع ایران باشند.

(۴) در دادگاه محل دستگیری، اعم از اینکه از اتباع ایران با کشور خارجی باشند.

۱۰۶. گزینه ۳ پاسخ است.

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از متن ماده ۳۱۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ طرح شده است که می گوید: «به اتهامات اشخاصی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم می شوند و مطابق قانون، دادگاههای ایران صلاحیت رسیدگی به آنها را دارند، چنانچه از اتباع ایران باشند، حسب مورد در دادگاه محل دستگیری و چنانچه از اتباع بیگانه باشند حسب مورد، در دادگاه تهران رسیدگی می شود.»

نکته ۲: لذا گزینه ۳ «در دادگاه محل دستگیری، در صورتی که از اتباع ایران باشند» پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند:

نکته ۱: اگر صرفاً فایل های مبسوط نامه های آزمون های ۶۴ مرحله ای (و نه ۴۵ یا ۳۷ یا ۳۳ مرحله ای و ...) را در یک فایل ادغام و سپس ماده مورد سوال را در آن جستجو کنید، می بینید که در مجموع کل آزمون های ۶۴ مرحله ای داداستان برای آزمون وکالت ۱۳۹۷، ۲۲ بار به ماده ۳۱۶ اشاره و استناد شده است. دقت کنید. ۲۲ بار.

نکته ۲: یعنی در هر موردی که ما به صلاحیت کیفری و صلاحیت درون مرزی یا اصل صلاحیت سرزمینی و استثنائات مثبت آن رسیدیم بر مطالعه و مرور این ماده به عنوان قاعده تعیین صلاحیت محلی در جرایم غیرنظامی خارج کشور اشاره و تاکید کردیم که حتماً از نمودار صلاحیت کیفری و فایل ۳۳۳ نکته ای صلاحیت، طرح سوال خواهد شد.

نکته ۳: به جهت تعداد زیاد مصادیق امکان تکرار همه آنها وجود ندارد و ما بیشتر به ۵ آزمون جامع آخر که بر اهمیت آنها تاکید داشتیم، تمرکز می کنیم تا ببینید چند درصد سوالات آزمون ۱۳۹۷ از موضوعات ۱۰۰ سوال آخر داداستان طرح شده است.

نکته ۳: لذا اگر مواد مذکور در گزینه الف سوال ۱۰۱ آزمون نهایی جامع چهارم مورخ ۱۳۹۶/۸/۲۵ را می خواندید و قسمت اول و دوم مبسوط نامه این سوال را می خواندید به این سوال به راحتی و بین ۱۰ تا ۲۰ ثانیه باید جواب می دادید.

نکته ۴: همچنین در متن نکته شماره ۲۸ فایل ۳۳۳ نکته ای آمده است: «اما اگر جرم ارتكابی خارج ایران، غیرنظامی باشد، طبق ماده ۳۱۶ دو حالت متصور است. اگر مرتکب آن غیرایرانی باشد، دادسرا و دادگاههای کیفری تهران حسب مورد و اگر مرتکب ایرانی باشد، دادسرا و دادگاههای کیفری محل دستگیری متهم، حسب مورد به آن رسیدگی می کنند.»

نکته ۵: حال به قسمت دوم درس نامه یا مبسوط نامه سوال ۱۰۲ آزمون جامع چهارم داداستان مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۵ دقت کنید. «(۱) (۲) (۳) در گزینه ۴، ماده ۵۸۵ ممد ماده ۳۰۸ و در گزینه ۱ ماده ۵۹۸ ممد ذیل ماده ۳۱۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ در محدوده سازمان قضایی است. افتاد!!!! اگر مطلب جا نیفتاده قسمت چهارم مبسوطنامه این سؤال را بخوانید.

نکته ۶: در نکته ۴ قسمت چهارم مبسوط نامه همین سوال با عنوان «مرور برخی نکات مهم سابق آزمون های قبلی موسسه داداستان در خصوص موضوع این سؤال» گفتیم: «اگر به ماده ۵۹۸ نگاه کنید می فهمید «کلیه اتهامات» نظامیان در خارج از کشور ربطی به سازمان قضایی ندارد بلکه آن اتهاماتی که «در صلاحیت سازمان قضایی است» در دادسرا و دادگاه نظامی تهران رسیدگی می شود. لذا جرائم غیرنظامی نظامیان در خارج کشور تابع ماده ۳۱۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.» و در

نکته ۵ همین قسمت افزودیم «در خصوص ماده ۵۹۸ و ارتکاب جرم خارج از ایران باید به سه نکته دیگر هم توجه کنید. (۱) اگر نظامی مرتکب جرم سرتیپ و بالاتر باشد، طبق ماده ۳۰۷ این قانون و ماده ۳ قانون تعیین حدود صلاحیت دادسراها و دادگاههای نظامی، که نسخ نشده است، دادسرا و دادگاههای کیفری تهران حسب مورد صالح هستند. (۲) اگر مرتکب، یک اسیر نظامی ایرانی و جرم در مدت اسارتش باشد، کلیه اتهاماتش در سازمان قضایی رسیدگی می شود. (۳) در این مورد اخیر و نیز اگر اسیر ایرانی، نظامی نباشد یا نظامی، سرتیپ نباشد، طبق ماده ۳۱۶ باید رفتار شود یعنی به جرم او در محل

دستگیری رسیدگی شود. اما اگر آن عضو نیروهای مسلح کشور ما، ایرانی نباشد، طبق ماده ۳۱۶ به کلیه اتهاماتش باید حسب مورد در دادگاه های کیفری تهران رسیدگی شود.»

۱۰۷. اثر پذیرش اعاده دادرسی پس از شروع به محاکمه جدید، بر آثار و تبعات حکم مورد اعاده دادرسی چیست؟

- ۱) در صورتی که دلایل اقامه شده قوی باشد. آثار و تبعات حکم اولی متوقف می شود.
 - ۲) به صرف تجویز اعاده دادرسی آثار و تبعات حکم اولی متوقف می شود.
 - ۳) مطلقاً تغییری در آثار و تبعات حکم اولی صورت نمی پذیرد.
 - ۴) در صورتی که دلایل اقامه شده قوی باشد. با صدور قرار آثار و تبعات حکم اولی متوقف می شود.
۱۰۷. گزینه ۴ پاسخ است.

قسمت اول : نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از متن ماده ۴۷۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ اخذ شده است: «پس از شروع به محاکمه جدید، هرگاه ادله ای که اقامه شده قوی باشد، قرار توقف آثار و تبعات حکم اولی، فوری صادر می شود و دادرسی مطابق مواد این قانون انجام می گیرد.»

نکته ۲: لذا گزینه ۴ «در صورتی که دلایل اقامه شده قوی باشد، یاصدورقرار، آثار و تبعات حکم اولی متوقف می شود» پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند :

نکته ۱: اگر واژه اعاده دادرسی را در فایل کلی مبسوط نامه های آزمون های مفهومی مهارتی داداستان جستجو کنید با عدد خیره کننده ۱۲۲ مواجه می شوید و در همه سوالاتی که از این مبحث طرح شده اند به اهمیت مواد ۴۷۴ تا ۴۸۲ از جمله ماده ۴۷۹ تاکید شده است.

نکته ۲: همین طور اگر نکته ۱ سوال قسمت سوم مبسوط نامه سوال ۱۱۴ آزمون ۲۱ از ۶۴ مرحله ای مورخ ۱۳۹۷/۶/۹ را دیده باشید که گفتیم: «نکته ۱: به طور میانگین حداقل یک و حداکثر سه سؤال از مقررات مربوط به دیوان عالی کشور در قسمت های مختلف دادرسی کیفری در آزمون وکالت طرح می شود. عمده مقررات دیوان عالی کشور در مواد ۴۲۶ تا ۴۸۳ در بخش چهارم ق.آ.د.ک. ۹۲ آمده است» دیدید که سوالات ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ از این مقررات بود بعلاوه سوال ۱۱۳ که در این مبحث آمده لکن ربطی به دیوان عالی ندارد.

نکته ۳: و اگر بطور خاص موضوع سوال ۱۰۷ آزمون سیزدهم از ۶۴ مرحله ای مورخ ۱۳۹۷/۳/۴ را ببینید: «موضوع اصلی پرسش: موارد توقف اجرای احکام کیفری» و به گزینه ۳ این سوال در قسمت اول مبسوط نامه آن دقت کنید، متوجه می شوید که متن همین ماده ۴۷۹ مورد استفاده ما در طرح این سوال بوده است. «۱۰۷ قسمت اول: تحلیل سریع گزینه ها

الف) گزینه ۱ ب) گزینه ۲ ج) گزینه ۳ طبق ماده ۴۷۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ از موارد تعویق اجرای مجازات است هرچند به صرف تجویز اعاده دادرسی هم طبق ماده ۴۷۸ اجرای حکم معلق می شود، اینجا آثار و تبعات آن هم متوقف می شود. د) گزینه ۴

نکته ۴: همین ماده ۴۷۹ که اینجا مورد سوال آزمون وکالت ۱۳۹۷ بود در نمودار طرق فوق العاده اعتراض ارایه شده در دوره امهات هم متن این ماده آمده است و بارها در آزمون های مختلف به اهمیت مواد ۴۷۴ تا ۴۸۲ ق.آ.د.ک. ۹۲ در مورد اعاده دادرسی و طرح سوال از آنها در آزمون تاکید کردیم. از جمله در مبسوط نامه های سوال ۱۰۹ آزمون ۱۷ از ۶۴ مرحله ای مورخ ۱۳۹۷/۵/۱۷ و سوال ۱۱۷ آزمون ۲۱ از ۶۴ مرحله ای مورخ ۱۳۹۷/۶/۹ و آزمون های قبلی آن.

۱۰۸. آرای کدام یک از دادگاه های زیر در تمامی موارد قابل تجدیدنظرخواهی است؟

۱) انقلاب به جز جرایم مواد مخدر

۲) اطفال و نوجوانان

۳) اطفال و نوجوانان، صرفاً در خصوص افراد نابالغ

۴) کیفری دو

۱۰۸. گزینه ۲ پاسخ است.

قسمت اول : نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از متن ماده ۴۴۵ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که می گوید: «آراء دادگاه اطفال و نوجوانان در تمامی موارد قابل تجدیدنظرخواهی است.» تمامی موارد یعنی چه مرتکب طفل باشد چه نوجوان. لذا گزینه ۲ دادگاه «اطفال و نوجوانان» پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند :

نکته ۱: در مجموع کل آزمون های ۶۴ مرحله ای داداستان برای آزمون وکالت ۱۳۹۷، ۱۴ بار به ماده ۴۴۵ اشاره و استناد شده است. دقت کنید. ۱۴ بار. یعنی در هر موردی که ما به بحث صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدیم تاکید کردیم که از بحث صلاحیت و تشکیلات سوال می آید.

نکته ۲: اگر به نمودار طرق عادی اعتراض به آرای کیفری که در دوره امهات ارایه شد نگاه کنید نیز مفاد ماده ۴۴۳ را می بینید.

نکته ۳: به جهت رعایت اختصار از ارجاع به موارد متعدد استناد به ماده ۴۴۵ صرف نظر و صرفاً به آزمون های جامع اکتفا می کنیم. آنجا که نکته ۱۱ قسمت سوم مبسوط نامه سوال ۱۱۸ آزمون نهایی جامع چهارم مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۵ را نمونه می آوریم که گفته بودیم: «نکته ۱۱: اگر یک جرم عمومی یا انقلاب مشمول ماده ۳۰۲ باشد ولی مرتکب آن طفل باشد یا اگر مرتکب آن جرم عمومی یا انقلاب نوجوان است، جرم مشمول ماده ۳۰۲ نباشد، دادگاه بدوی آن دادگاه اطفال و نوجوانان است که به طور کلی طبق ماده ۴۴۵ ق.آ.د.ک. ۹۲ کلیه آرای آن اولاً غیر قطعی است. ثانیاً فقط قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر است.» آیا سوال ۱۰۸ آزمون وکالت ۱۳۹۷ چیزی غیر از این نکته بود؟

۱۰۹. اگر طرفین دعوا با توافق کتبی، حق تجدیدنظر یا فرجام خواهی خود را اسقاط کنند، اثر حقوقی آن چیست؟

(۱) تجدیدنظر یا فرجام خواهی آنان، جز در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادر کننده رای مسموع نیست.

(۲) تجدیدنظر یا فرجام خواهی آنان مسموع نیست.

(۳) درخواست تجدیدنظر آنان مسموع نیست.

(۴) به جز در خصوص صلاحیت قاضی صادر کننده رای تجدیدنظر یا فرجام خواهی آنان مسموع نیست.

۱۰۹. گزینه ۱ پاسخ است.

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از متن ماده ۴۳۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ است: «در صورتی که طرفین دعوی با توافق کتبی حق تجدیدنظر یا فرجام خواهی خود را ساقط کنند، تجدیدنظر یا فرجام خواهی آنان جز در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادر کننده رأی، مسموع نیست.»

نکته ۲: لذا گزینه ۱ «تجدیدنظر یا فرجام خواهی آنان، جز در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادر کننده رای مسموع نیست.» پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند:

نکته ۱: در مجموع کل آزمون های ۶۴ مرحله ای داداستان برای آزمون وکالت ۱۳۹۷، ۱۶ بار به ماده ۴۳۰ اشاره و استناد شده است. دقت کنید. ۱۶

بار. یعنی در هر موردی که ما به بحث تشریفات اعتراض به آرای بدوی رسیدیم تاکید کردیم که از بحث اعتراض به آرای بدوی سوال می آید.

نکته ۲: اگر به نمودار طرق عادی اعتراض به آرای کیفری که در دوره امهات ارایه شد نگاه کنید نیز مفاد ماده ۴۳۰ را می بینید.

نکته ۳: به جهت رعایت اختصار از ارجاع به موارد متعدد استناد به ماده ۴۳۰ صرف نظر و صرفاً به متن سوال ۱۱۲ آزمون مرحله ۱۴ از ۶۴ مرحله ای مورخ

۱۳۹۷/۲/۲۸ را عیناً می آوریم: «۱۲. چنانچه طرفین دعوی به طور کتبی حق تجدیدنظرخواهی خویش را ساقط نمایند. (۱) جز در خصوص

صلاحیت دادگاه یا قاضی صادر کننده رأی بدوی، تجدیدنظرخواهی طرفین مسموع نیست. (۲) ... (۳) ... (۴) ...»

۱۱۰. به استنساخ دادنامه توسط ذی نفع، در کدام دسته از جرایم تصریح شده است؟

(۱) صرفاً جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی

(۲) در مطلق جرایم منافی عفت و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی

(۳) جرایم منافی عفت مشروط به حرمت اطلاع شاکی از مطالب آن و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی

(۴) فقط جرایم منافی عفت

۱۱۰. گزینه ۳ پاسخ است.

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از تبصره ۲ ماده ۳۸۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که می گوید: «در جرائم منافی عفت، چنانچه دادنامه حاوی مطالبی باشد که اطلاع شاکی از آن حرام

است و همچنین در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، ابلاغ دادنامه حضوری بوده و ذی نفع می تواند از مفاد کامل رأی اطلاع یافته و از آن استنساخ

نماید.»

نکته ۲: لذا گزینه ۳ «جرایم منافی عفت مشروط به حرمت اطلاع شاکی از مطالب آن و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی» پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند:

نکته ۱: در مجموع کل ۲۸ آزمون از آزمون های ۶۴ مرحله ای داداستان برای آزمون وکالت ۱۳۹۷، ۴ بار به ماده ۳۸۰ اشاره و استناد شده است..

یعنی در هر موردی که ما به مبحث نحوه ابلاغ قرارهای دادسرا و آرای دادگاه های کیفری وارد شدیم به این ماده اشاره و چندین نوبت در مبسوط نامه های

خود به شرح این ماده پرداختیم. از جمله در مبسوط نامه سوال ۱۱۲ آزمون ۹ از ۶۴ مرحله ای - ۱۷ / ۱ / ۱۳۹۷ و نیز مبسوط نامه سوال ۱۱۹ آزمون ۱۲ از ۶۴ مرحله ای مورخ ۱۳۹۷ / ۲ / ۲۸.

نکته ۲: برای مثال به قسمت دوم مبسوط نامه سوال ۱۱۲ آزمون ۹ به شرح فوق دقت کنید: «قسمت دوم: نکته‌ای درباره مهارت تست‌زنی در این پرسش: (۱) در ماده ۲۷۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ قرار منع و موقوفی بازپرس پس از تایید «به طرفین» ابلاغ می‌شود. (۲) در ماده ۳۸۰ آرای دادگاه های جزایی بدوی و نیز تجدیدنظر در امور کیفری (ماده ۴۵۴ ناظر بر ماده ۳۸۰) به «طرفین یا وکیل آنان و دادستان» مربوط ابلاغ می‌شود. (۳) اما آرای دادگاه اطفال و نوجوانان و کیفری یک ویژه نوجوانان طبق ماده ۵۶۸ ناظر بر ۳۸۰ به دادستان و طبق طبق ماده ۴۱۷ و ۳۱۵ ناظر بر آن، «علاوه بر شاکی، متهم و محکوم علیه، به ولی یا سرپرست قانونی متهم و محکوم علیه و در صورت داشتن وکیل به وکیل ایشان نیز» ابلاغ می‌شود. «هرکس به روش شبکه ای فقط همین یک نکته را خوانده باشد، سه بار باید ماده ۳۸۰ و تبصره های آن را مرور نموده باشد. نتیجه اش اینکه پاسخ دادن به سوال آزمون وکالت برای چنان داوطلب پرتلاشی از آب خوردن هم ساده تر و سریع تر بوده است.

۱۱۱. در کدام دسته از جرایم، به امکان ترافیعی شدن تحقیقات مقدماتی تصریح شده است؟

(۱) جرایم قابل گذشت، در صورت درخواست کتبی طرفین

(۲) جرایم تعزیری غیرمنصوص شرعی

(۳) جرایم قابل گذشت

(۴) جرایم غیرقابل گذشت، در صورت درخواست کتبی طرفین

۱۱۱. گزینه ۳ پاسخ است.

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از متن ماده ۱۹۸ ق.آ.د.ک. ۹۲ است. ماده ۳۰ می‌گوید: «تحقیق از شاکی و متهم غیرعلنی و انفرادی است مگر در جرائم قابل گذشت که به آن‌ها در دادسرا حتی الامکان به صورت ترافیعی رسیدگی می‌شود و بازپرس مکلف است در صورت امکان، سعی در ایجاد صلح و سازش و یا ارجاع امر به میانجیگری نماید.»

نکته ۲: این ماده نیاز به درخواست طرفین ندارد. لذا گزینه ۳ «جرائم قابل گذشت» پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند:

نکته ۱: در مجموع کل ۲۸ آزمون از آزمون های ۶۴ مرحله ای داداستان برای آزمون وکالت ۱۳۹۷، ۱۲ بار به ماده ۱۹۸ اشاره و استناد شده است. در هر مورد که شبکه «غیرعلنی و یا غیرترافیعی بودن تحقیقات» اشاره شده است به این ماده استناد شده است. همچنین گزینه سوال ۱۱۹ آزمون آزمون نهایی جامع چهارم مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۵ از ۶۴ مرحله ای عیناً متن همین ماده ۱۹۸ بود: «بازپرس جز در موارد مواجهه حضوری، از متهمان به نحو انفرادی تحقیق می‌کند.»

نکته ۲: در قسمت دوم مبسوط نامه همین پرسش گفتیم که: «نکته ۱: تفهیم اتهام مهم ترین اقدام بازپرس است که قبل و بعد از آن اقدامات مقدماتی و تکمیلی زیادی باید انجام شود و در واقع حد وسط مرحله تحقیقات مقدماتی است و مقررات مربوط به تفهیم اتهام در مواد ۱۹۵ تا ۲۰۲ ق.آ.د.ک. ۹۲ آمده است و این سؤال مربوط به همین شبکه است.» سوال ۱۱۱ آزمون وکالت ۱۳۹۷ هم از همین شبکه بود.

۱۱۲. اگر دادگاه در مقام رسیدگی به اعتراض شاکی نسبت به قرار منع تعقیب، تحقیقات دادسرا را ناقص تشخیص دهد. تکلیف چیست؟

(۱) قرار را نقض می‌کند و تکمیل تحقیقات را از دادسرا می‌خواهد.

(۲) بدون نقض قرار، می‌تواند تکمیل تحقیقات را از دادسرا بخواهد یا خود، اقدام به تکمیل تحقیقات کند.

(۳) قرار را نقض می‌کند و حسب مورد، خود تحقیقات را تکمیل می‌کند یا تکمیل تحقیقات را از دادسرا می‌خواهد.

(۴) قرار را نقض می‌کند و خود تحقیقات را تکمیل می‌کند.

۱۱۲. گزینه ۲ پاسخ است.

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: در این سوال، در سه گزینه گفته شده که دادگاه قرار را نقض می‌کند و یک گزینه گفته بدون نقض قرار و تنها موردی که بخاطر نقض تحقیقات رای نقض می‌شود در دیوانعالی کشور است. کدام گزینه به شما چشمک می‌زند؟

نکته ۲: سوال از متن ماده ۲۷۴ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که می‌گوید: «در مواردی که به نظر دادگاه، تحقیقات دادسرا کامل نباشد، بدون نقض قرار می‌تواند تکمیل تحقیقات را از دادسرا بخواهد یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات کند. موارد نقض تحقیق باید به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در تصمیم دادگاه قید شود. در صورت نقض قرار اناطه توسط دادگاه، بازپرس تحقیقات خود را ادامه می‌دهد.»

نکته ۳: لذا گزینه ۲ « بدون نقض قراره می تواند تکمیل تحقیقات را از دادسرا بخواهد یا خود، اقدام به تکمیل تحقیقات کند » پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند :

نکته ۱: در مجموع کل ۲۸ آزمون از آزمون های ۶۴ مرحله ای دادستان برای آزمون وکالت ۱۳۹۷ ، ۳۰ بار به ماده ۲۷۴ اشاره و استناد شده است.

دقت کنید ۳۰ بار. همچنین حدود ۳۰ بار « عبارت رفع نقص تحقیقات » مطرح شده است و از شبکه «نقص تحقیقات» بارها طرح سوال شده است. از جمله سوال ۱۱۹ آزمون نهایی جامع سوم از ۶۴ مرحله ای مورخ ۱۳۹۷ / ۸ / ۱۸ که از شبکه رفع نقص تحقیقات است.

نکته ۲: نکات ذیل از مبسوط نامه این سوال است. « نکته مقدماتی: اعلام رفع نقص تحقیقات در قانون ۵ ماده دارد که سه مورد آن ۳۰۲+ و دو مورد آن ۳۰۲- است. در ۳۰۲+ رفع نقص با خود انجام دهنده تحقیقات است فقط و بس. اما در ۳۰۲- علاوه بر مرجع انجام دهنده تحقیقات خود مرجع اعلام نقص نیز می تواند تکمیل تحقیقات کند. توضیح در نکته ۶ و ۷ و مواد ۲۶۶، ۳۴۱، ۳۸۹، ۴۵۰ و ۴۶۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

نکته ۷: اعلام رفع نقص تحقیقات در قانون ۵ ماده دارد که سه مورد آن ۳۰۲+ و دو مورد آن ۳۰۲- است.

نکته ۸: صورت اعلام رفع نقص تحقیقات (۱) بازپرس از سوی دادستان، یا (۲) دادسرا از سوی دادگاه کیفری یک (۳) دادگاه بدوی از سوی دیوان عالی کشور، مرجع اعلام رفع نقص یعنی دادستان، کیفری یک و دیوان عالی خود نمی تواند رفع نقص کند. یعنی در ۳۰۲+ رفع نقص با خود انجام دهنده تحقیقات است فقط و بس.

نکته ۹: اما در دو مورد دیگر یعنی اعلام رفع نقص تحقیقات (۱) دادسرا از سوی دادگاه کیفری دو (۳) دادگاه بدوی از سوی دادگاه تجدیدنظر، مرجع اعلام رفع نقص یعنی کیفری دو و دادگاه تجدیدنظر خود نیز می تواند رفع نقص کند. یعنی در ۳۰۲- علاوه بر مرجع انجام دهنده تحقیقات خود مرجع اعلام نقص نیز می تواند تکمیل تحقیقات کند.

نکته ۱۰: همچنین طبق ماده ۲۷۵ ق.آ.د.ک. ۹۲ دادگاه کیفری صالح در مقام حل اختلاف یا رسیدگی به اعتراض به قرارهای غیرقطعی دادسرا می تواند اعلام نقص تحقیقات کند. حال « هرگاه پرونده برای تکمیل تحقیقات به دادسرا اعاده شود، دادسرای مربوط با انجام تحقیقات موردنظر دادگاه، بدون صدور قرار، مجدداً پرونده را به دادگاه ارسال می کند و اگر در تحقیقات موردنظر دادگاه ابهامی بیاید، مراتب را برای رفع ابهام از دادگاه استعلام می کند.»

نکته ۳: همچنین سوال ۱۱۹ آزمون جامع پنجم که هفته قبل برگزار شد از متن ماده ۲۷۴ ق.آ.د.ک. ۹۲ بود و طبیعی است که وقتی ماده ای خوانده می شود، کل ماده باید خوانده شود نه جمله اول آن.

۱۱۳- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم غیرقابل گذشت پس از صدور حکم قطعی، چگونه موجب تخفیف مجازات یا تبدیل آن به مجازات مناسب تر به حال محکوم علیه توسط دادگاه صادر کننده حکم قطعی می شود؟

(۱) الزاما، حسب درخواست محکوم علیه .

(۲) عندالاقضاء حسب درخواست دادستان

(۳) الزاما حسب درخواست دادستان

(۴) عندالاقضاء حسب درخواست محکوم علیه

۱۱۳. گزینه ۴ پاسخ است.

قسمت اول : نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از متن ماده ۴۸۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که مقرر می دارد: « هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم غیرقابل گذشت، پس از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرفنظر کند، محکوم علیه می تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، درخواست کند در میزان مجازات او تجدیدنظر شود. در این صورت، دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده و با حضور دادستان یا نماینده او با رعایت مقررات ماده (۳۰۰) این قانون، رسیدگی می کند و مجازات رادر صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف می دهد یا به مجازاتی که مناسب تر به حال محکوم علیه باشد، تبدیل می کند. این رأی قطعی است.»

نکته ۲: لذا گزینه ۴ « عندالاقضاء حسب درخواست محکوم علیه » پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند :

نکته ۱: در مجموع کل ۲۸ آزمون از آزمون های ۶۴ مرحله ای دادستان برای آزمون وکالت ۱۳۹۷ ، ۴۵ بار به ماده ۴۸۳ اشاره و استناد شده است.

دقت کنید ۴۵ بار. یعنی در هر موردی که ما در دو مبحث تعیین و تخفیف مجازات ذیل ماد ۴۴۲ و ۴۸۳ و نیز موارد الزامی و اختیاری حضور دادستان در دادگاه ذیل ماده ۳۰۰ به این ماده بارها اشاره و چندین نوبت از آن طرح سوال کردیم از جمله سوال ۱۱۶ آزمون ۲۵ (جامع ۲) از ۶۴ مرحله ای - ۲۸ / ۱۳۹۶/۷ که در نکات قسمت چهارم مبسوط نامه آن به شرح نکات این ماده ۴۸۳ پرداختیم.

نکته ۲: به جهت کثرت موارد استناد به این ماده، ما صرفاً از ۵ آزمون های جامع نهایی خود که عصاره هزاران نکته کاربردی آیین دادرسی کیفری که در طول سال به دانش جویان پرتلاش داداستانی تقدیم کردیم، اشاره می کنیم. از این میان راحت ترین مستند متن سوال ۱۱۴ در آزمون ۲۷ (آزمون جامع چهارم) از ۶۴ مرحله ای مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۵ است که دو هفته قبل آن را دیدید. « ۱۱۴ - کدام گزینه از شرایط الزامی تخفیف مجازات بعد از صدور حکم قطعی به واسطه گذشت شاکی وفق ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نمی باشد؟ »

نکته ۳: حال به نکته ۱ قسمت دوم مبسوط نامه همین سوال دقت کنید: « احتمال طرح سؤال از این دو تخفیف بعد از صدور حکم یعنی مواد ۴۴۲ و ۴۸۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ که در قانون آیین دادرسی کیفری آمده است، زیاد است. تفاوت شرایط این دو ماده را هم دقت کنید. به ویژه ماده ۴۴۲ که رای وحدت رویه شماره ۷۵۶ در مورد آن صادر شده است. » دیدید که احتمالش چقدر زیاد بود و سوال از ماده ۴۸۳ آمد؟ آیا به درستی انتخابتان ایمن آوردید.

نکته ۴: در نکته ۶ همین قسمت نیز متن سوال ۱۱۱ آزمون وکالت ۱۳۹۷ و پاسخ آن را بصورت خط کشی شده زیر کلمات مهم به شما داده بودیم: « با توجه به ذیل نکته ۱ و ۴، گزینه ۴ پاسخ این سؤال است زیرا در هر دو ماده ۴۴۲ و ۴۸۳ « تعزیری بودن جرم ارتكابی و یا عدم شمول ماده ۳۰۲ » شرط نیست. در ماده ۴۸۳ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ آمده است « هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم غیرقابل گذشت، پس از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف نظر کند، محکوم علیه می تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، درخواست کند در میزان مجازات او تجدیدنظر شود. در این صورت، دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده و با حضور دادستان یا نماینده او با رعایت مقررات ماده (۳۰۰) این قانون، رسیدگی می کند و مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف می دهد یا به مجازاتی که مناسبتر به حال محکوم علیه باشد، تبدیل می کند. این رأی قطعی است. »

نکته ۵: و در نکته ۸ مبسوط نامه همین سوال ۱۱۴ نیز تذکر دادیم که « نکته ۸: این ماده همانند ماده ۴۴۲ قبلاً در قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری آمده بود که الآن در ماده ۴۸۳ آمده است. به قسمت هایی که زیر آن ها خط کشیده شده است، توجه کنید... » آنها که توجه کردند باید آدک آزمون وکالت ۱۳۹۷ را زیر ۱۰ دقیقه زده باشند که زدن. مطمئن باشید.

۱۱۴. محاکمات دادگاه کیفری یک، در چه صورت، ضبط صوتی و تصویری می شود؟

(۱) در صورتی که رسیدگی دادگاه علنی باشد.

(۲) بنا به تشخیص رئیس حوزه قضائی است.

(۳) ضبط صوتی الزاماً و ضبط تصویری در صورت تشخیص دادگاه

(۴) به تشخیص دادگاه واگذار شده است.

۱۱۴. گزینه ۳ پاسخ است.

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از متن ماده ۴۰۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ است: « محاکمات دادگاه کیفری یک، ضبط صوتی و در صورت تشخیص دادگاه، ضبط تصویری نیز می شود. انتشار آن ها ممنوع و استفاده از آن ها نیز منوط به اجازه دادگاه است. »

نکته ۲: لذا گزینه ۳ « ضبط صوتی الزاماً و ضبط تصویری در صورت تشخیص دادگاه » پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند:

نکته ۱: در مجموع کل ۲۸ آزمون از آزمون های ۶۴ مرحله ای داداستان برای آزمون وکالت ۱۳۹۷، ۱۵ بار به ماده ۴۰۰ اشاره و استناد شده است. دقت کنید ۱۵ بار. یعنی در هر موردی که ما به بحث آثار علنی بودن محاکمات دادگاه های کیفری رسیدیم بر این ماده هم در کنار شبکه مواد مربوط به ماده ۳۵۲ تا ۳۵۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ در این مبحث تاکید کردیم.

نکته ۲: چنانکه در تطبیق مستند سوال ۱۰۴ نیز اشاره شد ما به صراحت در نکته ۵ قسمت سوم مبسوط نامه سوال ۱۰۷ آزمون جامع چهارم مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۵ بیان کردیم: « اما در ماده ۴۰۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ برخلاف تبصره فوق مقنن می گوید: « محاکمات دادگاه کیفری یک، ضبط صوتی و در صورت تشخیص دادگاه، ضبط تصویری نیز می شود. انتشار آن ها ممنوع و استفاده از آن ها نیز منوط به اجازه دادگاه است. » این امر مخصوص دادگاه کیفری یک و ممدشون است. » آیا همین نکته پاسخ سوال ۱۱۴ آزمون وکالت ۱۳۹۷ نیست؟

۱۱۵. ضابطان دادگستری، در کدام یک از جرائم زیر می توانند رأساً متهم را بازداشت کنند؟

(۱) در جرائم مشهود در صورتی که قرائن و امارات قوی دال بر ارتکاب جرم وجود داشته باشد.

(۲) در جرائم مشهود موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ قانون آ.د.ک.

(۳) در جرائم مشهود، مطلقاً

(۴) در جرائم غیرمشهود، در صورتی که قرائن و امارات قوی دال بر ارتکاب جرم وجود داشته باشد.

۱۱۵. گزینه ۱ پاسخ است.

قسمت اول : نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از متن ذیل ماده ۴۴ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که می گوید: «ماده ۴۴ ضابطان دادگستری در اجرای این ماده و ذیل ماده (۴۶) این قانون فقط در صورتی می توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد.»
نکته ۲: لذا گزینه ۱ « در جرایم مشهود، در صورتی که قرائن و امارات قوی دال بر ارتکاب جرم وجود داشته باشد » پاسخ این سوال است.
نکته ۳: در مورد گزینه پاسخ دقت دارید که با متن قانون کمی تفاوت دارد و در واقع اشتباه تایی دارد اما پاسخ سوال همین است.
قسمت دوم: تطبیق مستند :

نکته ۱: در مجموع کل ۲۸ آزمون از آزمون های ۶۴ مرحله ای داداستان برای آزمون وکالت ۱۳۹۷ ، ۴۰ بار به ماده ۲۴۷ اشاره و استناد شده است. دقت کنید. ۴۰ بار. یعنی در هر موردی که ما به بحث ضابطان رسیدیم تاکید کردیم که از بحث ضابطان حتماً در آزمون وکالت سوال می آید.
نکته ۲: در جواب منکران متن نکته ۴ قسمت سوم مبسوط نامه سوال ۱۰۴ آزمون نهایی جامع سوم مورخ ۱۸ / ۸ / ۱۳۹۷ را عیناً می آوریم: «از مبحث ضابطان یعنی مواد ۲۸ تا ۶۳ و ۶۰۳ تا ۶۱۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ معمولاً یک سؤال در آزمون وکالت به طور متناوب آمده است و با توجه به روال سنوات گذشته، امسال نیز احتمال طرح یک سؤال از این مبحث بسیار زیاد است.» دیدید که این پیش بینی هم محقق شد.

نکته ۳: به جهت رعایت اختصار از ارجاع به موارد متعدد استناد به ماده ۴۴ صرف نظر و صرفاً به مبسوط نامه سوال ۱۰۲ و ۱۱۶ آزمون مرحله ۲۸ از ۶۴ مرحله ای یعنی آزمون نهایی جامع پنجم هفته قبل مورخ ۱۲ / ۹ / ۱۳۹۷ می پردازیم. در قسمت سوم مبسوط نامه سوال ۱۰۲ این آزمون آمده است: «نکته ۱۱: فرد تحت نظر، یعنی کسی که در جرم مشهود با رعایت شرایط ماده ۴۴ و ۴۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ توسط پلیس و بدون دستور قضایی دستگیر شده است.» آیا همین نکته پاسخ سوال ۱۱۵ آزمون ۱۳۹۷ را در خود ندارد؟

نکته ۴: حال به نکته ۵ قسمت چهارم مبسوط نامه سوال ۱۱۶ همین آزمون جامع هفته قبل بنگرید «نکته ۵: ضابطه قانونی دیگر آن است که در جرم غیرمشهود ضابطان وفق ماده ۴۴ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ حق انجام هیچ اقدامی را بدون دستور قضایی ندارند.» اگر فقط این نکته را بدون ماده ۴۴ خوانده بودید، گزینه ۳ را مطمئن بودید که نادرست است. اما آنها که متن ماده را برای فهم نکته خوانده اند به این سوال جواب درست داده اند ولو در کلاس نبوده یا در آزمون های ۶۴ یا ۴۵ یا ۳۷ مرحله ای نبوده و صرفاً در ۵ آزمون جامع آخر شرکت کرده بودند.

نکته ۶: برای اینکه حجت را تمام کنیم به نکته شماره ۳ قسمت سوم مبسوط نامه سوال ۱۰۵ آزمون ۲۶ - (جامع سوم) از ۶۴ مرحله ای مورخ ۱۸ / ۸ / ۱۳۹۷ استناد می کنیم که گفته بودیم: «نکته ۳: متهم تحت نظر متهمی است که با رعایت دو شرط مقرر در ماده ۴۴ و ۴۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ در جرم مشهود و بدون دستور قبلی مقام قضایی، توسط ضابطان دستگیر شده است. آن دو شرط عبارت است از: (۱) وجود قرائن و امارات قوی دال بر ارتکاب جرم مشهود توسط متهم تحت نظر (۲) نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد.»
۱۱۶. در خصوص قرار نظارت قضائی، کدام مورد صحیح نیست؟

(۱) دارای مدت معین است.

(۲) قابل اعتراض نیست.

(۳) شامل یک یا چند دستور نظارت قضائی است.

(۴) اختیاری است.

۱۱۶. گزینه ۲ پاسخ است.

قسمت اول : نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از متن ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ و تبصره های آن است: «ماده ۲۴۷ - بازپرس می تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضائی را که شامل یک یا چند مورد از دستورهای زیر است، برای مدت معین صادر کند:
الف - معرفی نوبه ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس
ب - منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری
پ - منع اشتغال به فعالیتهای مرتبط با جرم ارتكابی
ت - ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز
ث - ممنوعیت خروج از کشور

تبصره ۱ - در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت ارائه تضمین لازم برای جبران خسارات وارده، مقام قضائی می تواند فقط به صدور قرار نظارت قضائی اکتفاء کند.

تبصره ۲- قرارهای موضوع این ماده ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. چنانچه این قرار توسط دادگاه صادر شود، ظرف ده روز، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان می باشد.

نکته ۲: این قرار اختیاری است چون مقنن می گوید «بازپرس می تواند...» و طبق صدر ماده ۲۴۷، حسب مورد دارای یک یا چند دستور نظارتی است و دارای مدت معین است. حسب نص تبصره ۲ این ماده قابل اعتراض است لذا گزینه ۲ «قابل اعتراض نیست» پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند:

نکته ۱: در مجموع کل ۲۸ آزمون از آزمون های ۶۴ مرحله ای داداستان برای آزمون وکالت ۱۳۹۷، ۸۷ بار به ماده ۲۴۷ اشاره و استناد شده است. دقت کنید. ۸۷ بار. یعنی در هر موردی که ما به بحث قرارهای اعدادی رسیدیم تاکید کردیم که از بحث قرارهای اعدادی حتماً در آزمون وکالت سوال می آید. در این خصوص تطبیق مستند سوال ۱۱۹ را هم ببینید.

نکته ۲: اگر به نمودار قرارهای دادسرا نیز نگاه کنید نیز مفاد ماده ۲۴۷ را به عنوان یک قرار اعدادی تکمیلی می بینید.

نکته ۳: به جهت رعایت اختصار از ارجاع به موارد متعدد استناد به ماده ۴۳۰ صرف نظر و صرفاً به مبسوط نامه سوال ۱۱۷ آزمون مرحله ۲۸ از ۶۴ مرحله ای یعنی آزمون نهایی جامع پنجم هفته قبل مورخ ۱۳۹۷/۹/۲ می پردازیم. موضوع اصلی سوال مذکور «شناسایی قرارهای یک یا دومتوره!» بود و در قسمت دوم مبسوط نامه این سوال تحت عنوان «نکته ای درباره مهارت تست زنی در این پرسش:» بیان کردیم که: «(۱) ... از مبحث قرارهای اعدادی تأمیینی (مواد ۲۱۷ تا ۲۴۶) و تکمیلی (۱۰۷ تا ۱۱۳ و ۲۴۷ تا ۲۵۴) بین دو تا سه سؤال در آزمون وکالت می آید. این قسمت از امهات آدک را جدی بگیرید.» و دیدید که سوالات ۱۱۶ از مبحث قرارهای اعدادی تکمیلی و دو سوال ۱۱۸ و ۱۱۹ از مبحث قرارهای اعدادی تأمیینی آمد.

نکته ۴: حال به نکته ۵ قسمت چهارم مبسوط نامه همین سوال ۱۱۷ آزمون نهایی پنجم هفته قبل بنگرید که پاسخ سوال ۱۱۶ آزمون وکالت ۱۳۹۷ شد. «اما دو قرار تکمیلی بازپرس یعنی نظارت قضایی (۲۴۷) و تأمین خواسته (۱۰۷) هر دو غیرقطعی و قابل اعتراض هستند اما نیازمند تأیید دادستان نیستند.»

۱۱۷. دادگاه کیفری متعاقب واخواهی، مکلف به رعایت کدام یک از موارد زیر است؟

(۱) صرفاً دعوت واخواه با تعیین وقت رسیدگی، بررسی ادله و دفاعیات وی و اتخاذ تصمیم مقتضی

(۲) دعوت طرفین با تعیین وقت رسیدگی، بررسی ادله و دفاعیات واخواه و اتخاذ تصمیم مقتضی

(۳) در صورت اقتضا، دعوت طرفین با تعیین وقت رسیدگی، بررسی ادله و دفاعیات واخواه و اتخاذ تصمیم مقتضی

(۴) صرفاً بررسی ادله و دفاعیات واخواه و اتخاذ تصمیم مقتضی

۱۱۷. گزینه ۲ پاسخ است.

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از متن ماده ۴۰۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که مقرر می دارد: «دادگاه پس از واخواهی، با تعیین وقت رسیدگی طرفین را دعوت می کند و پس از بررسی ادله و دفاعیات واخواه، تصمیم مقتضی اتخاذ می نماید. عدم حضور طرفین یا هر یک از آنان مانع رسیدگی نیست.»

نکته ۲: لذا گزینه ۲ «دعوت طرفین با تعیین وقت رسیدگی، بررسی ادله و دفاعیات واخواه و اتخاذ تصمیم مقتضی» پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند:

نکته ۱: در مجموع کل آزمون های ۶۴ مرحله ای داداستان برای آزمون وکالت ۱۳۹۷، ۹ بار به ماده ۴۰۷ و بسیار بیشتر از آن به «تشریفات واخواهی» اشاره و استناد شده است. یعنی در هر موردی که ما به بحث تشریفات واخواهی رسیدیم تاکید کردیم که از بحث اعتراض به آرای بدوی سوال می آید و از مبحث واخواهی بارها سوالات متعدد طرح شده است.

نکته ۲: اگر به نمودار طرق عادی اعتراض به آرای بدوی که در کلاس ها تدریس و حدود یک ماه قبل در دوره امهات مرور کردیم نیز نگاه کنید نیز مفاد ماده ۴۰۷ را می بینید.

نکته ۳: به جهت رعایت اختصار از ارجاع به موارد متعدد استناد به ماده ۴۳۰ صرف نظر و صرفاً شما را به مطالعه نکته ۲۹ مبسوط نامه سوال ۱۱۱ آزمون نهایی جامع سوم و نیز نکته ۴ مبسوط نامه سوال ۱۱۰ آزمون نهایی جامع پنجم در هفته قبل ارجاع می دهیم که در نکته اخیر متذکر شده بودیم: «سؤال ۱۱۳ آزمون وکالت ۹۵ از مبحث واخواهی بود. سؤال ما از متن ماه ۶۱۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ و تبصره آن است. در این خصوص باید مواد ۴۰۶ و ۴۰۷ و ۴۶۱ و نیز ماده ۳۹۴ و تبصره های آنها را ببینید.»

نکته ۴: قطعاً داداستانیهایی که نمودار طرق عادی اعتراض به آرای بدوی را جدی گرفته یا مواد مذکور در نکته مذکور را دیده بودند، این سوال را براحتی ظرف ۱۰ تا ۲۰ ثانیه جواب داده اند.

۱۱۸. چنانچه پس از قطعیت دستور ضبط وثیقه، حکم محکومیت کیفری اجرا شود، تکلیف دستور ضبط وثیقه چیست؟

(۱) دستور ضبط یک چهارم وثیقه صادر می شود.

(۲) کان لم یکن تلقی می شود.

(۳) اجرا می شود.

(۴) دستور ضبط تا یک چهارم وثیقه صادر می شود.

۱۱۸. گزینه ۳ پاسخ است.

قسمت اول : نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از جمع متن ماده ۲۳۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که می گوید: «در صورتی که متهم پس از صدور دستور دادستان مبنی بر اخذ وجه التزام یا وجهالکفاله و یا ضبط وثیقه و پیش از اتمام عملیات اجرائی، در مرجع قضائی حاضر شود یا کفیل یا وثیقه گذار او را حاضر کند، دادستان با رفع اثر از دستور صادره، دستور اخذ یا ضبط حداکثر تا یک چهارم از وجه قرار را صادر می کند. ...»

نکته ۲: با توجه به متن سوال و متن رای وحدت رویه شماره ۶۵۷ مورخ ۱۴/۱۲/۱۳۸۰ که می گوید: «... اجرای حکم کیفری نمی تواند دستور قانونی رئیس حوزه قضایی [طبق قانون سابق آدک که دادسرا و دادستان نداشتیم] را در مورد وصول وجه الکفاله ابطال نموده یا رافع مسئولیت کفیل باشد.» لذا گزینه ۳ «اجرا می شود» پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند :

نکته ۱: در مجموع کل آزمون های ۶۴ مرحله ای داداستان برای آزمون وکالت ۱۳۹۷، ۹ بار به ماده ۲۳۶ بخاطر تبصره ۲ آن اشاره و استناد شده است. از جمله در نکته ۱ مبسوط نامه سوال ۱۰۹ آزمون نهایی جامع اول و نکته ۱۰ مبسوط نامه سوال ۱۱۴ آزمون نهایی جامع سوم.

نکته ۲: لکن همان طور که در اولین نکته مبسوط نامه سوال ۳۳۳ نکته ای صلاحیت که پیوست آزمون نهایی جامع اول هم بود و دیگر مبسوط نامه ها بارها و بارها تکرار کردیم، «هرجا به ماده ای اشاره شود باید تبصره های آن مطالعه شود و بالعکس اگر به تبصره ای اشاره شود باید ماده آن مطالعه شود.» اگر این توصیه را گوش و این ماده را ۱۱ بار خوانده بودید، پاسخ به سوال ۱۱۸ آزمون وکالت ۹۷ بسیار ساده بود. این طور نیست؟

نکته ۳: اگر به نمودار قرارهای دادسرا نیز نگاه کنید نیز مفاد ماده ۲۳۶ را می بینید که حدود یک ماه قبل در دوره امهات آن را مرور کردیم.

۱۱۹. در کدام یک از موارد زیر، بازپرس مکلف به تبعیت از دادستان است؟

(۱) قرارهای تامین کیفری منتهی به بازداشت

(۲) قرار اناطه در مورد جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک

(۳) قرارهای نهائی مرحله تحقیقات مقدماتی در مورد جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک

(۴) عدم احراز ملائت کفیل توسط بازپرس

سوال ۱۱۹. گزینه ۴ پاسخ است.

قسمت اول : نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

سوال از متن ماده ۲۲۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ است: «کفالت شخصی پذیرفته می شود که ملائت او به تشخیص بازپرس برای پرداخت وجهالکفاله محل تردید نباشد. چنانچه بازپرس ملائت کفیل را احراز نکند، مراتب را فوری به نظر دادستان می رساند. دادستان موظف است در همان روز، رسیدگی و در این باره اظهار نظر کند. تشخیص دادستان برای بازپرس الزامی است. در صورت تأیید نظر بازپرس توسط دادستان مراتب در پرونده درج می شود.»

نکته ۲: لذا گزینه ۴ «عدم احراز ملائت کفیل توسط بازپرس» پاسخ این سوال است.

۱۲۰. فرماندار یکی از شهرستان های غیر مرکز استان، مرتکب بزه تصرف غیرقانونی در اموال دولتی می شود. رسیدگی به جرم وی در

صلاحیت کدام مرجع قضایی است؟

(۱) دادگاه کیفری دو مرکز همان استان

(۲) دادگاه کیفری دو تهران

(۳) دادگاه کیفری یک تهران

(۴) دادگاه کیفری یک مرکز همان استان

۱۲۰. گزینه ۱ پاسخ است.

قسمت اول : نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: طبق ماده ۵۹۸ کتاب ۵ ق.م.ا. ۷۵ مجازات این جرم ۷۴ ضربه شلاق است که طبق ماده ۱۹ ق.م.ا. ۹۲ تعزیری درجه شش است و بنابراین طبق ماده ۳۰۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ در صلاحیت دادگاه کیفری دو است.

نکته ۲: سوال از مفهوم ماده ۳۰۸ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که مقرر می دارد: « رسیدگی به اتهامات مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمانها، شرکتهای و مؤسسههای دولتی و نهادها و مؤسسههای عمومی غیردولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران مؤسسهها، سازمانها، ادارات دولتی و نهادها و مؤسسههای عمومی غیردولتی استانها و شهرستانها، رؤسای دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستانها و بخشداران، حسب مورد، در صلاحیت دادگاههای کیفری مرکز استان محل وقوع جرم است، مگر آنکه رسیدگی به این اتهامات به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.»

نکته ۳: از «جا که طبق ماده ۳۰۷:» رسیدگی به اتهامات استانداران، فرمانداران مراکز استان و حسب مورد، در صلاحیت دادگاههای کیفری تهران است..... « پس کلمه فرمانداران در ماده ۳۰۸ اشاره به فرمانداران شهرستان های غیرمرکز استان دارد که اینجا مورد سوال است.

نکته ۴: لذا گزینه ۱ « دادگاه کیفری ۲ مرکز همان استان » پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند :

نکته ۱: اگر صرفاً فایل های مبسوط نامه های آزمون های ۶۴ مرحله ای (و نه ۴۵ یا ۳۷ یا ۳۳ مرحله ای و ...) را در یک فایل ادغام و سپس ماده مورد سوال را در آن جستجو کنید، می بینید که در مجموع کل آزمون های ۶۴ مرحله ای داداستان برای آزمون وکالت ۱۳۹۷، ۱۴۴ بار به ماده ۳۰۸ اشاره و استناد شده است. دقت کنید ۱۴۴ بار. یعنی در هر موردی که ما به صلاحیت محلی یا صلاحیت اضافی رسیدیم بر مطالعه و مرور این ماده به عنوان قواعد خاص صلاحیت محلی اشاره و تاکید کردیم که حتماً از نمودار صلاحیت کیفری و فایل ۳۳۳ نکته ای صلاحیت، طرح سوال خواهد شد.

نکته ۲: به جهت تعداد زیاد مصادیق امکان تکرار همه آنها وجود ندارد و ما بیشتر به ۵ آزمون جامع آخر که بر اهمیت آنها تاکید داشتیم، تمرکز می کنیم تا ببینید چند درصد سوالات آزمون ۱۳۹۷ از موضوعات ۱۰۰ سوال آخر داداستان طرح شده است.

نکته ۳: سوال آزمون ۲۸ (جامع پنجم) از ۶۴ مرحله ای که هفته قبل در مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۰۲ برگزار شد را ببینید: «۱۱۳- اگر فرماندار بابل مرتکب حمل چند بطری مشروبات الکلی دستساز داخلی با مشارکت معاون شهردار ساری در کرج شده و سپس در کاشان مرتکب قتل عمدی شده باشد، به اتهام مشارکت در حمل مشروبات مذکور توسط معاون شهردار ساری در کدام دادسرا و دادگاه رسیدگی می شود؟

(۱) دادسرای عمومی و انقلاب کرج و دادگاه کیفری یک تهران

(۲) دادسرا و دادگاه انقلاب با وحدت قاضی اصفهان

(۳) دادسرا و دادگاه کیفری یک تهران

(۴) دادسرا و دادگاه کیفری یک اصفهان

نکته ۴: در شق ۵ نکته ۷ مبسوط نامه همین سوال گفتیم که: « منتهی در این سؤال حمل مشروبات الکلی داخلی را داریم که مصداق قاچاق کالا می شود طبق مواد ۲۲ و ۴۴ قانون قاچاق کالا و ارز و در صلاحیت دادگاه انقلاب نبوده و طبق مواد ۷۰۲ و ۷۰۳ کتاب ۵ ق.م.ا. ۷۵ اصلاحی ۸۸ در صلاحیت دادگاه کیفری دو است و قتل عمدی که در صلاحیت کیفری یک است و طبق تبصره ۱ ماده ۳۱۴ به هر دو اتهام فرماندار بابل باید در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم اهم و بالاتر یعنی اصفهان رسیدگی شود و این دو اتهام از هم تفکیک نمی شوند و معاون شهردار یا فرماندار یا استاندار یک فرد بزرگسال عادی است و از مقامات ۳۰۷ و ۳۰۸ نیست. فقط معاونین روسای سه قوه و معاون وزیر در ماده ۳۰۷ هستند. پس معاون شهردار ساری هم به تبع فرماندار بابل باید به دادسرا و دادگاه کیفری یک اصفهان برود و لذا گزینه ۲ نادرست و گزینه ۴ درست است.»

نکته ۵: همچنین در متن ۸ نکته از نکات مختلف فایل ۳۳۳ نکته ای صلاحیت ۸ بار به ماده ۳۰۸ اشاره و استناد کرده ایم به عنوان استثنایی بر تغییر صلاحیت محلی از محل وقوع جرم به رمز: «مامو»!!!! بارها تاکید کردیم که سوالات آدک دو محور مهم دارد قرارها و صلاحیت. که این سوال هم از صلاحیت بود.

نکته ۶: در تکمیل نکته ۵ تطبیق مستند سوال ۱۱۹ آزمون وکالت ۱۳۹۷ دیدید که در این آزمون وکالت نیز سوال ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۲۰ مربوط به بحث صلاحیت کیفری است. پیش بینی ۱۰۰ درصد محقق شده در مورد صلاحیت آن هم به فاصله ۲۰ روز مانده به آزمون در آزمون نهایی جامع سوم.